

برای درهم شکستن خط سازش از دستاوردهای تسخیر سفارت امریکا دفاع کنیم

سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است



دشتها، تپهها و کوهپایه‌های جنوب و غرب میهن هر روز شاهد حماسه‌آفرینی‌های غرورانگیز خلق دلاور ایران در پیکار با تجاوزگران است. فداکاری و جانبازی انقلابیون ایران در پیکار عظیمی که در جبهه‌ای به وسعت سراسر میهن جریان دارد در تاریخ جنبش‌های رهائی‌بخش جهان از درخشندگی و شکوه کم نظیری برخوردار است. این بار نام همیشه ماندگار پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یدالله خزلی و فدائی خلق رفیق شهید محمدرضا جعفری زینت‌بخش این شماره "گار" است. خاطره فداکاری و قهرمانی این رفقا که از خونشان سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران لاله‌گون است، همیشه گرمی باد.

پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یدالله خزلی

در صفحه ۱۶

رونالد ریگان و جیمی کارتر پس از آزادی گروگانها حملات خود را به انقلابیون ده‌چندان ساختند. همدا با این دو مار زخم خورده، همه رسانه‌های گروهی امپریالیسم جهانی و دول مرتجع برای بی‌اعتبار جلوه‌دادن اقدام انقلابی تسخیر سفارت امریکا و بازداشت جاسوسان امریکائی در ایران به تبلیغاتی گسترده دست زدند. هم‌اینک رادیوهای امریکا، بی. بی. سی، اسرائیل، عراق، بختیار و همه محافل مرتجع جهان که از بازتاب انقلاب ایران در منطقه و جهان به وحشت افتاده‌اند، یکصدا برای بی‌اعتبار جلوه دادن اقدام انقلابی بازداشت جاسوسان امریکائی بسیج شده‌اند. همه آنها می‌کوشند چنین وانمود کنند که این اقدام انقلابی نه‌تنها یک پیروزی برای ایران نبوده بلکه یک شکست هم بوده‌است. آنها در قبال هر حرکت انقلاب ایران، در قبال هر پیروزی مردم ایران علیه امپریالیسم و بطور کلی در قبال تمامیت انقلاب ایران، همین شیوه تبلیغاتی را ادامه می‌دهند تا به زعم خود از تأثیرات

بقیه در صفحه ۲

«شکنجه‌گروگان‌ها» حيله جديد تبليغاتي
امپریالیسم امریکا • امپریالیسم امریکا خود
وحشی‌ترین و شکنجه‌گرتین رژیم تاریخ است
در صفحه ۱۲

خودداری دولت از شرکت در کنفرانس اسلامی اقدام درستی است
در صفحه ۲۰

صدها سرکرده ضد انقلابی افغانی خطری جدی برای مردم و انقلاب ایران
● خلق‌ها و رژیم‌های ایران و افغانستان در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌های جهان، متحد یکدیگرند. ایجاد امنیت و ثبات در مرزهای دو کشور، در خدمت جریان پیروزمند مبارزه ضد امپریالیستی آنان است.
در صفحه ۱۰

در این شماره

شورا، سندیکا در ۱۱
و اتحادیه‌های کارگری (قسمت دوم)

تقش عظیم زنان شوروی
در ساختمان سوسیالیسم

جنبش دهقانی ایران
روسیای بهار سرا

لقونند (ج) و تهاجم دوباره زمینداران بزرگ جنبش کارگری ایران

راه اندازی کارخانه شمسائی رازی
اقدامی انقلابی و ضروری

مهم‌ترین مسئله اتحاد ماست
ولی مهم‌ترین مسئله اتحاد ماست

بر آوارگان جنگ چه می‌گذرد؟

* رسیدگی به مشکلات بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ‌زده، از مبرم‌ترین وظایف کنونی دولت جمهوری اسلامی است.

* تنها در استان لرستان بیش از ۱۵۰ هزار نفر آواره جنگی وجود دارد.

در صفحه ۴

برای درهم شکستن

بقیه از صفحه ۱

آن بر مردم منطقه و دیگر کشورهای جهان جلوگیری. امروز اکثریت عظیم مردم ایران می دانند چرا امپریالیست ها همه رسانه های گروهی زیر کنترل خود را علیه اقدام انقلابی تسخیر سفارت و بازداشت جاسوسان امریکائی بسیج کرده اند اما شاید هنوز کم نیستند مردمی که ندانند. لیبرال های ایران، بنی - صدوری ها و برخی نیروهای داخلی دیگر نیز درست همان تبلیغاتی را علیه اقدام تسخیر سفارت راه انداخته اند که امپریالیست ها در سطح جهان به راه انداخته اند و از تبلیغات علیه این اقدام همان هدفی را دنبال می کنند که امپریالیست ها دنبال می کنند یعنی فراهم کردن زمینه غلبه خط سازش و سرتگونی خط امام.

اگر کاتر و ریگان و امثال آنها این اقدام را "وحشیگری" و "حماقت" می خوانند و دانشجویان خط امام را "بربر" و مردم ما را "وحشی" می نامند لیبرال های ایران نیز که با اقدام انقلابی تسخیر سفارت همه حیثیت و اعتبار نداشته خود را باختند، احساس می کنند که مجریان و مدافعان این اقدام نغذاشته اند لیبرال ها خون شهیدان خلق را وثیقه هدف های خیانتکارانه خود سازند. با حل مسئله گروگانها یکبار دیگر همه نیروی خود را برای کم اعتبار ساختن این اقدام انقلابی به کار گرفته اند تا به زعم خود با بی اعتبار کردن این اقدام - تسخیر سفارت - نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و مدافعان آن را بی اعتبار سازند و نتایج همه جانبه این اقدام را زیر علامت سؤال قرار دهند.

سخنان برخی از لیبرال ها در مصاحبه پنجشنبه دوم بهمن ماه با روزنامه انقلاب اسلامی، میزان دشمنی آنها را علیه اقدامی که مشت لیبرال ها را در پیشگاه خلق باز کرد و زمینه ایجاد روابط حسنه با امپریالیسم را بطور وسیعی تخریب نمود، نشان می دهد.

دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت لیبرال ها در این باره در مصاحبه های با روزنامه انقلاب اسلامی که اکنون مدافع سرسخت لیبرال ها است چنین گفته است:

"یک شعر فارسی هست که نه شعرش یادم است و نه شاعرش که می گوید: "نادان همان کاری را می کند که هائل می کند منتها بعد از دادن خسارات زیاد."

دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی در مصاحبه با روزنامه رئیس جمهور گفته است:

"فکر می کنم این مسئله از اول یک خطا، یک اشتباه و یا یک خیانت بوده است و طبعاً نتایجی برای مردم ایران نداشته است. یعنی ایران نهنتنها هیچ چیز در مقابل گروگانگیری نگرفت، بلکه جنگ عراق و آمدن آمریکا با نیروی نظامی به خلیج فارس و مسدود شدن اندوخته های ایران و هم تر از همه محکوم شدن انقلاب در عرف بین المللی بخاطر این گروگانگیری بود."

و البته همه این حرفها علاوه بر حرفها و تفکرات صحنه های هائی است که گاه و بیگاه در روزنامه انقلاب اسلامی سیاست های خود را به پیش می برند و صد البته همه این حرفها را تمامی محافل امپریالیستی، فاسی ارتجاع منطقه شب و روز در رادیوها - و روزنامه های تکرار می کنند. کسی که این حرفها را بدون ذکر ماخذ بشنود، محال است تشخیص دهد که این حرفها گفته های رادیوهای واشینگتن، اسرائیل، بی.بی.سی است یا نوشته ها و مصاحبه های روزنامه رئیس جمهور.

ما همزمان با اعلام شرایط مجلس در کار شماره ۸۴ (۱۴ آبان) نوشتیم:

لیبرال ها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش خواهند کرد با استفاده از خصیصه که امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی پیش آورده، با استفاده از گرانی و بیگاری که قبل از هر چیز

دلشان بخواهد مردم ما را تحقیر کنند و اگر اعتراضی دیدند و یا جسارتی به آنها شد، ایرانیان "وحشی و بربر" را هرطوری که صلاح دیدند تنبیه کنند و بعد هم روانه امریکا شوند. دهها هزار کارشناس نظامی و سیاسی و صنعتی و کشاورزی امریکا به موهبت قرارداد کاپیتولاسیون در ارتکاب هر جنایتی علیه مردم ما مجاز بودند. آنها از ثروت این خلق ستم دیده حقوق های کلان می گرفتند تا منافع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن را در ایران پاسداری کنند. آن زمان هنوز در میهن ما به مزدوران "حق توحش" پرداخت می شد. آنها این سرزمین را مال خود و مردم ایران را برده خود می دانستند و مجاز بودند برای حفظ نظام غارت، ستم و استعمار، خلق ما را زیر چکمه های خونین خود تحقیر و خورد کنند. این وضع هنوز هم در کشورهای زیر سلطه آسیا، آفریقا و امریکا لاتین برقرار است و توده های ستم دیده آسیا، آفریقا و امریکا لاتین با خشم و نفرت بدانی می نگرند و برای از میان بردن آن و همه دیگر مظاهر سلطه امپریالیسم مبارزه می کنند.

باری، تسخیر انقلابی سفارت، تجلی اراده مردمی بود که با انقلاب پرشکوه یهمن رژیم سرسپرده شاه را به گور سپرده بودند و با تسخیر مرکز جاسوسان، انهم در زمانی که امپریالیسم امریکا به همدستی لیبرال ها شرایط شکست انقلاب را تدارک می دید، مشت بر دهان امپریالیسم و دولت لیبرال مورد حمایت آنان کوفتند این اقدام صدای خروشان مردمی بود که اعلام می داشتند دیگر هرگز اجازه نخواهند داد جاسوسان امریکائی مثل گذشته با سرنوشت این خلق کبیر بازی کنند. تسخیر سفارت، فریاد مردمی بود که با صدای رسا به خلفهای زیر سلطه جهان پیام می دادند که برخیزید و نظام ستم و تحقیر امپریالیست را درهم کوبید. این اقدام انقلابی نهنتنها در دل دهها میلیون مردم ایران بلکه در دل صدها میلیون مردم جهان زیر سلطه شور و امید به قیام علیه امپریالیست ها را برانگیخت و افسانه قدر قدرتی امپریالیسم امریکا را یکبار دیگر در انظار خلفهای آسیا، آفریقا و امریکا لاتین درهم شکست. وقتی سفارت امریکا در تهران تسخیر می شود، وقتی جاسوس امریکائی این چنین خوار و زبون در ایران انقلابی به زندانی افتند امریکا هم هیچ غلظی نمی تواند بکند، همکار جاسوس او متکبل می تواند بدون هراس از خشم توده ها در کراچی، قاهره، رباط، سانتیاگو و غیره با فراغ بال سیاست امپریالیست ها را به پیش بردو قطعا این اقدام به همان اندازه گه پشت امپریالیست ها را می لرزاند، پشت خلفهای زیر سلطه را گرم می کند. پس این اقدام مورد کینه و نفرت امپریالیست ها و دوستان مرتجع آنها است. پس همانقدر که من و تو از این اقدام شاد می شویم، بارزگانها، امیرانتظامها و قطب زاده ها از این اقدام متنفرند. چرا که هر کس با مواضع و ماهیت طبقاتی خود با این اقدام برخورد می کند.

اما نتیجه این اقدام به همین جا ختم نمی شود. مهم ترین دستاوردهای تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها را می توان چنین برشمرد:

(۱- ارتقاء آگاهی توده ها و گسترش و تعمیق مبارزه علیه امپریالیسم

پس از تسخیر سفارت امریکا، دهها میلیون ایرانی با آگاهی یافتن از دسیسه های که جاسوسان امریکائی به همدستی لیبرال ها علیه منافع مردم و علیه انقلاب ترتیب داده بودند، بیش از پیش به ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم پی بردند. افشاکاری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که توسط رادیو - تلویزیون و در ابعاد میلیونی انعکاس می یافت، توده های محروم میهن ما را هرچه بیشتر با ماهیت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا آشنا کرد. مردم به وضوح دیدند که مرکز جاسوسی، لانه های بوده است علیه منافع آنها و عدل پیروفت انقلاب. مردم به چشم خود دیدند و بوش خود شنیدند که جاسوسان امریکا به دستور کار سفید و وزارت خارجه امریکا با سرمایه داران وابسته، با مقدمه های امریکا و امیرانتظامها و با همدستی برخی روحانیون مرتجع و

خود آنها و اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم امریکا مسبب آن بوده اند، در روزهایی که حل مسئله گروگانها در دستور قرار گرفته، اقدام انقلابی تسخیر سفارت، بازداشت گروگانها، افشای دوستان و جاسوسان امریکا را زیر علامت سؤال قرارداد و بدینسان نیروهای ضدامپریالیست را تضعیف کنند. لیبرال ها امیدوارند که مسئله گروگانها را تا آنجا که ممکن است به سود سیاست خود حل کنند و به هر صورتی که این مسئله حل شود، آن را دلیل درستی سیاست خود و نمود کنند. نهنتنها نباید گذاشت لیبرال ها از وضعی که پیش آمده به زیان انقلاب و به سود تحکیم مواضع خود بهره برداری کنند بلکه هم اینک افشای سیاست امپریالیسم امریکا و لیبرال های مورد پشتیبانی آن بیش از هر زمان دیگر اهمیت یافته است.

و امروز می بینیم که هم لیبرال ها، هم بنی صدوری ها و هم سهجانی ها و برخی نیروهای دیگر درست همان هدف را پیش می برند. روزنامه انقلاب اسلامی، روزنامه میزان و بطور کلی لیبرال ها، بنی صدوری ها و غیره هم اینک روزی نیست که در جهت بی اعتبار جلوه دادن عمل انقلابی تسخیر سفارت امریکا که مورد حمایت دهها میلیون ایرانی بپاخاسته علیه امپریالیسم بوده و هست، دست به اقدامی کینه نوزانه زنند. همه آنها تلاش دارند در ذهن توده های مردم این تصور را ایجاد کنند که این اقدام هیچ ثمری نداشته و تنها یک "عوام فریبی ضد امپریالیستی" بوده است نه چیز دیگری و صدا بلند بشت این تهاجم وسیع تبلیغاتی این هدف خوابیده است: بی اعتبار کردن دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی اعتبار ساختن خود آیت الله خمینی و بطور کلی بی اعتبار کردن همان نیروئی که به نام خط امام معروف است، به سود لیبرال ها و بنی صدوری ها و در نهایت برای غلبه خط سازش در جمهوری اسلامی.

از همین رو است که لازم است بار دیگر به اختصار دستاوردهای تسخیر مرکز جاسوسی را مرور کنیم و اثرات این اقدام انقلابی را تا آنجا که در توان ماست برای توده های مردم توضیح دهیم. چنین کاری مادام که لیبرال ها و بنی صدوری ها تلاش دارند سیاست های خود را با حمله به این اقدام و بی اعتبار جلوه دادن دستاوردهای آن به پیش برند، از وظایف مبرم ماست.

دستاوردهای تسخیر سفارت

زمانی در میهن ما درخیمان امپریالیسم کسه کارشناسان نظامی نام داشتند، جاسوسان کارکشته سیا که برای تربیت کارهای ساواک و رهبری سرکوب توده ها در ایران حضور داشتند و دیپلمات کارشناس و غیره نامیده می شدند، همه مزدوران رنگارنگ امپریالیسم حق داشتند هر جنایتی را در ایران مرتکب شوند بدون آنکه دولت ایران که سرسپرده امپریالیست ها بود، بتواند حق داشته باشد آنان را حتی برای چند روز بازداشت کند. بدون آنکه یک ایرانی حق داشته باشد علیه آنها به دادگاه های ایران شکایت برد. از قرارداد کاپیتولاسیون که مصونیت اتباع امریکائی را در ایران تضمین می کرد بسیاری مطلعند. امثال این قرارداد هنوز هم در کشورهایی که رژیم های سرسپرده امریکائی روی کارند، همچنان به قوت خود باقی است. مطابق این قرارداد اگر یک امریکائی مقیم ایران فلان کارگر کارخانه یا فلان سرباز و افسر ایرانی را میکشد و یا به هر جنایت دیگری دست می زند، ایران هیچ حقی برای محاکمه او نداشت. با همین قرارداد بود که یک جاسوس مست امریکائی وقتی در شیران یک زن و مرد ایرانی را کشت نهنتنها تنبیه اش این بود که از جانب سفارت امریکا روانه کشور خودش شد تا ناز شست بگیرد. مطابق همین قرارداد بود که امریکائی ها می توانستند هر جا

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا مبارزات خودادامه خواهند داد

چرا حل مسئله گروگانها «بسیار دشوار» نیست؟

ما هنگامی که مجلس شورای اسلامی شرایط آزادی گروگانها را اعلام داشت، چنین نوشتیم: «چپروها هرگونه تلاش برای برخورد با مسئله جاسوسان آمریکایی را سرآغاز سازش با امپریالیسم تلقی خواهند کرد. آنها با هر قدمی که در راه حل مسئله گروگانها برداشته شود، مخالفت خواهند کرد. بسیاری از آنها تسخیر سفارت را "توطئه حکومت" و "عوام فریبی ضد امپریالیستی" دانستند. آنها همان چیزهایی را تبلیغ می کردند که ضدانقلاب می گفت. آنها ابتدا حکومت را "مرتجع" معرفی می کردند و سپس عوام فریبانه می گفتند "مرتجع نمی تواند ضد امپریالیست باشد" پیگاریها از این هم وقیح تر عمل کردند. آنها این اقدام انقلابی را محکوم کردند، آنها تسخیر سفارت را "توطئه" اعلام کردند و با آن مخالف بودند. حالا هم با هر اقدامی که در جهت حل مسئله گروگانها صورت گیرد، مخالف خواهند بود. آنها همیشه با هر چه به دولت و حکومت مربوط می شود، مخالفند. با تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها مخالف بودند، حالا هم با هر تلاشی که برای حل مسئله گروگانها به هر شکل و صورتی که باشد، مخالف خواهند بود.

همه کسانی که تصمیم گرفته اند جمهوری اسلامی را ارتجاعی، ضد خلقی، وابسته، فاشیستی و ارگان سازش بدانند، برای اثبات تئوریهای ضد علمی و ورشکستشان چاره ای ندارند جز آنکه چشم و گوش خود را بر همه واقعیتها ببندند و همانطور که در گذشته تسخیر سفارت را توطئه دانستند و آن را محکوم کردند، همانگونه که پشتیبانی از سیاستهای ضد امپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی را سازشکاری خواندند و محکوم کردند، همانگونه که آنگاه کودتای آمریکایی علیه جمهوری اسلامی را منتفی می دانستند و می گفتند چاقو دستاش را نمی برد؛ و همه کسانی که شعار "مرگ بر ارتجاع" را بجای مرگ بر امریکا تکرار می کنند، حالا هم بدون هیچگونه ارزیابی از وضعیت کنونی هر تصمیمی را که از جانب حکومت جمهوری اسلامی برای تعیین تکلیف گروگانها اتخاذ شود، حتی اگر منطقی ترین و درست ترین تصمیمات هم که باشد، "قطعا" آن را بعنوان "سازش" و "توطئه" و "دروغ" و "فریب توده ها" محکوم خواهند کرد. همانگونه که پیش بینی می شد، همه آنها در آن زمان، اعلام شرایط آزادی گروگانها را "سازش" خواندند. امروز نیز طبعاً "چپروها" به همین اعلام "سازش" کسل کننده و مبتذل ادامه می دهند و جالب توجه است که لیبرالها نیز که همواره خواستار آزادی بی قید و شرط گروگانها بوده اند و همیشه مردم را از خطر امریکا می ترسانند و می گویند بازداشت گروگانها "بازی کردن بدون آنکه حریفها گذشته خود را که هزاران بار تکرار کرده اند، بیاد آورند، بیشرمانه اعلام می دارند که دولت جمهوری اسلامی "سازش" کرده است. لیبرالها و افسای "سازش با امریکا؟ پناه بر خدا! این هم نیرنگ جدید لیبرالها!

برای درک بی باکی برخورد "چپروها" با مسئله گروگانها که اینک به بهترین وجهی مورد بهره برداری لیبرالها و بنی صدریها قرار گرفته است، کافیست به واقعیتهای زیر توجه کنیم:

بیش چپروانه از روزهای پیش از انقلاب تا به امروز بارها سازش تمام و کمال خطا امام را با امپریالیسم اعلام داشته است این بیش وقتی هنوز آیت الله خمینی در پاریس بود با اشاره به برخی گزارشات خبرگزاریهای جهان مبنی بر ملاقات ایشان با فرستادگان دولت های فرانسه و غیره "سازش" را اعلام می داشت. این بیش پس از انقلاب نیز همواره حکومت موقت بازگان را دلیل "سازش" خط امام و ضد امپریالیست نبودن آن می دانست. وجه حکومت بازگان برای "بیش" چه کافی بود که ماهیت طبقاتی خطا امام را درگون جلوه دهد. برخی از حاملان این بیش با اشاره به دولت موقت اعلام

بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۲

برای درهم شکستن...

برخی فرماندهان خائن مثل مدنی، باقری و غیره به همدستی روزنامه ها مثل بامداد برای درهم شکستن انقلاب توطئه می چیدند. مردم در ابعاد میلیونی ماهیت لیبرالها این دوستان امپریالیسم را شناختند و دریافته اند که دولت امریکا سیاستهای خود را برای به شکست کشاندن انقلاب از طریق دولت موقت بازگان به پیش می برد. خط امام نیز با این حادثه در شناخت دوست و دشمن گامی بلند به پیش برداشت.

همزمان با تسخیر سفارت، مبارزه علیه امپریالیسم در ابعاد میلیونی گسترش یافت. این تحول بدون تردید در تداوم و تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران نقشی تاریخی ایفاء کرد. اقداماتی که پس از این حادثه امپریالیستها علیه انقلاب اتخاذ کردند، مثل تحریم اقتصادی به مردم ما بیش از پیش نشان داد که امپریالیسم جهانی یک پیکر واحد است که اگر امپریالیسم امریکا سر و سینه آن باشد، امپریالیسمهای اروپایی و ژاپنی دست و پای آن هستند. بدون تردید اقدام تسخیر سفارت در شناساندن ماهیت امپریالیسم به توده های ما و دیگر خلقهای خاورمیانه نقشی تاریخی ایفاء کرده است، نقشی که برای شناخت همه جوانب آن باید همچنان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲- سقوط کابینه لیبرال بازگان و شرکاء و شکست سیاست گام به گام

با تسخیر سفارت، کابینه لیبرال بازگان و شرکاء سقوط کرد. سیاست گام به گام که سیاست پشتیبانی از مواضع سرمایه داران بزرگ و تحکیم مواضع لیبرالها در داخل و اتخاذ سیاست خارجی نزدیکی به غرب بود، با شکست مواجه شد. معاون بازگان، جاسوس امپریالیسم امریکا از آب درآمد و به زندان افکنده شد. برخی از لیبرالها فراری شدند. لیبرالها عمدتاً از قدرت طرد شدند. در ارتش نیز لیبرالها بسیاری از مواضع حساس را که در زمان بازگان به عهده داشتند، از دست دادند. برخی از یاران بازگان که زمانی توسط بازگان به فرماندهی ارتش گماشته شده بودند، بعدها به خاطر رهبری کودتای نوزده اعدام شدند. (سپهبد مهدیون - تیمسار محقق)

طرد لیبرالها از قدرت، سدی را که در برابر تداوم انقلاب ایجاد شده بود، درهم شکست. نهادهای انقلابی تقویت شدند. اصلاحات و تغییرات در همه نهادهای سابق ادامه یافت.

چرا حل مسئله گروگانها به سود انقلاب بود؟

با گذشت زمان ضرورت حل مسئله گروگانها فزونی می یافت. بازداشت جاسوسان آمریکایی که در نخستین ماههای پس از تسخیر سفارت دستاوردهایی را که قبلاً بر سر میزیم به بار آورد، نمی توانست با مرور زمان همچنان عملکرد نخستین خود را حفظ کند. به ویژه آنکه دولت جمهوری اسلامی نتوانسته بود در سطح جهان و خصوصاً در سطح کشورهای امریکا و اروپای غربی علل و انگیزه های تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها و نیز خواسته های عادلانه مردم ایران را برای جهانیان توضیح دهد. ادامه بازداشت گروگانها آنهم در شرایطی که در غیاب تبلیغات وسیع از جانب ایران، همه رسانه های گروهی زیر کنترول امپریالیسم تلاش داشتند آن را به وسیله ای برای تبلیغ علیه انقلاب ایران بدل سازند، به امپریالیستها فرصت می داد تا مردم کشورهای غرب را علیه انقلاب ایران برانگیزند و آنان را در سیاستهای تجاوزکارانه علیه انقلاب ما و سایر انقلاب های کشورهای زیر سلطه جهان با خود همراه سازند. چنین پدیده ای اگر شکل می گرفت، قطعاً به سود جنگ افروزرترین محافل امپریالیستی و به زیان

جبهه انقلاب جهانی بود. چنین پدیده ای می توانست اثراتی را که جنگ عادلانه مردم ویتنام به بار آورد و در مردم کشورهای امپریالیستی وسیعاً همدردی نسبت به خلقهای بیخاسته جهان را برانگیخت، زایل سازد. ما در کار ۸۳ چنین نوشتیم:

"ویتنامیها هنگامی که با قشون بسیار مجهز و صدها هزار نفری امپریالیسم امریکا و متحدان آن در خاک ویتنام می جنگیدند، علاوه بر همه قهرمانی هایی که در عرصه جنگ علیه دشمن از خود بروز می دادند، هرگز فراموش نمی کردند که باید از متحدان طبیعی انقلاب، از کسانی که آماده اند از خلق ویتنام در بیگار دلاورانه اش برای استقلال و آزادی حمایت کنند، حداکثر استفاده را بنمایند.

ویتنامیها - گذشته از برقراری نزدیکترین و نیرومندترین روابط با متحد طبیعی انقلاب، یعنی اردوگاه سوسیالیسم و دولت های ترقیخواه جهان، لحظه ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و دولت های ترقیخواه جهان، لحظه ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و خلقهای زیر سلطه جهان با خود باز نمی ایستادند. این تبلیغات ویتنام اعتراض وسیع کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی را علیه دخالت امپریالیسم امریکا در ویتنام برانگیخت و دولت امریکا را سخت زیر فشار قرار داد تا از ارتکاب جنایات بیشتر در ویتنام بپرهیزد و مهم تر از همه، دولت های امپریالیستی جهان و در رأس همه آنها دولت امریکا را چنان در انظار عمومی افساء ساخت و چنان خشمی علیه امپریالیسم در موطن امپریالیسم برانگیخت که بدون تردید در دامن زدن به مبارزه خلقهای زیر سلطه علیه امپریالیسم و مبارزه کارگران و روشنفکران کشورهای امپریالیستی علیه امپریالیسم نقشی بسزا داشت در واقع همین تبلیغات ویتنام بود که پیام انقلاب ویتنام را به همه جهان صادر کرد و توانست در مبارزه ستمکشان جهان علیه ستمگران جهان نقش تاریخی خود را بازی کند.

با توجه به اینکه حس همدردی مردم کشورهای امپریالیستی نسبت به انقلاب های مردم کشورهای زیر سلطه عاملی بسیار مهم در مهار کردن سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیستها است و در استقرار صلح و تضعیف جبهه جهانی ضد انقلاب و تقویت جبهه انقلاب جهانی نقشی بسزا دارد، می توان دریافت که حل مسئله گروگانها در شرایطی که به هدفهای سیاسی خود دست یافته، با گذشت زمان عملکرد ماههای نخستین پس از تسخیر سفارت را از دست داده و از این پس امکان بهره برداری امپریالیستها وجود می داشت، تا چه حد به سود انقلاب ایران و به سود جبهه جهانی انقلاب بوده است. بر این اساس حتی باید اذعان کرد که حل مسئله گروگانها تا اندازه ای هم دیر شده بود.

ادامه بازداشت گروگانها به ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی امکان می داد که حضور نظامی خود را در منطقه توجیه کنند، امپریالیستها زیر پوشش تلاش برای آزادی گروگانها فرصت می یافتند افکار عمومی کشورهای غرب را در جهت پیشبرد سیاستهای خود بفریبند و قطعاً در چنین شرایطی برای کشورهای سوسیالیستی جهان و دیگر دول ترقیخواه نیز اثبات حقانیت انقلاب ایران به مردم کشورهای غرب تا اندازه ای دشوار می شد. کشورهای سوسیالیستی همواره سعی دارند وسیع ترین توده های مردم کشورهای امپریالیستی را علیه امپریالیسم بسیج کنند اما با وضعی که پیش می آمد، عملاً تلاش ترقیخواهانه این دولت ها را برای گسترش هر چه بیشتر مبارزه مردم امریکا و اروپای غربی علیه سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیستها با دشواریهایی روبرو می کنند. در یک کلام ادامه بازداشت گروگانها دیگر نمی توانست به سود انقلاب ایران، به سود جبهه انقلاب جهانی و در جهت منفرد ساختن هر چه بیشتر محافل امپریالیستی باشد و باید برای حل آن اقدام می شد.

بر آوارگان جنگ چه می‌گذرد؟

* رسیدگی به مشکلات بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ - زده، از مبرم‌ترین وظایف کنونی دولت جمهوری اسلامی است.

* تنها در استان لرستان بیش از ۱۵۰ هزار نفر آواره جنگی وجود دارد.

گذشته از ضایعات مادی و شهادت بسیاری از بهترین فرزندان خلق در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم مرتجع عراق، مصائب جنگ بسی فراتر از این با فقر و آوارگی صدها هزار زحمتکش غرب و جنوب میهنمان همراه بوده است. زندگی اسفانگیز و پرمشقت این آوارگان جنگ‌زده نمی‌تواند خشم و نفرت هر انسان پاکدل و شرافتمندی را نسبت به پلیدی‌ها و جنایات رژیم متجاوز عراق برنیانگیزد. بی‌شک این جنایات خارخه هجوم ددمشانه ارتش صهیونیسم به مناطق اشغالی فلسطین را، زنده می‌کند.

وضعیت آوارگان جنگی در استان لرستان:

براساس آمارهای رسمی تعداد آوارگان جنگ‌زده در استان لرستان تا ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد که نزدیک به ۹۰ تا ۱۰۰ هزار نفر آنها در بروجرد، ۲۰ هزار نفر در خرم‌آباد، ۱۲ هزار نفر در الیگودرز، ۲۳ هزار نفر در درود مستقر شده‌اند. بخشی از این آوارگان جنگی به‌ویژه در الیگودرز و درود - در مناطق روستایی اسکان یافته‌اند و نزدیک به دوهزار نفر نیز در اردوگاه ملاوی خرم‌آباد به‌سر می‌برند.

شرایط زیست مهاجرین جنگ‌زده در این استان از هر لحاظ تاسف‌انگیز است آنها به‌ویژه از لحاظ مسکن در مضیقه قرار داشته و در تهیه و تامین آذوقه با مشکلات و نارسائی‌های فراوان روبرو هستند. اغلب آنها فاقد ابتدائی‌ترین وسایل زندگی هستند. در بروجرد تعدادی از مهاجرین به نزد اقوام و خویشان خود پناه برده‌اند. در منزل آنهايي هم که توانسته‌اند

خانهای محقر اجاره کنند، چندین خانوار زندگی می‌کنند. اما اکثر آوارگان جنگ‌زده در این شهر در مدارس و دبیرستان‌ها ساکن شده‌اند و در شرایطی که در این مدارس بی‌در و پیکر و در سرمای شدید بروجرد، حتی به تعداد افراد خود پتو در اختیار ندارند، بطوری که در این مدت نیز تعدادی از اطفال آنها از شدت سرما جان سپرده‌اند، از این نظر وضعیت زنان باردار دردآورتر و نگران‌کننده‌تر است.

در شهرهایی نظیر درود نیز بخشی از ساختمان‌های دولتی در مجتمع‌های مسکونی در اختیار مهاجرین قرار گرفته است. مجمله

ساختمان‌های وابسته به صنایع نظامی درود که حدود ۲ هزار نفر را در خود جای داده‌اند. این ساختمان‌ها فاقد آب و برق بوده و تقریباً برای هر ۵۰۰ نفر یک توالت و یک شیر آب وجود دارد که شرایط بد آب و هوا و نارسایی امکانات درمانی را نیز باید بر این مشکلات افزود.

در ابتدا برای مهاجرین که بطور دسته‌جمعی به‌سر می‌بردند جیره غذایی تهیه می‌شد که از جانب مقامات و ارگان‌هایی چون فرمانداری در اختیارشان قرار می‌گرفت. اما اکنون بخش عمده کمک‌ها از طریق ارگان‌هایی نظیر ستاد کمک‌رسانی، پاسداران، بسیج و هلال‌احمر صورت می‌گیرد. این کمک‌ها در اختیار کمیته‌های مساجد قرار داده شده و از این طریق توزیع می‌شود. اخیراً نیز بعضی مایحتاج آنها از طریق کارت‌های جیره‌بندی - همچون اهالی بومی - تامین می‌شود. همچنین منازل برخی از روحانیون از مراکز توزیع مایحتاج

مهاجرین است. بی‌برنامگی و عدم هماهنگی در میان ارگان‌های حکومتی و مردمی و برخورد نادرست بعضی از آنها با مسئله آوارگان جنگ‌زده، تاکنون موجبات نارضایتی فراوانی را در میان مهاجرین به‌وجود آورده است. همچنین مسئله بیگاری و اختلال در پرداخت حقوق مهاجرینی که مشاغل دولتی دارند، یکی دیگر از عوامل نارضایتی آنهاست. که در مجموع فرصت‌های مناسبی را برای فعالیت و تبلیغات مخرب ضدانقلاب در میان این زحمتکشان فراهم آورده است.

گیلانغرب (مناطق چله):

در گیلانغرب اکثر آوارگان جنگ‌زده در مناطق "چله" به‌سر می‌برند. این زحمتکشان غالباً دهقانانی هستند که با شروع جنگ خانه و کاشانه و زمین‌های زیر کشت‌شان در زیر گلوله‌های دشمن به‌ویژه‌های بدل شده و ناچار راهی این مناطق شده‌اند.

مناطق "چله" حدود ۵۰ کیلومتر از خاک گیلانغرب را در بر می‌گیرد. در طول این مسافت در کنار هر روستا چند مرغداری به‌طول تقریبی ۳۰ متر و عرض ۳ متر قرار دارد. اکنون در هر مرغداری که سقف‌های گل‌اندود آن یارای مقاومت در برابر باران‌ها و برف‌های موسمی را ندارد، ۲۵ خانواده جنگ‌زده به‌سر می‌برند که با کشیدن پرده‌ای از هم جدا شده‌اند - در طول‌های روستاهای این مناطق نیز چندین خانوار بطور یکجا زندگی می‌کنند. در سیاه‌چادرهای محلی نیز، عده‌ای از مردم آواره زندگی می‌کنند. همچنین در گوشه و کنار هر روستا بعضی از آوارگان کودکانی نمازی به‌عمق یک‌متر حفر نموده،

روی آن را پوشانیده و در آن زندگی می‌کنند.

در این مناطق از توزیع پتو، پوشاک گرم، آرزاق عمومی و نفت و همچنین فعالیت کمیته‌های امداد چندان خبری نیست. مهاجرین ساکن این مناطق در بسیاری مواقع مجبورند برای خرید یک پیت نفت فرسنگ‌ها راه را تا شهر طی کنند. آن‌هم اگر از بیماران خبری نباشد و نفتی دریافت شود. بهای آن با هزینه ایاب و دهاب ۳۰ تومان تمام خواهد شد. امکانات درمانی منطقه نیز تنها در وجود یک پزشک هندی که در یکی از روستاهای منطقه مقیم است، خلاصه می‌شود. هر صبح که از مسیر جاده‌های "چله" می‌گذری، در مسیر روستاها در کنار هر مرغداری مادران غم‌زده‌ای دیده می‌شوند که کودکان خود را تنگ در آغوش فشرده، به‌سوی مطب دکتر روانند. تازه پس از طی مسافتی طولانی، ساعت‌ها باید در فضای سرد اطراف درمانگاه به انتظار معایبه دکتتر - بایستند.

کلاس‌های درس دانش - آموزان در زیر چادرهایی که فاقد هرگونه وسایل گرم‌کننده است، تشکیل می‌شود چادرهایی که آب باران به‌راحتی از داخل آنها نفوذ کرده و همیشه کف آن را گل و شل فرا گرفته است. بطوری که تا می‌چ در آن فرو می‌رود. این در حالی است که دانش‌آموزان، کودکان و شرایط زندگی روبرو هستند، تن مقاومت شعله می‌کشد. با آنها که صحبت می‌کنی، می‌گویند: "آخر چه کسی به خان‌ها اسلحه داده تا از سرزمین ما دفاع کنند، باید ما مسلح شویم تا از حق خود و میهن خویش دفاع کنیم." و این همه تنها گوشه‌هایی

از مصائبی است که آوارگان جنگ زده میهنمان با آن روبرو هستند. مصائبی که علیرغم کوشش نهادهای انقلابی و کمک‌های بی‌دریغ مردم سراسر ایران همچنان بر دوش آوارگان سنگینی می‌کند و اکثراً از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محرومند. امروز مشکل بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ‌زده یکی از دشواری‌های عظیم انقلاب ما را تشکیل می‌دهد و به‌صورت یکی از مهم‌ترین مسائل پشت جبهه مدلل شده است. بر دولت جمهوری اسلامی و هر سرتی ترقیخواه و میهن‌پرست است که با درک اهمیت این موضوع به وظیفه انقلابی خویش در قبال صدها هزار انسان رنج‌دیده و آواره میهنمان بشتابند.

چه باید کرد؟

به‌اعتقاد ما رسیدگی به مسئله آوارگان و رفع نیازهای حیاتی آنان امری ممکن و شدنی است و توجه به موارد ذیل می‌تواند راه‌حلی برای رفع نارسائی‌های صدها هزار آواره جنگی باشد:

- ۱- اساسی‌ترین نارسائی‌ها ناهماهنگی ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی مربوط به کمک‌رسانی و رسیدگی به آوارگان است که خود کلاف سردرگم و پیچیده‌ای را به‌وجود آورده است. دولت باید قبل‌از هر چیز تمامی ارگان‌های کمک‌رسانی را در یک تشکیلات واحد سراسری سازمان دهد.
- ۲- این تشکیلات واحد سراسری به کمک واحدهای خود در مرکز آوارگان و همیاری مردم آمار جنگ‌زدگان را جهت تامین نیازمندی‌های آن تهیه نماید.
- ۳- کمک‌های مردم و بقیه در صفحه ۱۵

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

حزب کمونیست عراق

مردم عراق را به سرنگونی رژیم صدام و قطع جنگ دعوت کرد

در حال حاضر با آن مواجه است، ندارد و آن آزاد ساختن فلسطینیها و سرزمینهای اشغال شده عرب توسط ارتش نجاوژگر اسرائیل است تا خلق عرب فلسطین بتواند به سرزمین مادری خود بازگردد و دولت ملی و مستقل خود را بنا کند. هدف دیکتاتوری نظامی همچنین آن است که از طریق درگیر ساختن خلق ما در جنگ کثیف خود و دامن زدن به تعصبات نژادی و خصومت‌های ناسیونالیستی و جستجوی افتخارات دروغین به بهای فدا ساختن منافع عالیله خلق، سرزمین مادری و ملت، توجهات را از بحران تعیین کننده یافته‌ای که رژیم دیکتاتوری با آن مواجه است، منحرف سازد.

حزب کمونیست عراق در حالیکه این جنگ ویرانگر را محکوم می‌سازد، مجدداً تأکید می‌کند که هیچ اختلافی نیست که نتواند در جهت تأمین منافع خلق‌های همسایه و برادر ایران و عراق و در جهت مبارزه علیه امپریالیسم و برای تحقق پیشرفت و ترقی دو کشور از طریق صلح‌آمیز حل نشود.

این جنابیتی هولناک است که خون ارتشیان و مردم دو کشور بر زمین ریخته شود و تاسیسات اقتصادی آنها ویران گردد و ویرانگری در دو کشوری حکمفرما شود که برای بهره‌برداری از منابع ملی خود و غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و ساختن آینده درخشان جهت توده‌های زحمتکشی که سالیان سال از بی‌عدالتی ستمگران، دیکتاتورها، امپریالیست‌ها و استثمارگران رنج برده‌اند، شدیداً به صلح و آرامش نیاز دارند. افراد مسئول ارتش به درستی درک می‌کنند که باید علیه دشمن صهیونیست مبارزه کنند نه علیه ارتش ایران.

حزب کمونیست عراق از خلق ما و نیروهای وطن‌پرست آن، از تمام میهن‌دوستان و افراد ارتش می‌خواهد تا بخاطر پایان بخشیدن به این جنگ ویرانگر و یافتن راه حل صلح‌آمیز مسائل مورد اختلاف، مانع از پیشرفت ارتش و دست برداری دیکتاتور شوند و از پیش‌تر رفتن این جنابیت ناسف‌آور جلوگیری کنند.

فرزندان خلق مبارز عراق!

افراد نیروهای میهن دوست ارتش!

صوف خود را متحد سازید و یکپارچه برای سرنگون ساختن دار و دسته دیکتاتوری که تمام این مصائب را برای میهن محبوب و خلق ما پدید آورده، مبارزه کنید تا رژیم دموکراتیک را مستقر سازید زیرا راه خاتمه دادن به ریخته شدن خون برادران عراقی و ایرانی که اکنون در جهت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع به زمین ریخته می‌شود و راه به هم پیوستن مبارزه خلق ما علیه امپریالیسم و حل مسالمت‌آمیز اختلافات با کشور همسایه ما ایران، همین است.

با امید خاتمه جنگ ویرانگر

مرگ بر رژیم دیکتاتوری، تروریستی و ارتجاعی پاینده باد روابط دوستی و همسایگی بین خلق‌های برادر ایران و عراق

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق



عراق به عنوان موضع درست، انقلابی و انترناسیونالیستی در برابر این جنگ ویرانگر، دروهای آتشین خود را به خلق عراق، حزب کمونیست عراق و همه انقلابیون و میهن‌پرستان این کشور که دوشادوش خلق قهرمان ما علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا پیگار می‌کنند، تقدیم می‌دارد. سازمان ما ایمان دارد که اتحاد خلق‌های ایران و عراق با سایر کشورهای منطقه و کشورهای ترقیخواه، سرانجام ناقوس مرگ امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع و وابسته را در تمامی منطقه به صدا درخواهد آورد و برای مردم زحمتکش کشورهای ما، صلح، استقلال و آزادی را به ارمغان خواهد آورد.

مرتجع منطقه، با اعمال دشمنی به خلق عراق و نیروهای میهن‌دوست آن، یک رژیم تروریستی خون‌آشام را که عراق پیش از این هرگز به یاد نداشته به ما تحمیل کرده‌اند و خصومت آنها با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی با گام‌های جدی می‌رود تا ارتش و کشور را در حادثه‌ای گرفتار سازد که خلق عرب هیچگونه نفعی در آن ندارد و بنابراین آشکارا در خدمت امپریالیسم آمریکا و نیروهای مرتجع قرار دارد.

ادعای آنکه جنگ بخاطر بازپس گرفتن حقوق عراق بر شط العرب و مناطق مرزی است، ادعای دروغی بیش نیست و نخواهد توانست خلق ما و افکار عمومی عرب و جهان را بفریبد. زیرا خلق ما نیز همانند افکار عمومی جهانی درک می‌کنند که در راه رژیم عراق همان کسی قرار دارد که به حقوق ملی عراق خیانت کرد و به امپریالیست‌ها اجازه داد تا از طریق دست‌نشانده خود، شاه ایران، در مسائل داخلی عراق مداخله کنند. او

*** این جنگ ادامه سیاست‌های خصمانه رژیم صدام نسبت به جنبش آزادی‌بخش ملی عرب، جبهه پایداری و کشورهای برادر سوریه و یمن دموکراتیک و کوشش جهت خاموش ساختن انقلاب فلسطین است.**

امضاءکننده قرارداد خفت‌آور ۶ مارس ۱۹۷۵ با شاه بود که آن زمان ادعا می‌کرد هیچ سازشی یا مصالحه‌ای درباره حقوق عراق بر خاک خود و یا همکاری در زمینه اوضاع خلیج و تأیید تجاوز شاه علیه انقلاب خلق عمان و اقدامات ضد کمونیستی او سرکوب خلق کرد و پایمال ساختن جنبش ملی آن صورت نگرفته است.

آنها می‌دانند که "صدام حسین" با عناصر باقیمانده رژیم شاه که بغداد را مرکز توطئه علیه مردم ایران و انقلاب آن ساخته‌اند، مدام به توطئه مشغول بوده تا دستاوردهای میهن انقلابی را نابود سازند. رژیم شاه را بازگردانند و تسلط امپریالیسم را بر ایران تجدید کنند.

هدف دیکتاتوری نظامی از اعلان جنگ به همسایه ما ایران آن است که بهانه‌ای بیابد تا خود را از هر گونه تعهدی نسبت به مسئله فلسطین و مبارزات اعراب علیه تجاوز صهیونیسم آزاد سازد و ارتش عراق را در گیر وظایفی سازد که ارتباطی با مشکل اساسی که جنبش ملی عرب بطور کلی

● در جنگی که بنا به خواسته امپریالیسم آمریکا به قصد نابودی انقلاب صدام امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات خلق عراق به دست رژیم جنایتکار صدام برپا شده است، مردم عراق درگنار زحمتکش قهرمان میهن ما قرار گرفته‌اند. حزب کمونیست عراق به نمایندگی از طرف طبقه کارگر و زحمتکش این کشور، اخیراً طی بیانیه‌ای بار دیگر جنگ تجاوزگرانه دار و دسته صدام علیه انقلاب ایران را محکوم ساخته و از خلق عراق خواسته است که با سرنگونی رژیم جنایتکار صدام در راه پایان جنگ و تحکیم مودت و دوستی بین خلق‌های ایران و عراق گام بردارند. سازمان ما ضمن تأیید موضع حزب کمونیست

به فرزندان خلق کبیر ما،

به کارگران، دهقانان و روشنفکران،

به تمام میهن‌دوستانی که در تمام جبهه‌ها به منافع خلق و میهن خود می‌اندیشند:

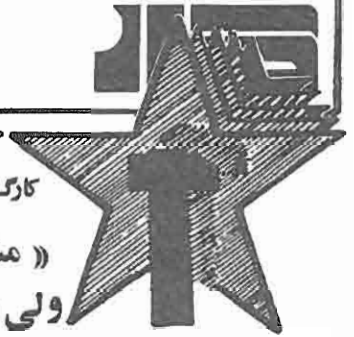
دیکتاتوری نظامی که حکومت خود را از طریق زور به عراق محبوب ما تحمیل کرده، به جنگی تمام عیار علیه همسایه ما ایران دست زده است. جنگ در مقیاسی وسیع آغاز شده و نیروهای نظامی دو کشور همسایه با استفاده از انواع سلاح‌ها، درگیر در نبردی هستند که طی آن تاسیسات اقتصادی و نظامی و خانه‌های مسکونی نابود می‌شوند و ثروت‌های عظیم آنها به مقیاسی که پیش از این هرگز در تاریخ دو کشور سابقه نداشته است، ویران می‌گردد. همه این

اتفاقات نتیجه تبعی اتحاد با رژیم شاه و اقدامات تحریک‌آمیز و تجاوزگرانه‌ای است که توسط دیکتاتوری منفور علیه انقلاب خلق ایران صورت گرفته است. این نتیجه ناگزیر تمام سیاست‌های مغایر با منافع خلق، میهن و ملت عرب است که توسط دیکتاتوری حاکم با سرکوب میهن‌دوستان و نیروهای دموکراتیک خلق ما و توده‌های زحمتکش تعقیب می‌شود و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک آنان را پایمال می‌سازد. این جنگ ادامه جنگ بر علیه خلق کرد و کوشش شدید آنها نه تنها در جهت انکار حقوق ملی آن بلکه تلاش در جهت مستحیل ساختن کامل آن از طریق زور است.

این جنگ ادامه طبیعی سیاست‌های خصمانه آنها نسبت به جنبش آزادی‌بخش ملی عرب، جنگ علیه جبهه مقابله و پایداری، توطئه‌های آشکار آنها علیه کشورهای برادر سوریه و جمهوری دموکراتیک یمن و کوشش‌های آنها برای خاموش ساختن انقلاب فلسطین، برای منحرف ساختن و درگیر ساختن آن در سیاست‌های خود است.

همچنین جنگ ادامه طبیعی سیاست اتحاد با نیروهای مرتجع عرب و تشکیل یک قطب ارتجاعی با عربستان سعودی و اردن علیه جبهه مقابله و پایداری، برقراری رابطه با امپریالیسم و کمک به توطئه‌های آن بطور عینی و عملی ز تلاش شدید برای ایفای نقش پلیسی ارتجاع و امپریالیسم در منطقه پس از سقوط رژیم شاه مخلوع است.

"صدام حسین" و دار و دسته تروریست او، با برقراری رابطه با امپریالیسم و همکاری با نیروهای



جنبش کارگری ایران

راه اندازی کارخانه شیمیائی رازی

اقدامی انقلابی و ضروری

کارگران سنگ بری:

« مشکلات ما زیاد است،

ولی مهم ترینش مسئله اتحاد ماست »



● کارگران پیشرو صنعت پتروشیمی جنوب، طی اعلامیه‌ای خواهان راه - اندازی و تداوم تولید کارخانه شیمیائی رازی شده‌اند. در این اعلامیه آمده است:

" کارخانه شیمیائی رازی (واقع در بندر امام خمینی) از جمله واحدهائی است که می‌توان با سازماندهی مجدد تولید آن، تداوم تولید آن را (که فعلا به علت شرایط جنگی به حالت تعطیل درآمده‌است) تضمین نموده و حتی آن را به حداکثر رسانید و در این رابطه، نیرو و توان انقلابی کارکنان مبارز کارخانه را به کار گرفت

میلیونها کارگر و زحمتکش انقلابی میهن ما حاکم خواهد بود و همچنان به تمسخر مبارزه و رنج روزمره توده‌های زحمتکش میهن ما ادامه خواهد داد.

کارگران مبارز و انقلابی سنگبری آریا علیرغم دستمزدهای ناچیز و فشار سنگین و روزافزون هزینه‌های زندگی، علاوه بر ارسال یک روز از حقوق ماهانه‌شان برای هم میهنان جنگ‌زده، با روحیه‌ای انقلابی به

کارفرما آورد. من الان روزی ۸۵ تومان مزد می‌گیرم. البته در مقابل ۱۴ ساعت کار. ناچارم اینقدر کار کنم. چون ما هشت نفریم و خرجمان نمی‌رسید اگر حتی یک ساعت از وقتمان را سرف رفتن پیش دکتر کنیم، این یک ساعت را از ما کم می‌کنند. به ما لباس کار و دستکش کار نمی‌دهند، حمای برای گازگناه ساخته‌اند با سه تا دوش که اصلا قابل استفاده نیست و هزار مشکل دیگر... چطور بگویم.



مهم‌ترین ضرورت انقلاب یعنی اتحاد مستحکم همه زحمتکشان برای دفاع از استقلال میهن پاسخ می‌دهند.

یکی از کارگران که چهره‌ای پرچین و دردکشیده دارد با روحیه‌ای مصمم می‌گوید:

" من با آنکه پیرمرد هستم و واریس و کمردرد هم ول‌کنم نیست و علاوه بر خرج آب و نان، خرج دوا و دکتر هم دارم، تا حالا ۱۵۰۰ تومان به رزمندگان جبهه کمک کرده‌ام. چونکه باید ما محکم پشت هم بایستیم و حالا که برادران ما در جبهه می‌جنگند و جانشان را فدا می‌کنند، باید حداکثر تلاشمان را بکنیم، کمکشان کنیم که هرچه زودتر پیروز شوند. عراق مشکل ما نیست مشکل ما تفرقه بین مردم است و تنها راه پیروزی ما هم اتحاد ماست، ما پیروزی شویم.

وضعیت کار بد است ولی بدتر از همه چیز آن است که هنوز کارگران آنطور که باید متحد نشده‌اند.

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

" به کارفرما گفته‌ایم اینجا (کارگاه) تابستان‌ها خیلی گرم است و زمستان‌ها خیلی سرد. هیچ وسیله‌ای برای مقابله با گرما و سرما نداریم کارفرما در جواب گفت: "باشد به خورشید میگم مسیرش را عوض کنه!"

این منطق بی‌شرمانه - سرما به داران است. منطقی که پشتش به قانون کار و تامین اجتماعی آریامهری گرم است قانون کار متحجری که هنوز آنچنانکه باید ضربه انقلاب را نخیشیده است و مادام که مبارزه متحدانه تشکلهای کارگری طومار آن را درهم نیچد، همچنان بر سرنوست

● کار در کارگاه‌های سنگبری از جمله طاقت‌فرساترین انواع فعالیت‌های تولیدی است. در کارگاه‌های سنگبری، کارگران در میان گرد و غبار سنگ و صدای گوشخراش دستگاه‌ها به بریدن، صاف کردن و حمل ورق - سنگهای سنگین و بزرگ بام را به شام می‌رسانند بدون آنکه از حداقل وسایل ایمنی و بهداشتی برخوردار باشند. واریس، کمردردهای مزمن، بیماری‌های ریوی و... از جمله عوارض تبعی این کار دشوار و طاقت‌فرساست. بسیاری از سنگبری‌ها حتی یک دوش آب گرم که از جمله وسایل اولیه بهداشتی در کارگاه‌های سنگبری است ندارند و علی‌رغم سختی شرایط کار از ابتدائی‌ترین امکانات تامین اجتماعی نیز محرومند. تدوین و اجرای یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی و نوین که همه کارگاه‌های کوچک و بزرگ را ریش‌امکانات رفاهی و تامین اجتماعی قرار دهد، بیش از همه ضرورت‌واحدتهای تولیدی خرد منجمله سنگ - بری‌هاست.

در اینجا برخی از مشکلات و مسائل کارگران سنگبری آریا را که در واقع مشکلات و مسائل همه کارگران زحمتکش سنگبری‌هاست، نقل می‌کنیم:

کارگاه سنگبری آریا - تولید کننده انواع سنگ مرمر است و در حدود ۳۰ کارگر دارد. کارگرانی که موبشان را در این کار پر مشقت سفید کرده‌اند. یکی از کارگران می‌گوید:

من با روزی ۷ تومان در اینجا شروع به کار کردم و حالا ۱۶ سال است که اینجا کار می‌کنم آنوقت که من به اینجا آمدم، کارفرما این دستگاه‌ها را نداشت. ۱۶ سال کار شبانه‌روزی من و برادرانم این دستگاه‌ها و خیلی چیزهای دیگر را برای

کارگران مبارز ایران!

با تداوم تولید و

افزایش بازدهی کار،

جبهه انقلاب را قویت کنید

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنبش دهقانی ایران روستای بهارسرا:

لغو بند (ج) و تهاجم دوباره زمینداران بزرگ



برافروزند، زمینها را به نابودی سوق دهند. باید به توده کشاورزان متکی شد. باید لغو بند ج را لغو کرد. باید زمینها را به دهقانان واگذار نمود. باید از دهقانان در برابر زمینداران بزرگ حمایت نمود در این صورت آنها خود توطئه‌های بزرگ مالکان را علیه انقلاب نقش بر آب خواهند کرد.

داده تا یکبار دیگر به‌شمارات مبارزه زحمتکشان ده یورش بیاورند. زمینداران بزرگ می‌کوشند با استفاده از این فرصت روستاها را به‌آشوب بکشانند. آنچه که در بهار "سرا" گذشته است، تازه اول کار آنهاست! ضروری است هرچه سریع‌تر جلویشان گرفته شود. نباید گذاشت این بار به بهانه پس گرفتن زمینها خرمن‌سوزان بیا کنند، جنگ

دادرسی به سود زمیندار بزرگ تمام شد. دادگاه از اسماعیل رانکوهی معذرت خواست. زمینها را از دهقانان گرفت و به رانکوهی داد و او هم با سلام و صلوات زمینهای غصب‌کرده را تحویل گرفت.

شرح مبارزه زحمتکشان "بهارسرا" یک مثال روشن است که چگونه لغو بند ج، راه را برای تهاجم دوباره زمینداران بزرگ گشوده است اینها که مدتی بر اثر مبارزات توده‌های زحمتکش روستایی، هیئت‌های هفت‌نفره، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران به سوراخ خیزده بودند، اکنون دوباره سر برآورده‌اند. این بار خود مقامات جمهوری اسلامی زمینه را برای آنها فراهم کرده‌اند. جلوگیری از کار هیئت‌های هفت‌نفره و لغو بند ج بطور موقت صورت گرفته است اما بهترین انگیزه را به دست زمینداران بزرگ

"بهارسرا" بیان نمود. به دنبال این جریان دو تن از اعضای شورا دستگیر شدند. از طرف دیگر "رانکوهی" با توسل به اقداماتی نظیر پرداخت ۳۰۰ هزار تومان به اصطلاح کمک نقدی به جنگ زدگان توانست باغ چای خود را پس بگیرد. او حمایت برخی مناطق حساس منطقه را به دست آورده بود. جالب توجه است که معاون استاندار گیلان در دادگاهی که به این منظور تشکیل شده بود، می‌گفت: "واقعا اگر قصد تقسیم زمین را دارید، بروید انقلاب کمونیستی بکنید." رئیس دادگاه انقلاب هم در همان جا گفت: "هرچه قرآن را گشتم چیزی در مورد تقسیم زمین پیدا نکردم. آنها هر دو زیر تابوئی نشسته بودند که با کلمات درشت می‌گفت: "سرمایه‌دار دزد است یا وارث دزد"

"بهارسرا" چهار کیلومتر از بخش "کلاچای" (گیلان) فاصله دارد. زحمتکشان این روستا پس از قیام، املاک زمیندار بزرگ منطقه "سید اسماعیل رانکوهی" را مصادره کردند. او از وابستگان دربار شاه بود. شورای منتخب مردم در این عمل انقلابی راهنمایی روستائیان زحمتکش را برعهده داشت. شورا ۸۰ هکتار از باغ چای "رانکوهی" را به صورت مشاع زیر کشت برد در عین حال ۳۳ جریب از باغ چای برادر وی را هم بین ۱۳ نفر از دهقانان زحمتکش تقسیم نمود. با لغو بند ج زمیندار بزرگ و حامیان آن در دستگاه‌های دولتی تهاجم دوباره‌ای را برای بازپس گرفتن زمینها آغاز کردند. از جمله "حجت الاسلام" قدسی در مراسم نماز جمعه مطالبی در تحریک آمیزی علیه شورای

می‌کنند، از نظر آنها پایگاه و هوادار شیطان بزرگ هستند و باید سرکوب شوند. نامه زیر بیان‌کننده خواست برحق این انسان‌های زحمتکش است:

اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را به تأخیر نیندازند. زحمتکشان روستای "برجویی" می‌خواهند که کار هیئت‌های هفت‌نفره ادامه یابد. کسانی که از این کار جلوگیری

خود اخراج کنند و مازره برای تقسیم اراضی را بپیگیری بیشتری دنبال نمایند. آنها از دولت و مجلس جمهوری اسلامی می‌خواهند بیش از این

زحمتکشان روستای برجویی:

پیش از این طرح کامل

قانون اصلاحات ارضی را به تأخیر نیندازید

روستا ۷۰ تا ۸۰ خانوار ساکن دارد. چند ماه قبل بواسطه کوشش کشاورزان زحمتکش، هیئت هفت‌نفره تقسیم اراضی وارد این روستا شد. لیکن به علت وقوع جنگ تحمیلی رژیم صدام و نیز مسامحه‌کاری خود هیئت، کار آن معلق ماند. اکنون مدتی است که زحمتکشان روستای "برجویی" برای از سرگیری کار هیئت و ادامه مصادره اراضی بزرگ مالکان دودگی می‌کنند. اهالی ده در این مدت موفق شده‌اند نمایندگان بزرگ مالکین را از شورای منتخب

منطقه خان میرزا از توابع شهرستان "سردجان" در استان چهارمحال بختیاری است. این منطقه زمینهای مرغوب فراوان دارد که عمدتاً در اختیار بزرگ مالکان است. اکثر زحمتکشان از خود زمینی ندارند. زندگی آنها از طریق اجاره‌کاری و یا کار بر روی زمینهای زمینداران بزرگ می‌گذرد. از جانب دولت و هیئت‌های هفت‌نفره و اگداری زمین سبز تاکنون اقدام مشخصی در زمینه بهبود وضع آنها صورت نگرفته است. روستای "برجویی" در این منطقه واقع شده است. این

نام ده: برجویی

یکتا، امام خمینی رهجو، نیا، تلوار، همیاری اسلامی - در وقت زحمتکش در ده

هیئت و کارگران ده: در وقت بزم شادی اسلامی

دهد: ساکنان ده: برجه از توابع شهرستان لاریان که نزدیکی سرخس است

زمین: با زمین، زمینهای کم، زمینهای کم، زمینهای کم، زمینهای کم

مرد: این ده، زمینهای کم، زمینهای کم، زمینهای کم، زمینهای کم

موت: به پایتانی، به پایتانی، به پایتانی، به پایتانی

انت: که از آسپتی سرپای ماری، همان میوه آنده، انقلاب به پیشانی مار

قرت: ما در ده، با تمام مردم اعلام میاریم که آنها، به ما همه که ما را از

و همه تا این تاریخ

در آرزو ما که ما را از این نوع اطلاعات آرزو هستیم و ما را از این نوع اطلاعات آرزو هستیم

شیر: زمین، زمین، زمین، زمین، زمین، زمین، زمین، زمین، زمین، زمین

ما: ما، ما، ما، ما، ما، ما، ما، ما، ما، ما

میش: که ما، که ما، که ما، که ما، که ما، که ما، که ما، که ما، که ما، که ما

در: در، در، در، در، در، در، در، در، در، در

در: در، در، در، در، در، در، در، در، در، در

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



اطلاعیه شاخه کردستان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت

پیام اول بهمن ماه امام خمینی

هم میهنان مبارز!

● در آستانه دوم بهمن (۲۲ روزه‌اند) که یادآور مبارزات قهرمانانه خلق ستمدیده کرد به خاطر رفع ستم ملی است ، در شرایطی که جنگ برادرکشی در کردستان لطامت شدیدی به اتحاد و همبستگی مردم ایران در مبارزه علیه دشمن اصلی - امپریالیسم جنایتکار آمریکا - وارد نموده و خلق ستمدیده کرد را تاکنون از ثمرات و دستاوردهای انقلاب محروم ساخته است ، پیام انقلابی و قاطع امام خمینی به مردم و نیروهای مسلح ، بار دیگر بارقه‌ای از امید جهت حل مسالمت آمیز مشکل کردستان در قلوب این محروم‌ترین مردم سرزمینمان روشن ساخت و بار دیگر پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی که بر رفع هرگونه ستم ملی از مردم کردستان تاکید می‌نمود را در خاطر مردم کردستان زنده ساخت . در قسمت‌هایی از پیام آمده است که :

" این جانب به‌حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران در هر نقطه که هستند پدران توصیه می‌کنم که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید و سلاح‌های خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید . در این صورت این جانب به همه آنان تأمین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید هیچ‌کس مزاحم شما نخواهد شد . چه چیز بهتر از این که در محیط صلح و صفا همه قشرهای ملت در بازسازی کشور عزیزمان که در اثر حکومت سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی به‌خرابی کشیده شده است ، با کار و کوشش اقدام نمایند ."

سازمان ما ضمن استقبال و پشتیبانی قاطع از پیام پرشور و امید بخش امام خمینی اعلام می‌کند که آماده است همچون گذشته با تمام نیرو در جهت حل صلح‌آمیز مشکل کرستان بکوشد . ماهمچنین از شخصیت‌ها و نیروهای ترقی‌گرا در کردستان دعوت می‌کنیم با احساس مسئولیت عمیق نسبت به موقعیت حساس میهن انقلابی‌مان که اکنون با توطئه‌های مکرر از جانب امپریالیسم آمریکا روبروست ، با پشتیبانی از پیام امام خمینی شرایط لازم را جهت حل صلح‌آمیز مسئله کردستان در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی فراهم نمایند .

مطمئن باشیم که مشکل کردستان را از طریق نظامی و قهر نمی‌توان حل کرد و هر اندازه مخاصمات موجود به‌طول انجامد ، جز تضعیف انقلاب و افزودن بر رنج‌ها و مصائب مردم محروم کردستان نتیجه دیگری نخواهد داشت . خلق کرد از دولت جمهوری اسلامی ایران به‌حق انتظار دارد که در اجرای مفاد این پیام ، و پیام ۲۶ آبان ۵۸ فرمان تأمین عمومی امام را به‌اجرا درآورد . محاصره اقتصادی کردستان را که سنگینی آن فقط بر دوش زحمتکشان است ، لغو کنند ، ادارات منحل ، کارمندان اخراجی را از نو به خدمت جمهوری اسلامی ایران فراخوانند . اینها گام‌هایی است که دولت جمهوری اسلامی باید در برداشتن آن درنگ نکند .

توجه جدی مسئولین جمهوری اسلامی ایران به مضمون انقلابی انسانی پیام امام خمینی و تلاش جهت اجرای صحیح آن می‌تواند توطئه‌های دشمنان انقلاب را در کردستان خنثی نموده با تأمین حقوق عادلانه خلق کرد ، نیروی رزمنده این خلق سلحشور را در دفاع از استقلال و آزادی میهن انقلابی بیش از پیش بسیج نماید .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان

پنجشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۹



پیام اول بهمن ماه امام خمینی ، پیام صلح و دوستی و اتحاد خلق‌های قهرمان میهن علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است .

حکومت پابرهنگان جهان

حق است

متحد شوید

● سرود اتحاد ، شور مقاومت ، امید پیروزی این است سخن اصلی پیام آیت‌الله خمینی با خلق خویش .

"حکومت پابرهنگان جهان را به قیام علیه سلطه‌گران جهان فرا می‌خواند و شکست حتمی و نهایی امپریالیسم جنایتکار را نوید می‌دهد .

پیام اول بهمن‌ماه امام در برابر نقشه‌های جنایتکارانه امپریالیسم جهانی و مزدورانش که جنگ را بر خلق‌های ما تحمیل کرده‌اند ، دست پاسدار را در دست برادر سرباز او بی‌نهد . تا نیروی خلق را توان بیشتری بخشد !

پیام اول بهمن‌ماه ، پیامی است که دست دوستی خلق قهرمان کرد را می‌فشارد و همه قشرهای مردم را به "بازسازی کشور عزیزمان که در اثر سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی به‌خرابی کشیده شده است" فرا می‌خواند .

امام به آنان که "گارشکنی می‌کنند" توصیه می‌کند :
" اسلحه‌های خود را کنار گذاشته ، با برادران و خواهران خود آشتی کنید . در این صورت اینجانب به همه آنان تأمین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشورتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید ، هیچ‌کس مزاحم شما نخواهد شد ."

خلق قهرمان کرد که این سخنان را تکرار پیام ۲۶ آبان ارسال امام می‌شود ، با عزمی انقلابی از آن استقبال می‌کند و آن را گام مثبتی می‌داند در راستای استقرار صلح عادلانه در کردستان .

پیام به آنان که با جنگ و دزدان از میهن خود دفاع می‌کنند نوید پیروزی نزدیک می‌دهد . امام به خلق قهرمان ما که استقلال می‌خواهد و تا پای جان در برابر امپریالیست‌های آمریکایی ، اروپایی و ژاپنی ایستاده است عزم و غرور می‌بخشد که :

شما مردم دلیر و آگاه سرزمینی هستید برای ملل زیر سلطه و باید بدانید که در زمانه‌ای که قدم گذاشته‌اید ، مواجه هستید با مشکلات بسیاری که تنها مقاومتان نجاتتان خواهد داد . به‌هیچ‌وجه ترس و بیم به خود راه ندهید - که مبارزات کوبنده‌تان نشان داده است که نمی‌دهید - متحد شوید ."

در پشتیبانی از پیام امیدبخش و عزم‌آفرین امام خمینی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) بر این اعتقاد است که :

- فقط اگر همه مردم باهم متحد باشند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و امام همه قشرهای مردم را به اتحاد که نخستین شرط پیروزی است ، فرا می‌خواند لیبرال‌ها با هوجبگری مزرورانه می‌خواهند بین قشرهای مردم اختلاف بیاندازند .

باید همه کوشش کنیم که ماهیت این عناصر سازشکار و حامیان آمریکایی ، اروپایی و ژاپنی آنها را هرچه بیشتر در نزد توده‌ها افشا کنیم .

- هماهنگی کامل نیروهای ارتش با پاسداران گام مهم در جهت تقویت قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزگران است و باید هرچه کامل‌تر به‌اجرا درآید . در این زمینه گارشکنی‌های برخی فرماندهان ارتش مستلزم تحقیق و رسیدگی جدی است .

- حل عادلانه و صلح‌آمیز مسئله کردستان خواست واقعی همه خلق‌های ایران است . دولت جمهوری اسلامی ایران باید در اسرع وقت فرمان تأمین عمومی امام را به اجرا درآورده و زمینه حل مسئله کردستان بر اساس پیام ۲۶ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی را فراهم سازد .

- دعوت امام از رزمندگان دلیر جبهه‌های جنگ به پایداری تا پیروزی نهایی و دعوت خلق به پشتیبانی از این رزمندگان ، دعوت به دفاع از استقلال میهن در برابر تجاوزگران است . تنگ‌نظری‌ها و تعصبات برخی مقامات جمهوری اسلامی مانع از شرکت فعال همه نیروهای میهن - پرست در این پیکار است . این تضمینات باید برطرف شود .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در این شرایط تاریخی که خلق ما می‌رود که بوزه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به‌خاک مالند ، پیام اول بهمن ماه آیت‌الله خمینی را پیامی می‌داند که دز پرتو اتحاد ، صلح و دوستی میان خلق‌های میهنان پیروزی قطعی ما و شکست نهایی تجاوزگران و غارتگران جهانی را نوید می‌بخشد .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) دوشادوش همه نیروهای میهن‌پرست وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، روح پیام اول بهمن ماه امام خمینی را با مصالح خلق و انقلاب منطبق می‌داند و پشتیبانی قاطع خود را از مضمون آن اعلام می‌دارد .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) چهارشنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۹

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۹

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

نقش عظیم زنان شوروی

در ساختمان سوسیالیسم



دستاوردهای
انقلاب و
سوسیالیسم

علوم کار می‌کنند و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر به کسب درجه نامزدی دکترای علوم یا دکترای علوم نائل آمده‌اند. از این تعداد ۲۵۰۰ نفر عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی می‌باشند.

۵۹٪ کارکنان دارای تحصیلات عالی و متوسطه شاغل در اقتصاد شوروی را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین زنان شوروی ۷۵٪ پزشکان، ۷۵٪ آموزگاران و بیش از ۶۰٪ مهندسان اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهند. سهم زنان شوروی در بین کارشناسان بخش کشاورزی، اعم از مهندسان، دامپروران و دامپزشکان ۴۰٪ می‌باشد.

در حال حاضر زنان شوروی نزدیک به ۴۰۰۰ کارخانه و نیمه از موسسات بازرگانی، بهداشتی و درمانی، تغذیه رایگان و خدمات معیشتی را رهبری می‌کنند. در حال حاضر مجموعاً ۵۰۰/۰۰۰ نفر از زنان اتحاد شوروی در سمت‌های مدیریت بنگاه‌های صنعتی و کشاورزی دولتی و ریاست تعاونی‌های روستائی و ادارات دولتی به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، مردم شوروی را به شرکت هرچه فعال‌تر در اداره امور دولتی و عمومی دعوت می‌نمایند و علاوه بر آن وسایل چنین شرکتی را در اختیار آنها قرار می‌دهند. در نتیجه این امر، تعداد کسانی که در قبه‌پدر صفحه ۱۲

در حال حاضر زنان شوروی نزدیک به ۴۰۰۰ کارخانه و نیمه از موسسات بازرگانی، بهداشتی و درمانی، تغذیه رایگان و خدمات معیشتی را رهبری می‌کنند

انقلاب اکتبر با جلب زنان به عرصه تولید اجتماعی، استقلال اقتصادی آنها را تأمین کرد. در حال حاضر حدود ۵۳٪ جمعیت اتحاد شوروی یعنی ۱۳۹ میلیون نفر را زنان تشکیل می‌دهند. زنان شاغل شوروی که تعداد آنها به ۵۵/۵ میلیون نفر می‌رسد (۵۱٪ کل نیروی شاغل) در تمام عرصه‌های اقتصاد ملی یعنی در حوزه‌های صنعت، کشاورزی و امور اداری به کار اشتغال دارند. به‌زنان در مقابل کار مساوی حقوق برابر مردان پرداخت می‌شود.

در اتحاد شوروی بیسودی مدهاست که از بین رفته‌است و سطح دانش عمومی مردم بطور مداوم بالا می‌رود. این امر درباره زنان نیز صدق می‌کند. از هر ۱۰۰۰ زن شوروی ۷۸۱ نفر تحصیلات عالی و متوسطه دارند. این رقم حتی از میزان مردانی که به کسب چنین پایه تحصیلاتی موفق شده‌اند، تجاوز می‌کند. (این رقم در مورد مردان ۷۷۹ نفر در ۱۰۰۰ است). ۵۰۰/۰۰۰ نفر از زنان اتحاد شوروی در رشته

● در جوامع بورژوائی حتی دمکراتیک‌ترین آنها، از آنجا که وسایل تولید در مالکیت خصوصی افراد قرار دارد و از آنجا که این جوامع به هر چیزی به چشم کالا می‌نگرند، زنان را نیز چه در رابطه رسمی و چه در رابطه غیررسمی، کالا به حساب می‌آورند و بدین طریق آنها را در موضعی نابرابر با مردان و دروضع حقارت‌آمیز و توهین‌آوری قرار می‌دهند. پایه نابرابری زنان در جوامع سرمایه‌داری از لحاظ حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در این امر نهفته است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای اولین بار در تاریخ جهان با الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و استقرار مالکیت اجتماعی بر آنها و برقراری قدرت شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان، زنان را از قید ستم دوگانه رهایی بخشید و آنها را بطور واقعی به همکاران برابر حقوق مردان در عرصه تولید و زندگی اجتماعی تبدیل کرد.

* * *

اخبار کوتاه

● امریکا معادل ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیارد دلار) تجهیزات و خدمات فنی نظامی در اختیار عربستان سعودی قرار می‌دهد.

● مذاکرات سه‌جانبه مصر، اسرائیل و امریکا در رابطه با خودمختاری فلسطین به‌تعمیق افتاد.

● سازمان‌های سیاسی فیلیپین لغو حکومت نظامی در این کشور را عوام‌فریبی خوانده و اعلام داشتند درجهت سرنگونی رژیم وابسته مارکوس همچنان مبارزه خواهند کرد.

● نیروهای انقلابی گواتمالا طی عملیاتی در گواتمالاسیتی پایتخت این کشور ۸۰ بمب منفجر کردند.

● هزاران دهقان مکزیک با بستن جاده‌های منتهی به منابع نفتی، اعتراض شدید خود را به شرکت‌های نفتی که باعث نابودی اراضی کشاورزی آنان شده‌اند، اعلام داشتند.

● سادات از امریکا خواست حضور نظامی خود در اقیانوس هند را گسترش دهد.

● شورای جهانی صلح حمایت خود را از مبارزات خلق السالوادور اعلام کرد.

● میزان تولیدات صنعتی آلمان دمکراتیک در سال آینده ۵٪ افزایش خواهد یافت.

● در دومین اجلاس کنگره خلق عرب، حزب بعث عراق از این کنگره اخراج کردید.

سیاست این کشور در سالهای آینده مبتنی بر گسترش هزینه‌های نظامی و مقابله با شوروی، "تروریسم" و "اوضاع خراب اقتصادی جهان" است. هیگ همچنین گفت که امریکا باید در صورت لزوم کنترل عبور نفت خاورمیانه را خود به‌تنهایی در دست گیرد.

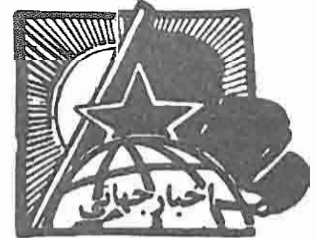
به‌قرار اطلاع هزینه‌های نظامی ایالات متحده امریکا تا سال ۱۹۸۶ به ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (هزار میلیارد دلار) خواهد رسید و آمریکا سریعاً خود را برای مداخله نظامی در خلیج فارس آماده می‌کند.

نبرد السالوادور

همچنان ادامه دارد

● در السالوادور خلق دلیر این کشور همچنان می‌رزمند و حماسه می‌آفرینند. طی روزهای اخیر با ورود سربازان گواتمالا و هندوراس به این کشور، نبرد میان انقلابیون و نیروهای سرسپرده، اوج تازه‌تری یافته است. به علت درگیری میان انقلابیون و نیروهای ارتجاعی ارتباطات تلفنی بیش از ۳۵ شهر و روستا قطع گردیده‌است و انقلابیون توانسته‌اند کنترل قریب به یک‌چهارم کشور را در دست گیرند.

از سوی دیگر در شرایطی که امریکا کمکهای نظامی ۶۵ میلیون دلاری خود را برای رژیم نظامی حاکم بر کشور ارسال می‌کند، خود را برای مداخله نظامی آشکار در السالوادور آماده می‌سازد. انقلابیون السالوادور اعلام داشتند که به‌زودی در مناطق آزادشده دولت انقلابی خلق تشکیل خواهد گردید و با هرگونه مداخله امریکا قاطعانه مقابله خواهند کرد.



گذافی :

«امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان مشترک اتحاد شوروی و لیبی»

● سرهنگ معمرفدافی رهبر لیبی طی سخنانی در دومین اجلاس کنگره خلق عرب. پس از اشاره به دوستی و همکاری استواری که میان لیبی و اتحاد شوروی وجود دارد، گفت:

"... ما دوستان شوروی می‌باشیم زیرا ما به ضرورت دوستی با اتحاد شوروی متقاعد گشته‌ایم. ما در این زمینه صادقیم و این دوستی را حفظ خواهیم کرد چرا که هدف‌های مشترکی داریم اتحاد شوروی و لیبی دشمنان مشترکی دارند و این دشمنان، امپریالیسم و صهیونیسم هستند." رهبر لیبی سپس از کمک‌های همه‌جانبه اتحاد شوروی به لیبی یاد کرد و گفت:

"شوروی در کنار خلق فلسطین و اعراب است."

افزایش هزینه‌های نظامی امریکا

● ژنرال هیگ وزیر امور خارجه منتصب امریکا، طی سخنانی در سنای این کشور اعلام نمود که

صدها سرکرده ضد انقلابی افغانی خطری جدی برای مردم و انقلاب ایران

بارسنگین يك ميليون مهاجر افغانی بردوش انقلاب ایران

اصلی همه خلق‌های جهان هستند، دوجندان افزوده‌اند. کافی است به این مناطق مشغول بگردید یا تأیید در استان خراسان نظری بیندازیم تا ابعاد واقعی مشکلات دستان بیاید. در "تأیید" هجوم بی‌رویه افغان‌ها مشکل مسکن را به‌نحو بی‌سابقه‌ای شدت بخشیده است. نان و دیگر مایحتاج مردم در این منطقه بسیار مشکل به‌دست می‌آید. احتکار مواد غذایی و سایر مایحتاج عمومی از جمله فعالیت‌های ضدانقلابی این خوانین مزدور است.

در بیرجند هیچگونه کنترلی بر رفت و آمد آنان صورت نمی‌گیرد. قاچاق اسلحه، تریاک و مواد غذایی، دزدی و کارشکنی در اقدامات ضدفتووالی سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و سایر نهادهای مترقی جزء کارهای نمونه‌وار آنهاست. آنها حتی از خارج کردن کود شیمیایی موردنیاز کشاورزان ایرانی نیز ابایی ندارند. چندی پیش یکی از ایادی همین مزدوران درحالی که ۸-۹ کیسه کود شیمیایی را از مرز عبور می‌داد دستگیر شد!

مصرف بنزین در سراسر ایران جیره‌بندی شده است، اما، سران ضدانقلابیون افغانی با ماشین‌های تویوتا، جیب، مزدا و... مدام در حال رفت و آمدند. اخیراً یک بشکه بنزین در مناطق افغان نشین به قیمت ۱۰۰۰۰ تومان خرید و فروش شده است. هم اینک ظاهر خان افغانی نماینده "جمعیت اسلامی افغانستان" و از سران به‌نام مهاجرین افغانی به‌کار قاچاق کلان مواد مخدر مشغول است.

رفت و آمد بی‌قید و بند این مزدوران، با سلاح‌های آمریکائی، مصری و چینی نیز امنیت منطقه را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است.

این مشکلات همه موجودند. در حالی که رژیم‌های هر دو کشور آماج حملات دشمن‌واحد خود امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا قرار گرفته‌اند و بیش از هر زمان به انرژی و امکانات خود نیازمندند. راه حل درست این مشکلات تنها در پرتو ارزیابی صحیح از روند اوضاع در افغانستان و ایران دست یافتنی است. خلق‌ها و رژیم‌های دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های جهان، متحد یکدیگرند. ایجاد امنیت و ثبات در مرزهای دو کشور، شرط نخستین جریان پیروزمند مبارزه ضد امپریالیستی آنان است. برای این منظور قبل از هر چیز باید خان‌ها، سردارها، روحانیون مرتجع و همه دارودسته‌های ضدانقلابی بدون فوت وقت درهم کوبیده شوند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌کوشد منفذ دیگری برای رخنه در صفوف مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های ایران و افغانستان تدارک ببیند. هیچ‌جای تصادف نیست اگر می‌بینیم که از نخستین روزهای پیروزی انقلاب در میهنمان ایران، نیروهای طرفدار امپریالیسم آمریکا مستقیم و غیر مستقیم همه توان خود را در دفاع از "مجاهدین افغانی" متمرکز کرده‌اند. عملکرد وزارت خارجه در یکسال پس از قیام چه در دوران تصدی

است که به اسم اسلام، باج سیل از مردم خراسان بگیرد و خرج کند!" واقعیات بالا، همه ماهیت این گروه‌های به‌اصطلاح "مجاهد"!! افغانی را به‌خوبی روشن می‌کند. خان‌ها و خانزادگانی که بر رأس گروه‌های فوق‌الذکر قرار دارند بطور مستقیم با رژیم‌های ارتجاعی منطقه در رابطه‌اند. عراق، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و عمان مرتب برای آنها، پول و اسلحه می‌فرستند. از طرف دیگر مزدوران افغانی با سرمایه‌داران و همپالکی‌های بزرگ مالکشان در ایران، به ویژه در سیستان، بلوچستان و خراسان ارتباطات برده‌ای دارند. آنها خرابکاری علیه رژیم‌های ایران، افغانستان و همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست خاورمیانه و نزدیک را به‌یاری هم پیش می‌برند.

تشخ و بی‌نیاتی ناشی از وجود این عناصر خودفروخته و ایادی مسلح آنها در نواحی مرزی ایران و افغانستان بستر مناسبی برای اعمال خرابکارانه امپریالیسم آمریکا است. پایگاه‌های چریکی آنها در پاکستان و مقررهایشان در خاک ایران و افغانستان کانون‌های مناسبی است که سیاست امپریالیستی تشنج و بحران از آنجا به تمامی سرزمین‌های همجوار صادر می‌شود. در عین حال مشکلات پرشمار دیگری نیز از وجود مهاجرین افغانی نشأت می‌گیرد. خطرات ناشی از این امر به قدری است که در مجلس نیز منعکس شده است. یک حساب سرانگشتی میزان هزینه‌ای را که تنها نگهداری این مهاجرین برای مردم ایران دربردارد، به‌خوبی روشن می‌کند. آقای "میرسلیم" معاون وزارت کشور در همین رابطه می‌گوید:

"البته این جمعیت ۱/۵ میلیون نفری نیاز به یک بودجه سنگین دارد که اگر بودجه هر نفر را چهارصد تومان بگیریم رقم سنگینی می‌شود." آقای بقوی نماینده مجلس نیز در مورد افغانها گفته است که:

"اکثر اینها مسلحند. قاچاق‌فروشان، قبل از انقلاب، در حال انقلاب و الان تمام بزرگ و کوچک منطقه را می‌شناسند و به‌هیچ‌کس هم رحم نمی‌کنند... مردم از دست آنها امنیت ندارند... آسایش ندارند... اینها کاری می‌کنند که روغن نباتی کیلویی پنجاه تومان گیر مردم می‌آید. برای اینکه همین روغن نباتی کیلویی پنجاه تومان را آن (فتووال افغانی) می‌گیرد، با دو کیلو روغن تقلبی خودش مخلوط می‌کند، کیلویی ۱۵۰ تومان برمی‌گرداند و...

البته حساب فتووال‌ها، خان‌ها و ضدانقلابیون فراری افغانی را باید از هزاران انسان زحمتکش و فریب‌خورده‌ای که برخلاف منافع واقعی خود روانه ایران شده‌اند، جدا کرد. آنها ناآگاهانه و حتی به‌زور اسلحه به‌دنبال فتووال‌ها از وطن خود آواره شده‌اند. در حالی که انرژی آنها اکنون بیش از هر زمان دیگر برای حفظ استقلال و پایبندی جامعه نوین در میهنشان ضروری است. هم‌اینک با حضور خود بر مشکلات فراوانی که در زندگی میلیون‌ها زحمتکش هم‌نای ایرانی‌شان که درگیر نردی سرنوشت‌ساز با امپریالیسم آمریکا، این دشمن

● در سراسر میهنمان، به‌ویژه مناطق سیستان، بلوچستان و خراسان هم اینک بیش از یک میلیون مهاجر افغانی پراکنده‌اند که به‌دور از هرگونه کنترل دولتی، کانون‌های تشنج پرخطری را تشکیل داده‌اند. این خیل عظیم عمدتاً زیر رهبری خان‌ها و فتووال‌ها، قاچاقچیان عمده و روحانیون مرتجع هستند که تحولات اخیر افغانستان منافع ضد مردمی آنان را به خطر انداخته است. اینان که خود سالها خون زحمتکش افغان را در شیشه کرده‌اند، زیر لاف‌ها حمایت از "اسلام" مبارزه با "کفر" و هزار پرده فریبنده دیگر تلاش می‌کنند راه را بر روند ترقی اجتماعی سد کنند.

"جمعیت اسلامی افغانستان"، "حرکت علماء انقلاب اسلامی"، "جبهه اسلامی"، "حرکت انقلاب اسلامی"، "جبهه نجات ملی" و دهها گروه ریز و درشت دیگر با عاویین برطمطراق "ملی" و "اسلام"؛ به‌ظاهر از "اسلام" در مقابل "کفر" و از "مستضعفین" در برابر "مستکبرین" دفاع می‌کنند. لیکن باطناً جز خرابکاری در روند تحولات ترقیخواهانه افغانستان، به نفع ارتجاع امپریالیستی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و فتووالیسم فرتوت کاری نمی‌کنند. سران مزدور این گروه‌ها با فریب توده‌ها، بازی با عواطف مذهبی آنها و حتی گاه با تهدید و اجبار موفق شده‌اند، انسان‌های زحمتکش، اما ناآگاه بسیاری را سیزه دنیال خود به‌مهاجرت وادارند. تا به این ترتیب انرژی آنها را به‌خلاف منافع واقعی‌شان علیه نظم مردمی موجود در افغانستان به‌کار گیرند.

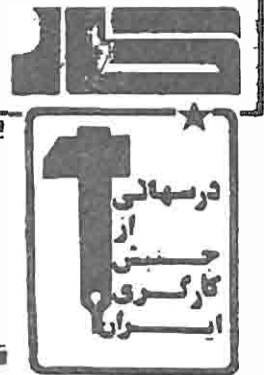
واقعیت وجودی رهبران و عملکرد این گروه‌ها خود زبان گویای اصل و جوهر آنهاست:

"جمعیت اسلامی افغانستان" زیر رهبری ره‌ان‌الدین ربانی، مدافع زمینداران بزرگ و پوست و فادار ضیاءالحق، انورالسادات و شیوخ رتجع عربستان است. نمایندگی این جریان را در ایران "ظاهرخان"، انورخان و چند خان دیگر افغانی به‌عهده دارند. آنها همه از مالکین بزرگ ایالت فراح افغانستان و از قاچاقچیان معداند. "حرکت انقلاب اسلامی" را "مولوی بدالنسی" هدایت می‌کند که روحانیون مرتجع و بزرگ مالک را پشت سر خود دارد.

رهبران به اصطلاح "جبهه نجات ملی" خود ترند که به بزرگ مالکین وابسته‌اند و از آمریکا ز کمک می‌گیرند. آنها دولت "رجایی" را نظیر مپالکی‌های ایرانی لیبرالشان "کمونیستی" می‌دانند و معتقدند که همه جنبش‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان وابسته به شوروی هستند. ندانات ترقیخواهانه دولت رجایی از جمله طرح وزیر عادلانه آرزاق عمومی، طرح جیره‌بندی بنزین، فعالیت هیئت‌های هفت‌نفره و خلاصه هر اقدامی که به نفع زحمتکش باشد، از نظر مهران این به اصطلاح جبهه نجات ملی چون بادمات ترقیخواهانه "ترهکی" شباهت دارد، از به مردود است.

یکی از اعضای "حزب حرکت اسلامی" که خود پیش از یک‌صد فرد مسلح را در اختیار دارد در رد رهبر یکی دیگر از گروه‌ها می‌گوید:

"او با تعدادی از مزدوران فقط کارش این



شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

(قسمت دوم)

مختصات اصلی و عمومی تشکیلات

اتحادیه‌ای (سندیکائی) کارگران :

- تشکل اتحادیه‌ای در کلی‌ترین شکل خود، سه مشخصه اساسی دارد:
- ۱- اتحادیه تشکل طبقاتی پرولتاریاست.
 - ۲- اتحادیه تشکل توده‌ای پرولتاریاست.
 - ۳- اتحادیه تشکل دمکراتیک پرولتاریاست.

۱- تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان طبقاتی پرولتاریاست

مضمون عمده فعالیت تشکیلات اتحادیه‌ای، تامین و تحکیم اتحاد مبارزاتی کارگران و دفاع از منافع اقتصادی توده مزدبگیرانی است که از فروش نیروی کار خود زندگی می‌کنند. این تشکیلات "ابتدائی‌ترین شکل اتحاد طبقاتی پرولتاریاست" از این رو تشکیلات اتحادیه‌ای، سازمانی است با سرشت طبقاتی. باید توجه داشت که اگر چه مضمون مبارزاتی این تشکیلات با نفی آشکار و صریح نظم بورژوازی موجود همراه نیست و بطور کلی واژگونی نظم سرمایه را در زمره اهداف مستقیم و برنامه‌ای خود قرار نمی‌دهد، لیکن از آنجا که بین مبارزه برای ارتقاء شرایط زندگی و کار توده مزدبگیران و مبارزه برای رهایی کار از ستم سرمایه پیوندی ناگسستنی وجود دارد، تشکل اتحادیه‌ای نیز به این اعتبار در خدمت نفی نظام ستمگر بورژوازی قرار می‌گیرد. این حقیقتی است که آموزگار کبیر پرولتاریا، انگلس در مورد آن چنین می‌گوید:

... بسرعت وقت آن نزدیک می‌شود که طبقه کارگر درک کند که مبارزه برای دستمزدهای بیشتر و مدت کار کمتر و تمام فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری در شکل کنونی‌شان خود هدف نبوده بلکه وسیله می‌باشند. یک وسیله بسیار لازم و ضروری ولی این فقط یکی از وسایلی است که برای هدف عالی خود یعنی از بین بردن سیستم مزد بطور کلی در دست دارند.

(اتحادیه‌های کارگری)
بنابراین تشکل اتحادیه‌ای از زمره اهرم‌های مبارزه طبقاتی و مستقل کارگران است. اگرچه هدف مقدم و اولیه این تشکیلات در چهارچوب نظم سرمایه، کاهش مدت کار، افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار است، ولی حدود و ثغور فعالیت‌های آن را نه قوانین حقوقی بورژوازی بلکه بیش از هر چیز مطالبات مادی عینا موجود و سطح مبارزاتی کارگران تعیین می‌کند. وقتی از مبارزه برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها سخن می‌گوئیم، لاجرم مبارزه پیگیرانه با بسیاری از قوانین مصوبه حاکمیت‌های بورژوازی و خرده‌بورژوازی را که به منظور تنظیم مناسبات کار و سرمایه تدوین می‌شوند، در نظر داریم. کم‌کردن ساعات کار، اعتلاء شرایط کار، دستمزدها

بیشتر، امتیازات بهتر در مورد تامین اجتماعی و شغلی، احقاق حقوق دمکراتیک و ... در زمره این اهداف مبارزاتی هستند. شکی نیست که حاکمیت‌های غیرپرولتری براساس منافع طبقه معینی که نمایندگی آن را برعهده دارند، قوانینی متناسب با این منافع را به منظور تنظیم روابط کار و سرمایه به جامعه تحمیل خواهند کرد از آنجا که هیچ‌یک از قوانین حاکمیت‌های غیر پرولتری نمی‌توانند تامین‌کننده حقوق و مطالبات واقعی و روزمره کارگران در چهارچوب منافع طبقاتی آنان باشند مبارزه توده وسیع مزد-بگیران با این قوانین امری است اجتناب‌ناپذیر که بطور عینی در روند مبارزه طبقاتی حادث خواهد شد.

تاکید بر این اصل بسیار ضروری است که مبارزه اتحادیه‌ای بر عمل مستقیم و انقلابی کارگران استوار است. آنچه در هر حالت سندیکا باید به آن توجه داشته باشد، این است که تنها عمل توده‌ها می‌تواند نتایج مطلوب را به دست آورد. تنها سازماندهی توده‌ها بر متن جنبش‌های می‌تواند به حد کافی کارگران را متشکل نموده و آنان را برای کسب پیروزی نهائی آماده سازد. اهمیت عمل مستقیم فقط به نتایج فوری آن خلاصه نمی‌شود بلکه عمدتا در این است که توده‌های کارگر را بسیج می‌کند.

(برنامه عمل بین‌الملل، سدکاهای شرح)
از این رو تشکل‌های اتحادیه‌ای باید بر پایه مطالبات عینی و واقعی کارگران و بر زمینه عمل مستقیم و طبقاتی آنان، با در نظر گرفتن جمیع شرایط، برنامه عمل و تاکتیک‌های مبارزاتی خود را تنظیم کنند. این مسئله بسیار روشن است که سرنوشت هر مبارزه اعم از اقتصادی یا سیاسی را نیروی منسجم و سازمان‌یافته متناسب با مقتضیات مبارزه روشن می‌سازد. لذا هرچه نیروی متشکل و با برنامه یک تشکل اتحادیه‌ای از توانمندی بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان در دفاع از منافع عینی و عاجل کارگران و تحصیل امتیازات بیشتر از سرمایه‌داران موفق‌تر خواهد بود. چشم فرو بستن بر عمل مستقیم طبقاتی و انقلابی کارگران و نادیده انگاشتن مطالباتی که بنا به عینیت مبارزه طبقاتی برآمدی آشکار می‌یابند، زمینه‌سازی شدن تشکل سندیکائی را از جوهر و سرشت طبقاتی آن فراهم آورده و آن را به تشکیلاتی زرد و رفرمیستی مبدل خواهد کرد.

رفرمیسم بجای اتکاء بر عمل مستقیم و انقلابی کارگران، در زیر پوشش مبارزه قانونی هرگونه تخطی از نظم سرمایه‌داری را طغیانگری و هرج و مرج طلبی می‌نامد.

اتحادیه از جمله کانون‌های مهمی است که بورژوازی با رسوخ‌دادن "گازهای خفه‌کننده رفرمیسم" در آن، می‌کوشد تا آن را به سطح نگاه‌های معاملات و فروش نیروی کار تنزل دهد. برخی از اتحادیه‌های کارگری که هم‌اینک در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و یا وابسته وجود دارند، مبارزه اتحادیه‌ای کارگران را در حیطه چانه‌زدن‌های کاسب‌کارانه برای فروش نیروی کار محصور کرده‌اند و عملا در مقابل تقویت تشکل و استحکام اتحاد مبارزاتی کارگران سنگ‌اندازی

می‌کنند. رهبران رفرمیست و اکونومیست با تخریب عمل مستقیم و طبقاتی کارگران از یکسو و کسانیدن کارگران به اشکالی از عمل مستقیم که به حاد شدن مخاصات طبقاتی منجر شده بلکه آن را کاهش می‌دهد از سوی دیگر، می‌کوشند تا "طوق آهنین" تشکل کارگران را بکسلند و به سنگر اتحادیه‌ای آنان آسیب و خلل وارد سازند. ماهیت ضدکارگری رفرمیست‌ها را از سخن یکی از رهبران محافظه‌کار و ارتجاعی اتحادیه‌های کارگری امریکا در اوایل قرن حاضر بخوبی می‌توان بازشناخت:

"ما هیچ هدف نهائی نداریم ما از این روز به آن روز کار می‌کنیم، عموما ما فقط برای هدف‌های آنی کار می‌کنیم. هدف‌هایی که در عرض یکی دو سال به تحقق می‌پیوندند. ما می‌خواهیم بهتر بیوشیم، بهتر زندگی کنیم و شهروندی بهتر باشیم."

(تاریخ سه استرالیاسیوال - فاسر)
در کنگره اول انترناسیونال اول که در ژنو در سال ۱۸۶۶ برگزار شد، پرودون‌نیست‌ها (هواداران پرودون) با شعار " پرولتاریا نباید در سیاست دخالت کند " به میدان آمدند. در واقع پرودون‌نیسم بمثابه جلوه‌ای از آنارشیسم یک روی سگ‌های است که رفرمیسم روی دیگر آن است.

پرودون‌نیست‌ها، رفرمیست‌های شرمگینی بودند که ماهیت واقعی خود را خجولانه در پوشش الفاظ "چپ" و انقلابی نمایانه می‌پوشاندند. به همین سبب مارکس پس از پایان کار کنگره در نامه‌ای به گوگلمان نوشت:

" کله‌های آقایان پارپسی از جملات توخالی و پرودونی پر است. آنها از علم دم می‌زنند بدون اینکه خود چیزی بدانند. آنها به هر عمل انقلابی - یعنی عملی که خود از مبارزه طبقاتی سرچشمه می‌گیرد - و نسبت به هر جنبش اجتماعی متمرکز یعنی چنان جنبشی که ممکن است با وسایل سیاسی هم پیش برده شود (مانند کاهش قانونی روزکار کارگران) - با نظر تحقیر می‌نگرند. این آقایان که مدت شانزده سال ننگین‌ترین استبداد را با خیال راحت تحمل کرده‌اند و تحمل می‌کنند، به بهانه آزادی، مخالفت با دولت، مخالفت با اتوریته و حقوق فردی (اندیویدوالیسم) در واقع اقتصاد سرمایه‌داری را موعظه می‌کنند."

(کلیات - مارکس، انگلس)
آری، رفرمیسم که هیچ "هدف نهائی" ندارد و مطالبات اقتصادی را "همه‌چیز می‌پندارد" و آنارشیسم که "به هر عمل انقلابی طبقاتی" با دیده تحقیر می‌نگرد و مطالبات اقتصادی را "هیچ‌چیز" می‌داند، هر دو روی یک سکه‌اند و در واقع "اقتصاد سرمایه‌داری را موعظه می‌کنند." بطور کلی اساسی‌ترین انحرافات موجود در مبارزه سندیکائی و جنبش اتحادیه‌ای جهانی را در رفرمیسم و آنارکو - سندیکالیسم می‌توان خلاصه نمود.

۲- تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان توده‌ای پرولتاریاست

برای آنکه تشکل‌های اتحادیه‌ای بتوانند توانمندی طبقاتی پرولتاریا را به اعلی درجه در خود متبلور سازند و جای ویژه خود را در صف - بندی و تناسب نیروهای طبقاتی اشغال کنند و از این رهگذر بمثابه سازمان طبقاتی پرولتاریا در زندگی اجتماعی و روندهای سیاسی جامعه تاثیر گذارند و درعین حال قادر باشند از حقوق و مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران دفاع کنند

«شکنجه گروگان ها» حيله جديد تبليغاتي امپرياليسم امريكا

● امپرياليسم امريكا خود وحشی ترين و شکنجه گر ترين رژیم تاريخ است

با دشمن اصلی خود در سهای بسیاری آموخته و به انواع ترندها و شگردهای آن آگاه گشته اند، به خوبی می دانند که هدف امپرياليسم جنایتکار آمریکا از چنين دروغ پردازی هائی چیست؟ این اقدامات مزورانه علیرغم تصور طراحان آنها باعث آمادگی بازم بیشتر مردم ما در جهت خنثی ساختن توطئه های بعدی آمریکا خواهد شد. مردم ما با هوشیاری تمام هر تجاوز امپرياليسم را درهم خواهد شکست. دولت جمهوری اسلامی و همه نیروهای انقلابی و میهن پرست نیز باید با هوشیاری آيين ترندهای تبليغاتي جديد امپرياليسم امريكا را در نزد مردم ايران و سراسر جهان افشا و خنثی سازند. برای خنثی ساختن اين تبليغات که به منظور فریب مردم جهان صورت می گیرد، باید به کمک دوستان جهانی انقلاب ايران تلاش های وسیعی را در جهت جلب افکار عمومی جهان در پشتیبانی از مبارزات عادلانه مردم ايران و رساندن حقایق به گوش آنها به کار گرفت. لازمه این امر در پیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال و ترقی خواهانه و تحکیم روابط دوستانه با کشورهای مترقی و ضد امپرياليسم جهان به منظور آشنا ساختن مردم جهان و از آنجمله آمریکا با اهداف انقلاب ايران است.

وحشی ترين امپرياليسم ایالات متحده آمریکا است، از اینکه بهانه گروگان ها را برای موجه جلوه دادن عملیات توطئه گرانه خود علیه ايران از دست داده، نگران است. امپرياليسم آمریکا می خواهد همانگونه که ريگان اعلام داشته مردم قهرمان ايران را "وحشی"، "بربر" و ... وانمود ساخته و همچنان به تحریک افکار عمومی مردم جهان علیه انقلاب ايران ادامه دهد. هدف امپرياليسم آمریکا از این تبليغات دامن زدن بد جو فاشیستی در آمریکا و سایر کشورهای امپرياليسم و جلب حمایت و یابی طرف ساختن مردم این کشورها برای ادامه توطئه های جنایتکارانه علیه انقلاب ايران می باشد. امپرياليسم آمریکا به ویژه قصد دارد با انجام این تبليغات زمینه های مناسب را برای عدم اجرای توافقنامه های الجزایر - که اجرای آنها شکست بزرگی برای امپرياليسم آمریکا - فراهم سازد. سخنان "نیکسون" رئیس جمهور سابق آمریکا که اعلام داشته است دولت ريگان باید در توافقنامه های الجزایر تجدید نظر کند، زیرا دولت ايران یک دولت "قانون شکن" است، به روشنی این حقیقت را بیان می دارد. بدون شک مردم ايران که در کوران پیکار سرنوشت ساز

نشانه یا مورد حمایت امپرياليسم های آمریکایی باشد. امپرياليسم آمریکا خود حنایتکار ترين و شکنجه گر ترين رژیم تاريخ است و تبليغات چنين رژیمی حول "شکنجه" چند جاسوس گروگان، دروغ محص، عوام فریبی و به خاطر اجرای مقاصد توطئه گرانه می باشد. اصولا امپرياليسم برای پوشاندن جنایات خود و سفاکی هائی که دهها سازمان پلیسی شکنجه گرش در مقابل خلق های جهان انجام می دهند، مجبور است برای خود "شریک جرم" بتراشد. به همین منظور یک روز به دفاع از "حقوق بشر" برمی خیزد، روز دیگر برای کشورهای سوسیالیستی "ناراضی" می تراشد، در لهستان مدافع سرسخت "سندیکاهای کارگری" می گردد و هرچاکه یک حکومت ملی و ضد امپرياليسم روی کار می آید، و قبحخانه مردم آن کشورها را به "وحشیگری" و "نفی تمدن" متهم می نماید! اما در این مورد مشخص، امپرياليسم آمریکا از علم کردن مسئله "شکنجه" جاسوسان و تحت تعلیم قرار دادن مجدد آنها در ایالت ویسکانسین و سپس سمايش آنها در مقابل افکار عمومی مردم آمریکا هدف های خاصی را تعقیب می کند. واقعیت این است که ريگان که نماینده هارتريست و

وفاحت تمام از شکنجه شدن شتی جاسوس توسط مردم سالها محنت کشیده ايران دم می زند دروغ گو یانی هستند که خود هر روز در گوشه کنار جهان کثیف ترين جنایات را مرتکب می شوند. مگر غیر از این است که هم اکنون مردم زحمتکش ايران در آتش جنگی که به خاطر منافع امپرياليسم جهانی به سرکردگی امپرياليسم امريكا و به دست رژیم جنایتکار صدام برپا شده است، می سوزند و قربانی بمها و گلوله های می شوند که وحشیانه بر سرشان فرو می ریزد؟ مگر غیر از این است که امپرياليسم های آمریکایی برای حفظ منافع غارتگرانه خود، وحشیانه ترين اعمال را با مردم قهرمان ویتنام انجام دادند، بر سر آنان بمهای آتشزا ریختند و فرزندان انقلابی خلق ویتنام را با وحشیانه ترين شیوه ها شکنجه کردند. مگر غیر از این است که در فلسطین خلقی به خاطر منافع امپرياليسم صهیونیسم آواره شده و قتل عام می شود؟ مگر فجایعی که بر مردم شیلی گذشت و هم اکنون نیز می گذرد، مورد حمایت همین طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی قرار نگرفته و حتی به وسیله خود آنان طراحی نشده است؟ هیچ رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری در سراسر جهان پیدا نمی شود که دست

● هنوز ۲۴ ساعت از خارج شدن جاسوسان آمریکایی از ايران نگذشته بود که ماشين تبليغاتي امپرياليسم فریاد اعتراضی طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی را مبی بر "شکنجه" گروگان های جاسوس سر داد. امپرياليسم ها این جعلیات را بدون توجه به اظهارات دولت ايران و همه کسانی که قبلا با گروگان ها دیدار کرده و هرگونه شایعه شکنجه آنها را به شدت تکذیب کرده اند بزبان می آورند. جالب توجه است که دبیر دوم مرکز جاسوسی آمریکا نیز که خود جزء گروگان ها بوده، پس از آزادی این جعلیات را رد کرده است. اما طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی در حالی که بی شرمانه چشم خود را بر این حقایق بسته اند، همچنان به دروغ سرسرای گروگان ها دل می سوزانند. اینکه امپرياليسم ها و وابستگان آنها در سراسر دنیا ادعا کرده و خواهند کرد که جاسوس های آمریکایی در طول مدتی که در بازداشت مردم قهرمان و به یا حاسته ايران بوده اند، "شکنجه" شده اند، مسئله غیر منتظره ای نیست. زیرا که تمام مردم ترقی خواه و آزاده جهان از مدتها پیش ماهیت واقعی این مدعیان دفاع از "حقوق بشر" را می شناسند. و با چهره کریمه آنان آشنائی دارند. همه بشریت مترقی می دانند آنهاي که با

جریانات ضد انقلابی داخل کشور برداشته شود، تا هرچه زودتر در پیشگاه مردم قهرمان ايران روشن شود که ماشاء الله قصاب دستورات ضد انقلابی را از چه کسانی دریافت می کرده است؟

۴- همکاران ماشاء الله قصاب که به کمک او به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته اند، به مردم قهرمان ايران معرفی شده و تحت پیگرد قرار گیرند. تا بر همه مردم مبارز ايران معلوم گردد که چه کسانی با دست زدن به اعمال جنایتکارانه، خوراک لازم را برای لیبرال ها جهت متهم کردن نیروهای ضد امپرياليسم جمهوری اسلامی تدارک می بینند.

است که هرچه سریع تر این مهره ضد انقلابی را در یک دادگاه علنی به محاکمه بکشد. در این محاکمه باید:

۱- هدف و ترکیب افرادی که کمیته پشت سفارت را ایجاد کردند، افشا شوند.

۲- نحوه رابطه این کمیته با مرکز جاسوسی آمریکا فاش شود!

۳- پرده از تماس های ماشاء الله قصاب با نیروها و

فعالیت های توطئه گرانه خود ادامه دهد. او همچنین عامل دستگیری و شکنجه مجاهد خلق محمد رضی سعادت بوده است. اکنون دولت جمهوری اسلامی او را دستگیر کرده است و این اقدام، هر چند بسیار دیر صورت گرفته اما نمی تواند مورد استقبال مردم و نیروهای ترقی خواه قرار نگیرد. بر دولت جمهوری اسلامی

می کوشید. او در سازماندهی باندهای سیاه و حمله به مراکز و دفاتر و همچنین میتینگ ها و تظاهرات نیروهای سیاسی و انقلابی در طول یک سال گذشته نقش فعالی برعهده داشته است. این مهره مشکوک و مورد حمایت امپرياليسم در زمینه عدم مبارزه جدی جمهوری اسلامی با نیروهای ضد انقلابی توانست مدت ۲ سال آشکارا و آزادانه به

● ماشاء الله کاشانی، معروف به ماشاء الله قصاب سرانجام پس از مدتها فعالیت ضد انقلابی توسط دولت جمهوری اسلامی دستگیر شد. وی که پس از قیام در کمیته پشت سفارت به فعالیت ضد انقلابی پرداخت یکی از مهره های مشکوک بود که با مقامات آمریکایی در مرکز جاسوسی امپرياليسم امريكا رابطه داشت و عکس هایی که از ملاقات های او با مقامات آمریکایی انتشار یافته، به خوبی نشان دهنده رابطه او با دشمنان انقلاب است. ماشاء الله قصاب از جمله کسانی است که در دامن زدن به اختلافات بین نیروهای ضد امپرياليسم و ایجاد تفرقه در صفوف مردم فعالانه

بد نبال دستگیری ماشاء اله قصاب

باید اسرار کمیته آمریکائی پشت سفارت افشاء شود

دولت باید هرچه زودتر این مهره مورد حمایت امپرياليسم را بطور علنی محاکمه کند

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

"داشتن مسکن حق مسلم زحمتکشان است"

● جوانان پیشرو خاک سفید و قنات کوثر در این اعلامیه با اشاره به محل تخریب خانه‌های زحمتکشان محله خاک سفید توسط مأمورین کمیته و زاندارمری آن را به سود ضدانقلاب و لیبرال‌ها دانسته و شدیداً محکوم کرده‌اند. آنها همچنین با انتشار تراکتی اعلام کرده‌اند که "دولت موظف است زمین‌های بلااستفاده و زمین‌های زمین‌خواران را شناسائی و بطور عادلانه بین زحمتکشان تقسیم کند و امکانات لازم را برای خانه‌سازی در اختیار آنان قرار دهد."

● باز شدن مدارس آری ، همسوئی با امپریالیسم هرگز!

عنوان اعلامیه‌ای است که هواداران در مسجد سلیمان منتشر کرده‌اند . در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است :
" ما بر بازگشائی مدارس تاکید می‌کنیم و این

بازگشایی را براساس همکاری همه‌جانبه توده‌های مردم و رفع نواقص و بر محور اتحاد ضدامپریالیستی معلمان و دانش‌آموزان و طرد هرگونه اندیشه ضداتحاد ، به‌سود انقلاب می‌دانیم ."

● هواداران بیجار طی اعلامیه‌ای که منتشر کرده‌اند ، اقدامات عوامل ضدانقلاب در کردستان و از جمله قتل ناجوانمردانه چند تن از اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین را محکوم کرده‌اند .

● شماره ۳۸ (سال دوم) " اول ماه مه " نشریه کارگران پیشرو خیاط ، کفاش ، بافنده سوزنی ، قنات ، چاپ و منتشر شد .
" و وظیفه لیبرال‌ها : نجات امپریالیسم از زیر ضربات خردکننده انقلاب " عنوان سرمقاله اول ماه مه است . در قسمتی از سرمقاله آمده است :

" آن چیز که مسلم است خواست اصلی مردم ما بخصوص کارگران و زحمتکشان میهن پس از سرنگونی حکومت وابسته به امپریالیسم شاه و برپائی جمهوری اسلامی ، دقیقاً قطع هرنوع وابستگی به امپریالیسم و تامین آزادی‌های دمکراتیک و سیاسی بوده است ."

در این نشریه مطالب ارزنده‌ای از جمله "درس‌هایی از مبارزات خلق ویتنام" ارائه شده است .

● کارکنان پیشگام مخابرات ایران با انتشار اعلامیه‌ای روز ۲۶ دی ماه ، سالروز قهرمانی‌های خلق و فرار شاه را گرامی داشته‌اند . در قسمتی از

این اعلامیه آمده است :
" مردم قهرمان ما در سایه وحدت عمل خود و تقدیم شهدای بی‌شمار توانستند یکی از مستبدترین دیکتاتورهای دوران را فراری دهند ."

● در بزرگداشت قهرمانی‌های خلق شرکت کنیم!

عنوان تراکتی است که هواداران سازمان در همدان منتشر کرده‌اند . در این تراکت ضمن بزرگداشت شهدای تیپ ۳ پادگان قهرمان همدان و پاسداران شهید ، تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام محکوم شده است .

● کارگران پیشرو تولید دارو با انتشار تراکتی یاد کارگر شهید " حسن خوش‌اقبال " را که در جبهه‌های جنگ به شهادت رسیده است گرامی داشته‌اند .

● دانش‌آموزان پیشگام بیرجند ویژه‌نامه دانش‌آموزان پیشگام را منتشر کردند . در این ویژه‌نامه مطالبی تحت عنوان "بنی‌صدر شعارها و عملکردها" ، "رویدادهای محلی" ، "اخبار دانش‌آموزی" ، "آموزش سیاسی" و "اخبار ایران و جهان" درج شده‌است .



باید از زحمتکشان تفکیک شوند . دسته اول مستحق شدیدترین مجازات‌اند . باید به‌سرعت سرکوب شوند .

۲- زحمتکشان : باید کارت شناسایی داده شود . دولت باید پیگیرانه در راه ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت آنها به میهنشان بکوشد . تا آن زمان ، ایشان می‌توانند در مناطق مخصوص زیر کنترل نهادهای مترقی نظیر پاسداران ، جهاد سازندگی و ... زندگی کنند .

۳- مرزهای دو کشور باید دقیقاً کنترل شود . از ورود و خروج افراد جز با اجازه قانونی باید جلوگیری شود .

۴- تمامی افغان‌هایی که در ایران به‌سر می‌برند ، بدون استثناء باید خلع سلاح شوند .

۵- طبیعی است که دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران به‌منظور ایجاد شرایط برای تحقق موارد فوق بایستی در تحلیل خود از اوضاع افغانستان تجدیدنظر کنند . این یک شرط اساسی است . کسانی راکه محافل ضدامپریالیست جمهوری اسلامی به‌عنوان مجاهدان مسلمان زیر چتر حمایت خود گرفته‌اند جز دشمنان مشترک استقلال ، آزادی و ترقی ایران و افغانستان نیستند . در عوض دوستان انقلاب ایران در افغانستان اکنون مدتهاست که زیر ضرب مقامات جمهوری اسلامی قرار دارند .

آثار زیانبار سیاست‌های گذشته باید هرچه سریع‌تر برطرف شود . اوضاع نباید به این شکل جریان یابد . روابط دو کشور باید یکبار برای همیشه به‌زبان امپریالیسم آمریکا و به‌سود خلق‌های دو کشور و خلق‌های منطقه دگرگون شود .

افغانستان چیست؟ منظور توده‌های میاییوی ساکن افغانستان است که هم اینک در راه مستحکم‌تر کردن راه اجتماعی استقلال ، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی گام برمی‌دارند یا فئودال‌ها و سرمایه‌داران "خلق مسلمان" افغانستان؟ که در کشورهایی مانند پاکستان ، شیخ‌نشین‌های خلیج ، مصر و ... متأسفانه ایران انقلابی مستقرند و آموزش نظامی و سیاسی می‌بینند تا علیه منافع خلق افغانستان به توطئه‌های خود ادامه دهند؟ این پرسش را آقای رئیس‌جمهور نمی‌تواند بی‌پاسخ بگذارد . آنچه که قطعی است این واقعیت است که نیروهای ضد امپریالیست موجود در جمهوری اسلامی ایران دیر یا زود - به علائق مشترک دو ملت و دو حکومت موجود و مستقر در دو کشور ایران و افغانستان در برابر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه‌های داخلی آن در دو کشور همسایه پی خواهند برد . واقعیتی که هم اینک سبز خود را به‌خوبی نشان می‌دهد ، بطوری که عده‌ای از نمایندگان مجلس‌پیش‌تاز این سیاست واقع‌بینانه شده‌اند ولی اشکال کار در اینجا است که از دست دادن زمان هیچ نتیجه‌ای جز وارد آمدن آسیب‌های بازم بیشتر بر پیکر دو انقلاب ایران و افغانستان نخواهد بود . به‌همین دلیل است که نیروهای انقلابی و به‌ویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران وظیفه بس سنگینی را در این رابطه پیدا می‌کنند .

برای این منظور قبل از هر چیز باید :

۱- تمام مهاجرین افغان در ایران دقیقاً مورد شناسایی قرار گیرند . ضدانقلابیون ، فئودال‌های فراری و روحانیون مرتجع به‌هر صورت که هستند

بعبه از صفحه ۱۰

صدها سرکرده

●●● ضدانقلابی افغانی

سازشکاری مانند یزدی و چه زمانی که قطب‌زاده توطئه‌گر بر مصدر امور بود ، به‌نحو کاملاً حساب شده در ضدیت با حکومت ملی و ترقیخواه افغانستان سنگیری شده‌بود . اقدامات مداوم سه‌جبهه‌ای‌های جاسوس آمریکا از تبلیغات مسموم گرفته تا حمله اخیرشان به سفارت شوروی در تهران نیز مکمل اقدامات لیبرال‌های درون حکومت است که در طول دو سال تلاش کرده‌اند به‌هر نحو که شده امپریالیسم آمریکا و حکومت‌های مزدور و وابسته به آن مانند صیاء‌الحق‌ها و نیز به‌اصطلاح نهضت‌هایی که از پول و سرمایه‌های امپریالیست‌ها تغذیه می‌کنند و مجری سیاست‌های توطئه‌گرایانه آنها هستند ، را دوست مردم ما جا بزنند . در این میان پرسیدنی است که آقای رئیس‌جمهور چگونه به خود اجازه می‌دهند که به دفاع از مرتجع‌ترین و ضدانقلابی‌ترین نیروهای افغانی برخیزد که منافع فئودالیسم محض افغانستان و امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا را نمایندگی می‌کنند؟ آقای رئیس‌جمهور که در کارنامه روزانه‌شان در تاریخ ۲۱ دی ماه ۵۹ می‌نویسند :

" ما باید به مردم افغانستان کمک جدی و تا آنجا که ممکن است وسیع کنیم " ! باید به مردم قهرمان ما توضیح بدهند که مراد از "مردم"

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

طرح جیره بندی

به سود زحمتکشان است

اجرای کامل سیستم جیره بندی باعث دلگرمی میلیون ها زحمتکش شهر و روستا است

تخم مرغ، و ... خواست مبرم زحمتکشان است. سایر این مرحله دوم طرح جیره بندی که مدت زمانی است از وعده اجرای آن گذشته، هرچه زودتر باید عملی گردد. تا بدیوسپله از فشار گرانی و کمبود بر زندگی زحمتکشان کاسته شود. از همین رو اجرای کامل سیستم جیره بندی باعث دلگرمی میلیون ها زحمتکش شهر و روستا بوده و موجب جلب پشتیبانی هرچه فعال تر آن ها نسبت به انقلاب خواهد بود.

همچنین در اجرای مرحله دوم سیستم جیره بندی باید از تکرار اشتباهات و موافق مرحله اول آن جلوگیری بعمل آید. و برخلاف مرحله اول، برای آنکس کالاهای جیره بندی شده با سهولت و سرعت هرچه بیشتر به دست مصرف کننده در شهر و روستا برسد و از نقش واسطه ها جلوگیری بعمل آید، در توزیع آنها عمدتاً باید با شرکت فعال شوراهای محلی از طریق شبکه تعاونی های دولتی عمل کرد و در بخش خصوصی نیز از مزایه هایی که مستقیماً با خریدار سرو و کار دارند استفاده کرد.

خاواده های رجمیت به کم رجمیت عادلانه نیست. ثانیاً - در این طرح برخلاف طرح جیره بندی رسمی اگر خانواده های بهر دلیل نتواند سهمیه خویش را در نوبت مقرر دریافت کند، آن سهمیه از دست رفته تلقی می شود. ثالثاً - در این طرح آنجاهایی که شرکت تعاونی شهر و روستا وجود ندارد، دست اهالی منطقه از کالاهایی که از طریق تعاونی ها به قیمت رسمی و دولتی آن عرضه می شود، کوتاه خواهد بود. لذا در هر شرایطی که بار اصلی کمبود کالاهای و مایحتاج عمومی و بهداشتی آن افزایش قیمت ها بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند، تعمیم جیره بندی یا بعضی از کالاهای ضروری و ارزاق عمومی نظیر گوشت، برنج

قصابی ها عرضه می شود. اما از آنجا که سهمیه قصابی ها کاهش یافته و گوشت سیر تنها در صف فروخته می شود، کم نیست مواردی که به تعدادی از مشتریان گوشت نمی رسد. به ویژه در مناطق پرجمعیت و یا خارج از محدوده که تعداد قصابی ها کم بوده و یا قصابی ها دارای جواز کسب نبوده و از سهمیه دولتی محرومند. به این ترتیب اهالی مناطق پرجمعیت و یا خارج از محدوده تنها کالاهای جیره بندی شده را بطور مرتب دریافت می کنند. ضمن آنکه این نوع عرضه ارزاق اولیه از طریق کارت خواروبار و تعاونی های منطقه، در مقایسه با طرح جیره بندی رسمی کالاهای دارای کمبود و نواقص اساسی است. زیرا: اولاً - این شیوه توزیع بدون در نظر گرفتن تعداد

می شود. شدیداً در مضیقه هستند. زیرا این ارزاق در صف و فقط به کسانی که کارت خواروبار همان منطقه را دارند، فروخته می شود. برای نمونه در منطقه بزرگ خارج از محدوده های نظیر شهرک ولی عصر، توزیع سهمیه برنج که از طریق تنها بقالی منطقه صورت می گیرد، با اشکالات زیادی روبروست. در این مورد یک کارگر کارخانه شیشه سازی میرال می گفت: "از یک ماه پیش توزیع برنج دولتی در بقالی شروع شده، اما هنوز نوبت ما برای دریافت برنج نرسیده است. این است که در موارد ضروری مجبور هستیم برنج را از بازار آزاد کیلویی ۲۲ تومان تا ۲۷ تومان بخریم". همچنین هم اکنون گوشت با قیمت رسمی دولتی از طریق شرکت تعاونی ها و

از اجرای مرحله اول طرح جیره بندی مدتی است که می گذرد و در این مدت توزیع فند و شکر، روغن، پودر رختشویی و تا حدی نفت و بنزین علیرغم پاره ای اشکالات و نارسایی ها، با نتایج مثبتی روبرو بوده است. از آن جمله توزیع عادلانه و تثبیت قیمت این کالاها را می توان نام برد. ولی متأسفانه تاکنون جیره بندی کالاهای ضروری از ۵ یا ۶ قلم کالا تجاوز نکرده و علیرغم خواست کلیه زحمتکشان در همان مرحله اول خود متوقف مانده است. اگرچه بعضی از کالاها مانند برنج و تخم مرغ و سیگار در مناطقی که شرکت های تعاونی وجود دارد، هفته ای یک بار از روی کارت نفت و یا خواروبار به مقدار مساوی و با قیمت رسمی و دولتی در اختیار هر خانواده قرار می گیرد، ولی نمی توان آن را خالی از اشکال دانست. بخصوص در مناطق مسکونی خارج از محدوده تهران که تعاونی های شهر و روستا مطلقاً وجود نداشته و یا به مدت وجود دارند، اهالی از نظر تهیه ارزاقی که معمولاً در تعاونی ها و سایر معازنه با نرخ دولتی عرضه



فروشنندگان خرده پا عامل گرانی نیستند

۲- کشاورزان که قشر عظیم زحمتکش و مستضعف جامعه ما می باشند، هیچ نقش و سهمی در این اضافه قیمت ها ندارند. ۳- مصرف کننده محروم با توجه به اوضاع و احوال کنونی ناچار است از خرید و خوردن میوه گران بطور کلی صرف نظر و چشم پوشی نماید و یا این که با هزاران آه و ناله این اضافه بهاء را پرداخت و مطامع و امیال سودجویان حریص و بی خبر از خدا را تامین و ارضا بنماید. اطلاعات به درستی نشان می دهد که عامل مستقیم این گرانی، گروه های "توزیع کننده انحصاری" هستند که شامل "سلف خرها، واسطه ها و دلالان" محترک می گردد. یعنی کسانی که جزو تجار بزرگ به حساب می آیند و با اقدامات استثمارگرانه و

سودجویانه خود از یک سو هر روز کیسه های پول خود را به قیمت محرومیت اکثریت جامعه سنگین تر می کنند و از سوی دیگر باعث می شوند که با اعمال این نوع فشارهای سهمگین بر توده های مردم، آنها نسبت به انقلاب بدبین گردند. اطلاعات، این نیروی ضدانقلاب و نیات واقعی آن و عوارض جنایت های آن را به خوبی معرفی کرده است. سرانجام اطلاعیه از دولت و همه مسئولین دست اندر کار می خواهد که:

● اخیراً هیئت مدیره شرکت تعاونی تهیه و توزیع اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی تهران طی اطلاعیه ای تحت عنوان "فروشندگان خرده پا عامل گرانی نیستند"، عامل گرانی سرسام آور قیمت میوه و تره بار را که منجر به محروم شدن بخش عظیمی از زحمتکشان میهنمان گردیده، به روشی معرفی کرده است. این اطلاعیه روش می سارد که به فروشندگان خرده پا که خود حوزو زحمتکشان به حساب می آیند در گران شدن قیمت میوه و تره بار نقش دارد و نه میلیون ها کشاورز محرومی که به تولید محصول می پردازند و خود نخستین قربانی گرانی سرسام آور و کالاهای ضروری برای یک زندگی حداقلی می باشند. در این اطلاعیه آمده است:

● عامل مستقیم گرانی، گروه های "توزیع کننده انحصاری" هستند

خواست انقلابی میوه فروشان جزء پاسخ مثبت داده و امکانات لازم را جهت پیسبرد این خواست های برحق در اختیار این شرکت تعاونی قرار دهد.

وظایف قانونی، نرخ های تعیینی را دقیقاً رعایت و مستقیماً و بدون دخالت واسطه اقدام به فروش می نماید، توزیع شود. دولت جمهوری اسلامی باید هرچه سریع تر به

در اسرع وقت به این مسئله حیاتی به شیوه انقلابی رسیدگی و ترتیبی فراهم آورد تا کلیه میوه های متعلق به بخش های دولتی، عمومی و حتی خصوصی منحصراً به وسیله شرکت تعاونی تهیه و توزیع فروشندگان میوه و سبزی تهران که براساس

۱- به رغم تبلیغات و شایعات سوء و متأسفانه تصور غلط عده ای از همشهریان، این فروشندگان خرده پا هرگز گرانفروشی نبوده بلکه صرفاً به خاطر تامین معیشت، جبرا به عامل گرانفروشان تبدیل شده اند.

فرهنگیان جنگ زده همچنان بلا تکلیف هستند

معلمان مناطق جنگی را به کلاس های درس بفرستید!

به پیش!

برای آموزش انقلابی رزمندگان

و جنگ زدگان

سیاری از مسئولان با بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای جنگ‌زدگان، به آتش نارضایتی‌ها دامن می‌زنند.

مشکلات و درخواست‌های فرهنگیان جنگ‌زده، یکبار دیگر ضرورت برنامه‌ریزی و رسیدگی همه‌جانبه به مسائل جنگ‌زدگان را نشان می‌دهد. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی باید پاسخگوی نیازهای کارکنان خود که محبور به ترک خانه و کاشانه‌شان شده‌اند، باشند.

در این میان وزارت آموزش و پرورش می‌باید با جذب فرهنگیان جنگ‌زده، هم نیازهای آنان را برآورده کند و هم از وجودشان استفاده نماید. برخی از خواست‌های فرهنگیان جنگ‌زده که عموماً خواست تمامی جنگ‌زدگان می‌باشد، چنین است:

- ۱- پرداخت حقوق و تامین مایحتاج عمومی از طریق شرکت تعاونی فرهنگیان.
- ۲- اسکان خانواده‌های جنگ‌زدگان.
- ۳- برخورد مسئولانه و منطقی مقامات وزارت آموزش و پرورش با خواست‌ها و پیشنهادهای آنان.
- ۴- بهره‌گیری از وجود معلمان و دبیران در مدارس و یا انتقال آنها به مناطقی که در این زمینه کمبود دارند.

مرج و افزودن بر نارضایتی فرهنگیان نداشته است. بی‌توجهی مسئولان آموزشی و پرورش به‌ویژه آقای شهسواری معاون این وزارتخانه، موجب دل‌سردی و بدبینی بسیاری از فرهنگیان گردیده و زمینه را برای بهره‌برداری لیبرال‌ها و عوامل ضد انقلاب فراهم کرده است.

یکی از فرهنگیان جنگ زده که به‌همراه ۲۰۰ همکار خود، روز یکشنبه ۱۴ دی به وزارت آموزش و پرورش آمده بود، می‌گفت:

"مستولان به‌دلیل نداشتن برنامه‌ریزی درست، نتوانسته‌اند به مشکلات اساسی ما پاسخ گویند. بعضی از آنها کمترین اطلاعی از وضع ما ندارند. به‌عنوان مثال ما به یکی از مقامات مراجعه کردیم و گفتیم: از فرهنگیان آبادان هستیم. او در جوابمان گفت: "چرا آمده‌اید تهران، مگر مدارس آبادان بار نیستند؟" این فرهنگی آبادانی در ادامه سخنانش گفت:

"ما نمی‌توانیم از مردمی که همه‌چیز خود را از دست داده‌اند، انتظار داشته باشیم در برابر اینگونه برخوردهای غیرمسئولانه، سکوت کنند و به صف ناراضیان بپیوندند. البته ما به سهم خود می‌کوشیم جلورشد نارضایتی‌ها و نفوذ عوامل ضدانقلاب را بگیریم، ولی متأسفانه

هزاران معلم، دبیر و کارمند آموزشی و پرورش که از شهرهای خوسین شهر، آبادان، قصر شیرین و سایر مناطق جنگ‌زده به تهران شیراز و شهرهای دیگر آمده‌اند، همچنان بلا تکلیف و سرگردان هستند.

فرهنگیان مناطق جنگ‌زده در اجتماعاتی که بطور منظم در تهران و شیراز داشته‌اند آمادگی خود را برای تدریس در مدارس و یا انتقال به مناطقی که نیاز به معلم دارند، اعلام داشته‌اند. آنان همچنین خواهان دریافت حقوق ماهیانه، استفاده از امکانات شرکت تعاونی فرهنگیان، رسیدگی به‌وضع اسکان خود و خانواده‌هایشان هستند. متأسفانه مسئولان وزارت آموزش و پرورش با خواست‌ها و پیشنهادهای فرهنگیان برخورد اصولی و منطقی نداشته و با صدور بخشنامه‌های ضدونقیض بر مشکلات آنان افزوده‌اند.

این مسئولان که اهواز را منطقه جنگی نمی‌دانند! چندی پیش از کلیه معلمان و کارکنان جنگ‌زده آموزش و پرورش جنوب خواستند به اهواز بازگردند تا در آنجا دفاتر حضور و غیاب را امضاء کنند!! این بخشنامه نامعقول در کنار بعضی از دستورالعمل‌های نادرست مسئولان آموزش و پرورش، نتیجه‌ای جز ایجاد هرج و

نسخه از صفحه ۴

برآوارگان جنگ...

روستاها، جاده‌سازی، پل سازی و غیره به‌کار گرفته شود. باید در نزدیکی اردوگاه‌ها کارگاه‌های تولیدی کوچک از قبیل بافندگی، صنایع دستی، دوزندگی و... به‌وجود آید.

همچنین وظیفه‌تمامی نهادهای انقلابی و هر فرد میهن‌پرستی است که به‌یاری آوارگان بشتابد و کمک‌های مادی و معنوی خود را با ستادهای کمک‌رسانی هماهنگ سازد.

۶- شهرداری‌ها و بهداری‌های منطقه با کمک اهالی اردوگاه‌ها، نظافت و گندزدایی محیط اردوگاه‌ها را به‌پیش برند. در ضمن واکنسیناسیون و پیشگیری از امراض‌مسری و عفونی یکی از وظایف مبرمی است که باید به آن توجه شود.

۷- علاوه بر اقدامات فوق باید نیروی کار جوانان، افراد متخصص و غیر متخصص برای امسور اردوگاه‌ها، برای بازسازی

امکانات موجود زیر نظر تشکیلات سراسری جمع‌آوری شده و متناسب با آمار موجود بین اردوگاه‌ها توزیع شود.

۴- مسافرخانه‌ها، هتل‌ها و مجتمع‌های خالی از سکنه در اختیار آوارگان گذاشته شود.

۵- اداره‌های اردوگاه‌ها ایستنی با کمک خود نمایندگان جنگ‌زدگان انجام گرفته و از تمام نیروی این آوارگان برای اداره آموزش استفاده شود.

● در شهر حماسه‌آفرین آبادان که در این روزها بطور مداوم زیر آتش توپخانه دشمن قرار دارد، رزمندگان جبهه‌ها و مردم میزبانی که در شهر مانده‌اند، گاه فراغتی پیدا می‌کنند و اجتماعاتی تشکیل می‌دهند. در یکی از این اجتماعات که بعضی شب‌ها در سالن سرپوشیده‌ای برگزار می‌شود، از طریق تلویزیون مدار بسته فیلم‌های انقلابی به نمایش گذاشته می‌شود. این فیلم‌ها که بیانگر روحیه مقاومت و دلاوری در راه مردم است از طرف سربازان، پاسداران، و کارگران پالایشگاه آبادان و سایر مردم رزمنده با استقبال روبرو می‌شود. این برنامه در بعضی از بیمارستان‌های شهر سر برای بزرگان، پرستاران و محرومین جنگ اجرا می‌شود. همچنین پیش‌آهنگانی که داوطلبانه از بابل‌سر به جبهه‌های جنگ جیب‌سور آمده‌اند، نمایشنامه‌های شورانگیزی برای رزمندگان و مردم پشت جبهه اجرا کرده‌اند که تأثیر سازنده‌ای برجای گذاشته است.

در اهواز نیز اینگونه حرکت‌های انقلابی دنبال می‌شود. به‌عنوان نمونه، انجمن اسلامی صنایع فولاد در تاریخ ۱۶ دی ماه فیلم "کودتای شیلی" را از طریق تلویزیون مدار بسته برای کارگران پخش کرد. پس از پایان فیلم، انبوه تماشاگران به‌مدت ده دقیقه با فریادهای کوبنده "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر پینوشه" نفرت خود را از

نمایشگاه

هواداران سازمان در رشت به‌مناسبت سالروز فرار شاه در محلات کوی کارگران، تختی، صمد بهرنگی، ساغربسازان و... مدارس فروغ، دهخدا، لیلان‌مردیان و... نمایشگاه‌هایی برپا کردند که با استقبال مردم روبرو شد.

عکس، گوشه‌ای از یک نمایشگاه را نشان می‌دهد

امیرالیسم جهان‌خوار آمریکا و همسنگی‌شان را با مردم مبارز شیلی، به‌نمایش گذاشتند.

در "ایده" که میزبان هزاران جنگ زده خوزستانی است، آکیپ سیاری از سوی کانور پرورش فکری کودکان و جوانان به شهر آمده که ضمن توزیع کتاب، فیلم‌های کوتاه و نمایشنامه‌های امیرالیستی را نیز به نمایش می‌گذارند.

در بعضی از شهرهای دیگر گروه‌های موسیقی و نمایش به‌کار بالا بردن روحیه مقاومت و آموزش انقلابی مردم مشغولند. اینگونه فعالیت‌های انقلابی که در بالا بردن روحیه رزمی و مقاومت‌آفرین رزمندگان و جنگ‌زدگان و آشنایی آنان با تجربیات خلق‌های پیروزمند جهان، تأثیر برجسته‌ای دارد، باید گسترش یابد. هنرمندان و گروه‌های داوطلبی که در این زمینه‌ها امکانات و تجربیات لازم را دارند، موظفند به میان رزمندگان و جنگ‌زدگان بروند و به وظیفه انقلابی خود عمل کنند.

نهادهای انقلابی، وزارت فرهنگ و هنر و سازمان‌هایی که امکان نمایش فیلم‌ها و تئاترهای انقلابی دارند می‌بایست بر فعالیت خود در این زمینه‌ها بیفزایند. اینگونه حرکت‌ها، تبلیغات مسموم رادیوهای بیگانه، لیبرال‌ها و عوامل ستون پنجم را تا حد زیادی بی‌اثر خواهد ساخت.



نمایشگاه را نشان می‌دهد

سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله گون است

★ فدائی خلق رفیق شهید محمدرضا جعفری

هرچه بیشتر تداوم و تعمیق یابد تا ستم و جور و تجاوز را که پدیده ذاتی وابستگی به امپریالیسم جهانی است به سرکردگی امپریالیسم جهانیست، برای همیشه در میهنمان دفن کنیم و نسل فردای میهنمان در سایه صلح و سوسیالیسم و آزادی که حاصل تلاش ما خواهد بود تلخی رنج و محرومیت ناشی از جامعه طبقاتی را نچشند.

مردم روستای لغوت پائین طی مراسم پرشکوهی پیکر گلگون رفیق را که سمبل شکوه و مردانگی مردم میهن ماست تشییع نمودند. جنازه غرقه به خون رفیق محمد رضا بر دستهای پینه بسته کارگران و دهقانان "لغوت" گویی و درفش کاویان بود و به دادخواهی افراشته بودند و چنین هم بود چون فریاد "این سند جنایت آمریکا" این ضحاک زمان، دشتها و کوهها را به لرزه درآورده بود. رفیق محمد رضا یکی از هزاران جوانی بود که هر روز در گوشه و کنار جهان مغزانش خوراک مارهای سیری ناپذیر دوش امپریالیسم جهانی است به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌گردد. ما ضمن گرامیداشت یاد رفیق محمدرضا جعفری به تمام شهدای راه استقلال و آزادی درود می‌فرستیم.

تظاهرات مردم آستانه اشرفیه در جنب و جوش بود و عشق به رهایی کارگران و دهقانان و نفرت از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در سیمای مردانه‌اش موج می‌زد و سینه فراخش آماده بود که سنگر خلق باشد و در مقابل گلوله‌های دشمنان مردم و انقلاب و گردن راستش چون سرو ایستاده‌ای در مقابل بادهای مخالف انقلاب پایدار و ثابت بود.

رفیق پس از پیروزی انقلاب به سربازی اعزام گردید. او را یکبار برای جنگ برادرکشی به کردستان فرستادند. رفیق در کردستان همانند دیگر نیروهای مبارز و انقلابی از کشتار خلق کرد پرہیز نمود و به افشای خیانت سران ارتش و گروه‌های ذینفع در ادامه جنگ کردستان پرداخت. او سرانجام پس از جنگ تحمیلی عراق در حالی که بیش از ۵ ماه از خدمت سربازیش باقی نمانده بود به جبهه دزفول شتافت و یک‌ماه بعد به اهواز (جبهه کرخه‌کور) منتقل شد و یک‌ماه قبل در نبرد با تجاوزگران مزدور عراقی و در راه آرمان انقلابی کارگران و دهقانان ایران به شهادت رسید. باشد تا بر پایه تلاش و جانبازی رفیق محمد رضا انقلابمان



رفیق محمدرضا جعفری در مهرماه سال ۱۳۳۸ در قریه لغوت پائین از توابع آستانه اشرفیه به دنیا آمد. رفیق همچنین سایر فرزندان روستائیان بارنج و فقر بزرگ شد. در جوار کار طاقت‌فرسا در مزرعه و در حین تحمل انواع فشارهای ناشی از فقر خانواده به مدرسه رفت و سرانجام در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم گردید. خیزش انقلابی توده‌ها نطفه‌های بارور امید به فردای روشنی را برای او و هموعانش در قلب پاک و مهربان و رنج کشیده رفیق کاشت و او را به شرکت فعالانه برای مبارزه در راه سرنگونی رژیم وابسته شاه جلاد و ایجاد ایرانی مستقل و دموکراتیک و عاری از ستم و رنج و محرومیت کشاند. رفیق همواره چون پرچم افراشته رنج‌دیدگان در پیشاپیش راهپیمائی‌ها و گردید.

در تاریخ ۱۵ دی ماه ۵۹ در حمله سراسری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دشمن متجاوز، او با شهامت و شجاعت بی‌مانندی، با واحد تحت فرماندهیش و همراه دیگر نیروهای مسلح پس از تصرف "تنگه حاجیان" در گیلانغرب پیروزمندانہ سنگرها و استحکامات نظامی دشمن را در هم کوبید و نیروهای

پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یداله خزلی

طوفانی شده بود که رژیم منحوس و پوسیده پهلوی را تهدید به نابودی می‌کرد. یدالله که سراپای وجودش آکنده از عشق به خلق و نفرت از سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم که عامل تمام بدبختی‌های مردم است بود، مصمم و آگاهانه همراه توده‌ها و با ایمان به پیروزی خلق و به امید فردایی روشن برای زحمتکشانی که به دردهایشان آشنا بود، با رژیم جنایتکار شاه به مبارزه‌ای بی‌امان برخاست.

روزی که امواج خروشان خلق سهاد اصلی رژیم خونخوار شاهنشاهی یعنی ارتش را در هم می‌کوبید رفیق یدالله افسر نگهبان پادگان شیراز بود و هنگام حمله مردم به پادگان با اشک شوق از آنان استقبال نمود و با تقدیم اسلحه خود راهگشای فتح هرچه پیروزمندان‌تر مردم گردید و سرفراز و پرشور علنا به صف میلیونی توده‌های انقلابی پیوست.

او پس از پیروزی انقلاب مجدداً به ارتش بازگشت و به فرماندهی اعزام شد. در جریان کودتای آمریکایی "نوزه" و در پی هتدار و آماده‌باش نیروهای انقلابی رفیق برای درهم شکستن هرگونه توطئه و دسپه امپریالیسم و همدستانش هوشیارانه و با تمام توان انقلابی خود آماده بود.

پس از شروع جنگ تجاوزکارانه رژیم ضد خلقی عراق، رفیق یدالله همچون دیگر رزمندگان و پرسنل انقلابی ارتش آمادگی خود را برای شرکت در نبرد اعلام و به جبهه گیلانغرب اعزام

ستوان یکم زرهی یدالله خزلی در سال ۱۳۳۶ در روستای "جشمه سفید" کرمانشاه در میان خانواده‌ای زحمتکش دیده بر جهان گشود. دوران کودکی‌اش را در بین دهقانان فقیر و ستمدیده روستا توأم با کار و مشقت سپری نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در روستا برای ادامه تحصیل عازم کرمانشاه شد. وضعیت نابسامان زندگی رفیق سبب شد که او از سال پنجم دبیرستان در حالی که ۱۶ سال بیشتر نداشت روانسه دبیرستان نظام و سپس دانشکده افسری شود.

یدالله قلبی سرشار از تعهدی عمیق نسبت به زحمتکشانی که خود از میان آنان برخاسته بود، داشت و همواره در فکر رهایی مردم فقیر و زحمتکش روستایش و تمامی زحمتکشان میهنمان از زنجیرهای اسارت بود.

وفاداری به خلق همواره مانع بود که در رژیم وابسته و ظالمانه شاهنشاهی حل شود و خود به بیج و مهره ماشین جنگی آن سیستم تبدیل گردد و سرانجام فکر چاره‌جویی دردهای مردم و نارضایتی‌اش از رژیم او را به راه کسب آگاهی طبقاتی بیشتر و شناخت دقیق و همه جانبه از دشمن طبقاتی زحمتکشان رهنمون شد و از اینجا بود که با علم رهایی کارگران و زحمتکشان آشنا شد و رهرو پوییده سعادت بشری گردید.

پس از خاتمه دانشکده افسری رفیق یدالله خزلی برای طی دوره تخصصی زرهی به شیراز منتقل شد و در همین ایام بود که جنبش انقلابی خلق مبدل به

مزدور عراقی را در خط مقدم جبهه تار و مار کردند و هنگامی که دیگر با بقایای منهدم شده دشمن فاصله چندانی نداشتند، رفیق بنا به هوشیاری انقلابی‌اش و برای اطمینان از پاک بودن منطقه از مین ضد تانک، تانکس را متوقف کرد و در حالی که مشغول پاکسازی بود و برای پرسنل واحدش تعیین موضع می‌نمود، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار

یاد او را گرامی می‌داریم



پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

شورا، سندیکا...

و مساعی خود را معطوف به بهبود شرایط زندگی و کار آنها نمایند، باید در برگزیده توده وسیع مزدبگیران شاخه‌های گوناگون صنعت باشند و یا به عبارت دیگر سازمان توده‌ای پرولتاریا باشند. از این رو اتحادیه‌ها باید همه کارگران را بدون در نظر گرفته تفاوت‌های نژادی، جنسی، قومی، ملی، مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیکی در خود جای دهند. تشکیلات اتحادیه‌ای اساساً حول منافع واحد اقتصادی کارگران که دارای سرشتی طبقاتی است، در یک واحد کار، شاخه صنعت، منطقه و یا کشور سازمان می‌گیرند.

اتحادیه‌ها برای آنکه واقعاً بتوانند تبلور وحدت توده‌ای کارگران باشند، باید میدان عمل خود را از تبدیل شدن به عرصه کشاکش‌های فراکسیونی میان جمعیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی حفظ کنند. لیکن این موضوع هیچگاه به معنای آن نیست که در مبارزه مشترک بخاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم بین تشکیلات اتحادیه‌ای از یکسو و دستجات، سازمان‌ها و احزاب ترقیخواه و دمکراتیک از سوی دیگر، هماهنگی لازم و پیوندهای مستحکم وجود نداشته باشد.

۳- تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان دمکراتیک پرولتاریاست

برای آنکه سازمان‌های اتحادیه‌ای بتوانند تشکیلات فراگیر طبقاتی پرولتاریا باشند و وحدت توده‌ای کارگران را تأمین کنند و از این طریق سلامت جنبش کارگری را از هر نظر تضمین کنند، باید سازمان‌های دمکراتیکی باشند که در آن توده اعضا فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها تعیین‌خط‌مشی، اتخاذ مواضع و اجرای پیگیری آنها شرکت داشته باشند.

ارگان‌های رهبری تشکیلات اتحادیه‌ای که باید دقیقاً نماینده و برآورنده خواست‌های توده اعضا و تجلی اراده آگاهانه آنها باشند، به وسیله مجامع عمومی و کنگره‌هایی که دربرگیرنده توده وسیع اعضا هستند و بمثابة عالی‌ترین ارگان‌های تنظیم‌کننده خط‌مشی و برنامه مبارزاتی تشکیلات اتحادیه‌ای محسوب می‌شوند، انتخاب شده و در صورت لزوم تعویض می‌گردند. آنکه ارگان‌ها و سازمان‌های رهبری بر اعتماد آگاهانه توده اعضا جزء لاینفک موازین دمکراتیک تشکیلات اتحادیه‌ای است. رعایت متقابل نظریات اعضا توسط رهبری و تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی رهبری توسط توده اعضا، عامل اساسی در تأمین مناسبات دمکراتیک بین رهبری و توده اعضا و تحکیم مبانی وحدت درون اتحادیه‌ای است. تنها شرکت فعالانه و گسترده توده اعضا در کلیه مسائل مربوط به مبارزه اتحادیه‌ای، اعم از تصمیم‌گیری‌ها یا اجرای آنها قادر خواهد بود وحدت صفوف کارگران را در سازمان‌های اتحادیه‌ای تحکیم بخشیده و ثبات آن را تضمین کند. برای تأمین دموکراسی درون اتحادیه‌ای باید با هرگونه تمایلات فرقه‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه و هرگونه گرایش‌های تنگ‌نظرانه و وحدت‌شکنانه از هر سوئی که باشد و هر مضمون ایدئولوژیک - سیاسی که داشته باشد، قویاً به مبارزه برخاست. باید با هر نوع کنترل فراکسیونی و هرگونه باندبازی‌های ضد دمکراتیک در اتحادیه‌ها مقابله کرد. بر خلاف جار و جنجال‌های تبلیغاتی و دروغ - پراکنی‌های ضد کمونیستی محافل بورژوازی،

بعده از صفحه ۱۱ کمونیست‌ها نه تنها معتقد به قبضه کردن سازمان‌های اتحادیه‌ای نیستند بلکه پیگیری‌ترین و آشتی‌ناپذیرترین مبارزین راه تأمین دموکراسی درون اتحادیه‌ها هستند.

"کمونیست‌ها اعتقاد راسخ دارند که توده اعضا اتحادیه‌ها چنانچه فرصت بحث آزادانه در مورد مسائلی که برایشان مطرح می‌شود و حق اتخاذ تصمیم قاطع و دمکراتیک در مورد آن مسائل را داشته باشند، به سیاست‌های درستی دست خواهند یافت. به این دلیل کمونیست‌ها همیشه و همه جا استوارترین مبارزان راه دمکراسی در اتحادیه‌های کارگری هستند.

(کمونیست‌ها و اتحادیه‌های کارگری - فاستر)

کمونیست‌ها هرگز بر این اعتقاد نبوده و نیستند که تأمین رهبری آنان در تشکیلات صنفی - دمکراتیک کارگران، مستلزم تحمیل برنامه و خط‌مشی مبارزاتی آنان بر این تشکیلات است بلکه قویاً بر این عقیده‌اند که تنها ارائه یک برنامه حقیقتاً انقلابی و مبتنی بر تحلیل دقیق از شرایط واقعاً موجود که متکی بر منافع بنیادی آنی و آنتی توده کارگران باشد و نیز سازماندهی و پیشبرد عملی مبارزه روزمره کارگران بخاطر بهبود شرایط مادی زندگی‌شان قادر خواهد بود اعتماد آگاهانه توده اعضا اتحادیه‌ها را به خود جلب کرده و از این طریق رهبری عملی آنها را بر سازمان‌های اتحادیه‌ای تحقق بخشد. کمونیست‌ها در هیچ‌جا و در هیچ‌زمان به شیوه‌های منحن باندبازی و فراکسیون‌سازی که عاری از روح دمکراسی اتحادیه‌ای و در تضاد کامل با موازین دمکراتیک مبارزه سندیکائی است، اعتقاد نداشته‌اند. لیکن همواره بر این عقیده بوده‌اند که چون به جهان - بینی علمی مجهز هستند و قادرند در هر مبارزه‌ای از منافع کارگران به موثرترین وجه دفاع کنند، از آنجا که قادرند با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص نیروی واقعی خود و دشمن طبقاتی را بطور عینی ارزیابی کنند و از این طریق مناسب با شرایط و تعادل نیروها، تاکتیک‌هایشان را اتخاذ کنند تا به هدف‌هایی که در لحظه معین تمامی کارگران آماده جنگیدن در راه آن هستند، دست یابند، می‌توانند و باید در مقام رهبری شایسته اتحادیه‌ها قرار گیرند و رهبران آشتی‌ناپذیر مبارزه طبقاتی کارگران در راه بهبود شرایط مادی زندگی آنان و از آن فراتر سوسیالیسم باشند.

کمونیست‌ها ضمن مبارزه سرسختانه با فرقه - گرایی و فراکسیون‌بازی درون تشکیلات اتحادیه‌ای، این حق را برای خود قائلند که "از اعتقادات خویش دفاع کنند و توده اعضا اتحادیه‌ها را به نظریات خود جلب کنند. این نظریات، مبارزه امروز کارگران را پرتوان‌تر می‌کند و آنان را آماده درک ضرورت سوسیالیسم می‌سازد و سوسیالیسمی که فقط پس از آنکه اکثریت کارگران بنا به تجربه شخصی‌شان به ضرورت آن اعتقاد یافتند، می‌تواند پا به عرصه هستی گذارد.

(فاستر - همان منبع)

ادامه دارد

تدوین و اجرای یک قانون کار و تأمین اجتماعی مرفعی با مشارکت شوراها، سندیکاها و کانون‌های کارگری ضرورت مبرم انقلاب است



نقش عظیم زنان...

بقیه از صفحه ۹

اتخاذ تصمیمات مهم درباره برنامه‌های رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و نحوه اداره امور دولتی و عمومی شرکت می‌کنند، روز به روز افزون‌تر می‌شود بطوری که می‌توان گفت امروزه اکثریت قریب به اتفاق مردم بالغ اتحاد شوروی در تصمیم‌های مهم و اداره امور کشور فعالانه شرکت می‌کنند. زنان شوروی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. از مجموع نمایندگان که در سال ۱۹۷۹ به نمایندگی شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب شدند، ۳۲/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین سهم زنان از کرسی‌های نمایندگان شوراهای عالی جمهوری‌ها و مناطق خودمختار شوروی به ترتیب ۳۵ و ۳۹ درصد می‌باشد و بالاخره ۴۹٪ از کل اعضای شوراهای محل، زن هستند.

زنان شوروی سهم مهمی در اداره دستگاه قضائی کشور دارند. بیش از ۳۰۰۰ زن در مقام دادرسی خلق کار می‌کنند. این رقم ۳۳٪ کل دادرسان اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این از نیمی از اعضای هیئت‌های منصفه دادگاه‌های شوروی نیز زن می‌باشند. در شورای مرکزی اتحادیه "که ارگان رهبری کننده تمام اتحادیه‌های شوروی است ۱۹۸ نفر زن عضویت دارند و بیش از ۲۰۰۰ زن عضو اتحادیه‌های صنفی رشته‌های مختلف تولیدی، اداری و آموزشی هستند.

در اتحاد شوروی وظیفه مادری مهم‌ترین وظیفه اجتماعی زن شناخته می‌شود زیرا مادران پرورش دهندگان نسل‌های آینده و سازندگان فردای کشور هستند. بدین خاطر کار مراقبت از کودکان با مواظبت از مادران آغاز می‌شود. زنان اتحاد شوروی قبل و بعد از دوران بارداری از مرخصی‌های طولانی استفاده می‌کنند و در تمام این دوران حقوق و مزایای زنان شاغل پرداخت می‌شود. مادران در اتحاد شوروی علاوه بر برخورداری از بهداشت و درمان رایگان همگانی، از مراقبت‌های پزشکی خاصی نیز بهره می‌برند. زنانی که دو فرزند به دنیا آورده باشند در ازای هر فرزند بعدی کمک مالی ماهیانه از دولت دریافت می‌دارند. در اتحاد شوروی زنان، ۵ سال زودتر از مردان بازنشسته می‌شوند. (مردان در ۶۰ سالگی و زنان در ۵۵ سالگی). زنان بطور معمول پس از بیست سال کار بازنشسته می‌شوند ولی زنانی که بیش از ۵ فرزند داشته باشند، می‌توانند پس از ۱۵ سال بازنشسته شوند.

زنان اتحاد شوروی از آنجا که وظیفه مراقبت از کودکان و تربیت آنها را به عهده دارند، از احترام خاصی در جامعه برخوردارند. زنانی که ۵ یا ۶ فرزند به دنیا آورده و پرورده باشند، به دریافت "مدال مادری" مفتخر می‌شوند. به زنان صاحب ۷ یا ۸ فرزند نشان "افتخار مادری" اعطا می‌گردد و زنان دارای ۱۰ فرزند لقب و نشان "مادر قهرمان" دریافت می‌دارند. دولت شوروی می‌کوشد با ترتیب دادن مهد کودک‌ها، کودکان‌ها و پرورشگاه‌ها به مادران در تربیت کودکانشان کمک نماید و نیز هرچه بیشتر از کارهای خسته‌کننده خانگی زنان بکاهد تا بدین ترتیب زنان فرصت بازمم بیشتری برای شرکت فعال در زندگی اجتماعی داشته باشند.

زندگی زنان در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، منبع الهام زنان جوامع سرمایه داری در مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک و منشاء الهام زنان زحمتکش در مبارزه برای رهائی از قید هر نوع ستم و استثمار می‌باشد.

چگونه می توان

وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

✱ گسترش روابط اقتصادی با اردوگاه سوسیالیسم و کشورهای ترقیخواه جهان، ضد وابستگی و به مفهوم تحکیم استقلال است.

نظریه پردازان و مبلغان توجیهگر امپریالیسم جهانی سالهاست که می کوشند سلطه امپریالیسم را بر خلقهای زیر ستم جوامع وابسته، امری اجتناب ناپذیر جلوه گرزاند. آنان می کوشند مبارزه در راه قطع وابستگی به امپریالیسم را مبارزه عبث و بیهوده بنمایانند که خلقهای زیر

ستم را آگریزی نیست جز پذیرفتن زنجیرهای تابعداری و وابستگی. که کارگران و زحمتکشان جهان را راهی نیست جز راه فقر و نگون بختی حاصل از چپاولگریها و غارتگریهای انحصارات امپریالیستی. که مردم جوامع زیر سلطه نباید امیدی به استقلال، کار، مسکن و آزادی داشته باشند. بعلاوه، برخی از میشران راه بندگی، اسارت، فقر، جهل، بیماری و گرسنگی تلاش می کنند این نظر را اشاعه دهند که در جهان امروز، همه جوامع وابسته اند. که کلمبیا همانقدر به امپریالیسم آمریکا وابسته است، که شرکت جنرال موتورز به قهوه کلمبیا و همانقدر ایران به امپریالیسم وابسته است که انحصارات جهانی به نفت ایران. آنها این حقیقت را می پوشانند که وابستگی جوامع زیر سلطه به امپریالیسم شرط اساسی رشد این انحصارات است. از این روست که این انحصارات نه تنها از "وابستگی" شان - (بخوان از سلطه شان) به کشورهای زیر سلطه خشنودند، بلکه حاضرند در راه حفظ و تشدید آن جهان را به آتش کشند و میلیونها انسان آزاده و رنج دیده را به خون درغلطانند. آنها این را نمی گویند که انحصارات امپریالیستی با به وابستگی کشاندن جوامع زیر سلطه، ثمره کار کارگران و زحمتکشان این جوامع را و نیز منابع طبیعی این جوامع را تصاحب می کنند و به غارت می برند تا امپریالیسم فرتوت و بحران زده را چند صباحی دیگر برای نگاهدارند.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، هرچه در توان دارد، کرده است و خواهد کرد که مبارزات قهرمانانه خلقهای زیر ستم جوامع زیر سلطه را به انحراف کشاند و به شکست نشاند. امپریالیسم جهانی نیک می داند که اقتصاد این جوامع وابسته است و مبارزه در جهت قطع وابستگی، مبارزه ای است سخت و دشوار. امپریالیسم جهانی می کوشد این مبارزه را هرچه دشوارتر سازد. امپریالیسم جهانی پیوندهای وابستگی این جوامع را چون سلاحی در مقابل این مبارزات به کار می بندد. آنگاه که امپریالیسم دست به تحریم اقتصادی می زند سلاحی با قدرت باروت و خمپاره را به کار می گیرد. این همان سلاحی است که امپریالیسم جهانی برای مقابله با مبارزات ضد امپریالیستی مردم شیلی به کار گرفت و توانست راه گشای کودتای خونین پیئوشه جنایتکار و وابسته به امپریالیسم باشد. این همان سلاحی است که امپریالیسم جهانی برای به شکست کشاندن انقلاب پیروزمند کوبا به کار گرفت و در آن مفتضحانه شکست خورد. این همان سلاحی است که برای مقابله با مبارزات ضد امپریالیستی مردم قهرمان و رزمنده میهن ما به کار گرفت و باز هم شکست خورد. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در میهن ما همچون در شیلی و در کوبا، کوشید تا با محاصره اقتصادی به بحران اقتصاد وابسته ایران دامن زند تا بیکاری و گرانی را تشدید کند و چنین بنمایاند که مبارزه ضد امپریالیستی یعنی بیکاری، یعنی گرانی به این امید باطل که کارگران و زحمتکش میهن ما در زیر فشار فقر و رنج گرسنگی و بیکاری شانه خم

کنند و راه سازش با امپریالیسم را بکشایند. "تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم جهانی به مردم میهن ما به وضوح نشان داد که امپریالیسم اروپا و ژاپن، هرچند پیوسته می کوشند سهم بیشتری از چپاولگریهای امپریالیسم را به خود تخصیص دهند امپریالیستند و امپریالیستها دشمن خلقهای رزمنده جهانند. تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم جهانی این نکته را که بارها به اثبات رسیده است (در شیلی، کوبا، ویتنام و...) بار دیگر به اثبات رسانید که امپریالیسم فرانسه، انگلیس، آلمان، ژاپن و... پایپای امپریالیسم آمریکا، سرکرده امپریالیسم جهانی، در جهت سرکوب کردن مبارزات استقلال طلبانه مردم جهان گام می نهند. مشت منادیان گسترش رابطه با امپریالیسم اروپا و ژاپن باز شد. چگونگی می توان از امپریالیسم فرانسه یا امپریالیسم ژاپن که اقتصاد میهن ما را تحریم می کند، دشمنان خلق ما را حمایت می کند، به عنوان مدافعان انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن نام آورد؟ آفتاب درخشان، موشهای کور و خفاشان شب را به سوراخهای خود می فرستد.

جنگ تجاوزکارانه و ویرانگر رژیم ضد مردمی صدام علیه انقلاب ایران با تشویق و ترغیب امپریالیستها آغاز شد. آنها می خواستند که این جنگ آن کند که تحریم اقتصادی امپریالیسم و خرابکاریها و الحاکمیت های سرمایه داران وابسته نتوانسته به انجام رساند. که این جنگ بر گران و بیکاری بیفزاید، قحطی و آشوب به بار آورد. مردم میهن ما که در راه کسب استقلال و قطع سلطه امپریالیسم، در راه صلح و استقلال قهرمانانه بیکار کرده و دشواریهای نبرد با امپریالیسم را به جان خریدند، بیکارانه به مبارزه خود ادامه داده و ادامه خواهند داد.

جنگ تجاوزگرانه و ویرانگر رژیم ضد مردمی صدام چهره دوستان و دشمنان خلق ما را هرچه بیشتر به مردم میهن نمایاند. مردم میهن ما به وضوح دیدند که کدام دولت ها ما را در مبارزات که در راه قطع سلطه امپریالیسم در پیش داریم، یار و یاورند و کدام ها هر روز خصومت بیشتری به ما می ورزند. مردم میهن ما دیدند که رژیم های ارتجاعی منطقه در صف نیروهای دشمن خلق قرار دارند و مردم میهن ما هرچه روشن تر دریافتند که دولت های سوسیالیستی و مترقی جهان پشتیبان مبارزات حق طلبانه ما هستند. مردم میهن ما عمیقاً به این حقیقت پی بردند که دولت های چون دولت اردن، عربستان سعودی، کویت، پاکستان و... دولت های وابسته به امپریالیسم هستند و در تحلیل نهائی در کنار امپریالیسم قرار می گیرند و این حقیقت آشکار، آشکارتر شد که دولت های مترقی چون الجزیره، لیبی و سوریه حامیان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایرانند. این حقیقت بهتر آشکار شد که امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی متحد طبیعی امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای جهانند و نیز این حقیقت انکارناپذیر، انکارناپذیرتر شد که دولت های سوسیالیستی جهان، اتحاد جماهیر شوروی، کوبا، کره شمالی و... پیگیرترین

دوستان خلقهای زیر ستم جهانند.

ناتوانی حربه های اقتصادی و سیاسی امپریالیسم جهانی در مقابل مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما، بار دیگر در تاریخ انقلابات اجتماعی عصر ما به اثبات رسید. امپریالیسم درمانده و فرتوت جز سلاح های تبلیغاتی و

نیروهای سرکوبگر نظامی حربهای دیگر در زرادخانه خود سراغ ندارد. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها و دیگر نیروهای مورد حمایت آن اینک هرچه بیشتر بر سلاح های زنگ زده تبلیغاتی خود تکیه خواهند کرد تا بگویند راهی که در پیش داریم سرانجام به پیروزی نخواهد رسید. تا بگویند نتیجه مبارزه در راه قطع سلطه امپریالیسم وابستگی و "ابرقدرتی" دیگر است این بخش دوم از نظریه ای است که مبلغان توجیهگر امپریالیسم جهانی سالهاست در پی اشاعه آن هستند: آنان می گویند همه کشورها وابسته اند. همانقدر انسالوادور به امپریالیسم آمریکا وابسته است که امپریالیسم آمریکا به انسالوادور "وابسته" است. آنان می گویند اگر کشورهایی چون ایران یا انسالوادور بخواهند از زیر سلطه امپریالیسم آمریکا بدر آیند، ناگزیرند زیر سلطه امپریالیسم اروپا و یا ژاپن قرار گیرند و اگر نخواهند در رابطه وابستگی به آنچه آنان جهان "آزاد" (تو بخوان وابستگی به امپریالیسم) می نامند، باشند، ناگزیر زیر سلطه "ابرقدرت روسیه" قرار می گیرند آنان می کوشند جانبداری کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان را از مبارزات ضد امپریالیستی -

✱ وابستگی اقتصادی، وابستگی به امپریالیسم جهانی و سرکرده آن امپریالیسم آمریکا است و این نتیجه ناگزیر رشد سرمایه های انحصاری برای جوامعی است که در شبکه روابط امپریالیستی قرار دارند. راه استقلال و قطع وابستگی، راه قطع پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه است.

دمکراتیک خلقهای زیر ستم جهان، وابستگی به این کشورها وانمود کنند تا بدین ترتیب برخی مردم ناآگاه جوامع زیر سلطه را بفریبند. صف دوستان و دشمنان خلقها و انقلاب را مخدوش کنند، از بهره گیری خلقهای جهان از نیروهای ذخیره انقلاب جلو گیرند و راه سازش با امپریالیسم را هموار سازند.

بدین دلایل است که اکنون از گوشه و کنار ناله شوم سازشکاران آغاز شده است که: "وا مصیبتا! مملکت از دست رفت و بیش از این نمی توان تحمل کرد!" آنان بی کم و کسر نظر مبلغان توجیهگر امپریالیسم را اشاعه می دهند که جز این نیست که هرچه کنیم وابسته خواهیم بود حال اگر نه به غرب، به شرق وابسته خواهیم شد و چون در هر صورت وابستگی است، چه بهتر که کنیم که نقل و نبات و نان و کره در مرز بازگان در انتظار است.

ما در مقالاتی که در پی این مقاله خواهیم آورد، تحلیلی از مفهوم وابستگی را دنبال خواهیم کرد تا نشان دهیم - که مکانیسم های وابستگی کدام است و چگونه است که کشورهای زیر سلطه امپریالیسم در شبکه انحصارات امپریالیستی

امپریالیسم به عبث در پی شکست انقلاب ایران است

به تفرقه و جدائی بین نیروهای خلقی، انحراف افکار عمومی از خطر دشمن اصلی و ایجاد عدم امنیت و... است.

از سوی دیگر پایه‌های این توطئه‌های داخلی، امپریالیسم جنایتکار آمریکا با به‌کار گرفتن عملی "نیروی ضربه‌ای ویژه برای دفاع از منافع آمریکا در خلیج فارس" و به‌حرکت درآوردن آن در آب‌های جنوبی ایران، گام دیگری را در جهت دخالت مستقیم در میهن انقلابی ما برداشته است.

تردیدی نیست که مردم متحد ما مصمم هستند به هر نحوی که شده امپریالیسم را ناکام بگذارند. مردم انقلابی ما راه خود را برای رسیدن به آزادی کامل از هر نوع قید و بندی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برپای آن بسته است، همچنان ادامه خواهد داد.

زندانیان آرام می‌شوند! ادامه کارشکنی در مراکز تولیدی و ادارات و تشویق و تحریک به اعتصاب و توقف چرخ‌های تولید توسط لیبرال‌ها، سازمان دادن اخلاگرانی که بین آوارگان جنگی به‌سر می‌برند که با توزیع پول همراه است، شایع‌پراکنی، دامن زدن به تشنج‌های موجود از سوی ضد انقلاب که گاه به‌راحتی بخشی از نیروهای ملی و سبز عناصر چپ‌رو را از یک‌سو و مذهب‌پرستی قشری را از سوی دیگر به‌دام خود می‌اندازند (تورنر فوجیگ کاندیدای مجاهد خلق از خرم‌آباد برای مجلس شورای اسلامی در روز روشن را که چند روز پیش اتفاق افتاد، باید از این دست تلقی کرد) و... همه و همه در جهت زمینه‌سازی و یا در خدمت اقدامات تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا است. اقداماتی که متوجه دامن زدن

جمهوری اسلامی سم‌نگیری می‌کنند. این نیروی مزدور به‌سرعت به یک خطر بالفعل تبدیل می‌شود.

در بلوچستان خوانین بلوچ با سرعت تمام خود را متشکل می‌کنند و با گرفتن سلاح و پول از پاکستان ضیاء‌الحق عملیات تروریستی خود را افزایش می‌دهند.

در مناطق بختیاری و قشقایی هم تشکل‌های ضد انقلابی همچنان رو به توسعه و تحکیم و توسعه است. و در چند روز گذشته در کردستان ضد انقلاب به عملیات مسلحانه خود وسعت بازمی‌بخشند و بخشیده است. در مشهد و اصفهان در ادامه تشنجات قبلی در این دو شهر به دفاثر حزب جمهوری اسلامی حمله می‌شود.

در زندان ساری زندانیان شورش کرده و زندان را به آتش می‌کشند و هنگامی که پاسداران زندان را تحویل پلیس شهربانی می‌دهند

● در چند روز اخیر عملیات ضدانقلابی گسترش چشمگیری یافته است. سحرگاه جمعه سوم بهمن ماه سه تن از افراد بسیج به‌هنگام گشت مورد حمله قرار گرفتند و دو تن از آنان به نام‌های محسن قادری و کمال طاهوی به‌شهادت رسیدند. و هم‌زمان با این واقعه دردناک، یک تن دیگر از افراد بسیج در قلعهک هنگام نگهبانی به‌شهادت رسیدند.

در چند شب گذشته کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه توسط عده‌ای ناشناس با بمب‌های آتش‌زنا مورد حمله قرار گرفتند.

چند مورد تجمع‌های مشکوک توسط عناصر وابسته به رژیم سابق مشاهده شده که خبر از توطئه‌های فریب‌الوقوع می‌دهد.

در جنگل‌های مازندران دسته‌های چریکی دیده شده است که با دستگیر شدن عده‌ای از آنها به‌وسیله پاسداران روشن شده که توسط ضدانقلاب و عناصر رژیم سابق سازمان یافته‌اند.

افغانی‌های به‌اصطلاح مجاهد که زمانی توسط جمهوری اسلامی پدیرایی شده و مسلح شدند، هم اینک به‌تدریج در مقابله با

ریز و درشتش می‌دانند که چهره امپریالیست‌ها آنقدر در نزد خلق‌های سراسر جهان رسوا و شناخته شده است که دیگر نمی‌توان مستقیماً به تبلیغ برای آن پرداخت.

امپریالیسم آمریکا، کشتارهای وحشیانه مردمی که برای کسب استقلال و آزادی به‌پا خاسته‌اند، غارت منابع ملی و چپاول دسترنج و نیروی کار زحمتکش‌شان تحت ستم، جای هیچ‌گونه دفاعی از این رژیم‌های جنایتکار باقی نگذاشته است.

امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند خود را دوست مردم جهان جا بزنند. بنا بر این همه تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا مرز بین نیروهای انقلابی و ارتجاعی را مخدوش ساخته و خشم مردم جهان را علیه خود "نصف" کرده و نبی از آن را متوجه "برقدرت دیگر" یعنی اتحاد شوروی و سایر بقیه در صفحه ۲۰

سخنان هاشم صباغیان در مجلس تکرار یاوه‌های ماشین تبلیغاتی امپریالیسم

بزرگ وابسته، فئودال‌ها، تاجر بزرگ، ساواکی‌ها و سایر "عوامل مزدور غرب" کاری نداشته باشیم و همه بیرویمان را صرف خنثی ساختن توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا نکنیم. اکنون وقت "مبارزه اصولی" با انقلابیون کمونیست و همه نیروهای میهن‌پرست که از نظر لیبرال‌ها "عوامل مزدور شرق" هستند، فرارسیده است! صباغیان در سخنان خود به نحو "استادانه‌ای" فشرده تمام آن تبلیغات و راه‌حل‌های تجربه‌شده‌ای را که تاکنون به "عقل" امپریالیست‌ها رسیده و ماشین تبلیغاتی امپریالیسم با تمام قوا آن را تبلیغ می‌کند، بیان داشت. امپریالیسم آمریکا و ایادی

بر روی دیوارها با خطوط بسیار زیبا فقط شعارهای ضد امپریالیستی یا (غربی) امام را می‌نویسند ولی از کلمات نه‌شرقی ایشان خبری نیست؟

این سخنان صباغیان هیچ چیز تازه‌ای در بر ندارد و همان افکار همیشه‌گویی لیبرال‌های سازشکار را بیان می‌کند که آنها نیز این افکار را از مبلغان و تئوریسین‌های امپریالیستی "قرض" گرفته‌اند.

صباغیان می‌گوید دیگر شکست خورده و اکنون باید مبارزه "اصولی و اصولی" را با "دشمن غدار شرق و عوامل مزدور آن" آغاز کرد. این حرف به معنی این است که دیگر با سرمایه‌داران

"ملت رنج‌دیده و زحمتکش ما... باید مبارزه اصلی و اصولی را هم با دشمن غدار شرق و عوامل مزدور داخلی آن شروع کند" (همینجا باید توضیح داد که از نظر صباغیان و سایر همفکران لیبرال وی هر نیرویی که خواهد به منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا دست درازی کند، از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام گرفته تا انقلابیون کمونیست... مزدور شرق است!) صباغیان سپس خشم خود را از شعارهای ضدامپریالیستی مردم بر در و دیوار شهر می‌نویسند ابراز داشته و ادامه می‌دهد:

"... چه کسانی با چنین هزینه‌های گزاف (؟)

● به‌دنبال آزادی گروگان‌ها موج تبلیغات محافل لیبرال و سازشکار مورد حمایت امپریالیسم آمریکا رو به گسترش سپرده است. لیبرال‌ها با استفاده از این موقعیت و با استفاده از روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و سایر شیوه‌های تبلیغاتی به نحو زیرکانه‌ای می‌کوشند مبارزه با امپریالیسم آمریکا را پایان یافته تلقی کرده و "خطر شرق" و "لزوم مبارزه اصولی با سوسیال امپریالیسم روسیه!" را بیش از پیش به‌میان بکشند. هاشم صباغیان یکی از چهره‌های معروف لیبرال‌های مورد حمایت امپریالیسم در نطق پیش از دستور خود در مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۵ بهمن، این ایده ضدانقلابی را بطور آشکاری بیان داشته و گفت:

"ولی آن دشمنی که بعضی خطوط و عوامل داخلی آن شناخته شده نیست، آن دشمن خطرناک شرق است و"

مرکب بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

● روز یکشنبه هفته جاری "کنفرانس کشورهای اسلامی" در طائف عربستان سعودی گشایش یافت. طبق گزارش خبرگزاریها "بررسی" جنگ عراق با ایران، مسئله فلسطین و به اصطلاح مسئله افغانستان از جمله مسائلی است که کنفرانس در برنامه کار خود قرار داده است. اینکه موضع گیریهای کنفرانس باتوجه به ترکیب کشورهای شرکت کننده در آن، که بسیاری کشورهای مرتجع در آن حضور دارند، در کدام جهت سیر می کند کم و بیش از قبل معلوم و مشخص است. در این کنفرانس لیبی به خاطر قطع رابطه با رژیم مرتجع عربستان سعودی، ایران به علت مخالفتش با حضور صدام متجاوز در کنفرانس و افغانستان به دلیل مخالفت اکثریت کشورهای عضو کنفرانس که از مرتجعین به نام هستند با حق قانونی دولت افغانستان به عنوان نماینده واقعی این کشور، شرکت ندارند. از طرف دیگر دولت مصر که باتوجه به فشار نیروهای ترقیخواه و خلقهای منطقه و افشای خیانتهایش علیرغم میل باطنی این مرتجعین از کنفرانس اخراج شده نیز در کنفرانس حضور ندارد.

مروری بر سابقه این قبیل کنفرانسها و ماهیت غالب نیروهای شرکت کننده در آن نشان می دهد که در

خودداری دولت از شرکت در کنفرانس اسلامی اقدام درستی است

نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه، امری که ما همواره بر آن تاکید داشته ایم برداشته شود. عدم اتحاد مواضع یکسان و مشترک از طرف کشورهای ترقیخواه و پراکندگی در صفوف آنان تنها میدان عمل نیروهای ضدانقلابی را گسترده تر می کند و امری نیست که به سود انقلاب منطقه باشد. تجربه اخیر باید درسی باشد تا جمهوری اسلامی بر لزوم نزدیکی و اتحاد با متحدین خود در منطقه بیشتر و بیشتر تاکید ورزد و گامهای موثرتری در جهت آن به پیش بردارد.

عدم انتخاب وزیر امور خارجه به علت کارشنکیهای زیاد و در نتیجه عدم وجود یک طرح و برنامه مدون برای پیشبرد سیاست خارجی ضد امپریالیستی به وسیله جمهوری اسلامی نیز تا حدودی به کمبودهایی که اشاره کردیم، کمک کرده است. ما ضمن تاکید موضع گیری دولت مبنی بر عدم شرکت در کنفرانس یکبار دیگر بر ضرورت انتخاب هرچه سریع تر وزیر خارجه، طرح یک برنامه مدون در زمینه سیاست خارجی و ضرورت همکاری و اتحاد هر چه بیشتر با نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه تاکید می کنیم.

این نیروها به خوبی آشکار می شود و از طرف دیگر دعوت صدام حسین به کنفرانس که یک جنایتکار جنگی و تجاوزگر است بدون هیچگونه موضع گیری علیه تجاوز رژیم وی به خاک میهن ما عملاً نمی تواند جز با هدف توجیه جنایات وی در انظار جهانیان انجام پذیرفته باشد و کوشش نیروهای مرتجع در جهت پیدا کردن راه حل صلح بین ایران و عراق نمی تواند چیزی جز توجیه تجاوز صدام که عامل اصلی برهم زدن روابط حسن همجواری بین دو کشور است صورت گیرد.

از نقطه نظر نیروهای انقلابی منطقه شرکت و یا عدم شرکت در هر کنفرانس و مجمعی در سطح منطقه و از جمله کنفرانس مورد بحث یک مسئله ثابت و لاینحرف نمی باشد. برخورد نیروهای انقلابی به این قبیل مجامع باتوجه به این مسئله تعیین می شود که آیا شرکت و یا عدم شرکت در این یا آن

این کنفرانسها نیروهای وابسته به امپریالیسم همواره کوشیده اند تا تشکیل این کنفرانسها را به وسیله ای برای اجرای برنامه ها و سیاستهای امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل نمایند. به عنوان نمونه می توان گفت که کنفرانسهای سران و یا وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی هرگز عملی مشخص برای دفاع از منافع خلق فلسطین و مقابله با تجاوزگریهای رژیم صهیونیستی اسرائیل ارائه نداده و قطعنامه های در حد حرف باقی مانده است و یا در طرح به اصطلاح مسئله افغانستان نیروهای وابسته به امپریالیسم هدف مقابله با خلق افغان، خدمت به مطامع تجاوزگران امپریالیسم آمریکا، به راه انداختن کارزار ضد کمونیستی و دفاع از نیروهای فتووالی و وابسته افغانی را مد نظر داشته اند.

به این ترتیب در طرح دو مسئله فلسطین و به اصطلاح افغانستان اهداف

کشورهای سوسیالیستی کنند. امپریالیستها از این خط مشی تبلیغاتی دو هدف عمده را دنبال می کنند: اول: منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی و خارج کردن امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی از زیر ضرب مبارزات زحمتکشان. دوم: برگرداندن خشم مردم انقلابی و به پا خاستن به سوی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، جدایی افکندن بین نیروهای انقلابی سراسر جهان و سرکوب جداگانه مبارزات ضد امپریالیستی مردم کشورهای مختلف.

حرفهای صباغیان در مجلس شورای اسلامی نیز هیچ نیست جز بیان همان

درون مجلس را نیز برخواهد انگیخت و از این رو خواسته است که از قبل جلوی هرگونه اعتراضی را سد کند و پیشاپیش اعلام کرده که مسئولیت این سخنان با "خود من" است!

آری آقای صباغیان! این لاپلائات نه حرف مردم ایران، نه حرف نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی و از جمله نمایندگان ترقیخواه مجلس، بلکه حرف شما و مشتی همفکر لیبرال شماست. حرف مردم ایران این است که:

"ما تا آخر عمر با آمریکا مبارزه می کنیم" چرا که "تمام بدبختیهای ما زیر سر آمریکاست". در این مبارزه هر نیرویی - منجمله دوستان لیبرال شما - که بخواهند انقلاب ایران را به راه سازش و تسلیم در برابر امپریالیسم آمریکا بکشند، از میان صفوف خلق طرد خواهند شد.

سالهای قبل از انقلاب همواره با سرنیزه ها و گلوله های آمریکایی کشتار شده اند و پس از انقلاب نیز با جنگ و دندان از انقلاب خود در برابر محاصره اقتصادی آمریکایی، تهاجم نظامی آمریکایی، کودتای آمریکایی، جنگ تجاوزگرانه ای که بنابینه خواست امپریالیسم ایالات متحده آمریکا به راه افتاده و ... دفاع کرده اند و در دوران سخت مبارزه آگاهی شان بسیار افزایش پیدا کرده است. حال چگونه لیبرالها می توانند به این مردم که خشم و کینه انقلابی نسبت به امپریالیسم آمریکا سرتاپای وجودشان را پر کرده و به حق آمریکا را بر بزرگترین و اصلی ترین دشمن خود می دانند بیایند و بگویند: نخیر اشتباه می کنید، دشمن اصلی آمریکا نیست، بلکه خطر از "شرق" است!

خط اصلی ماشین تبلیغاتی امپریالیسم جهانی. اما لیبرالهای وطنی برای تبلیغ این "خط" با دشواریهای بزرگی روبرو هستند. دشواریهایی که به آنان اجازه نداده توده های مردم را به راحتی فریب داده و به زیر پرچم خیانت و سازشکاری بکشانند.

مردمی که هزاران تن از فرزندان انقلابی شان به دست امپریالیسم و دژخیمان وابسته به آن به شهادت رسیده اند و در نتیجه دهها سال حاکمیت امپریالیسم بر میهنشان جز فقر، گرسنگی و سیه روزی هیچ چیزی برای آنها به ارمغان نیاورده است لیبرالها باید تفاله های دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم را تحویل مردمی بدهند که در

سخنان هاشم صباغیان در ...

بقیه از صفحه ۱۹

مجلس شورای اسلامی نیز هیچ نیست جز بیان همان

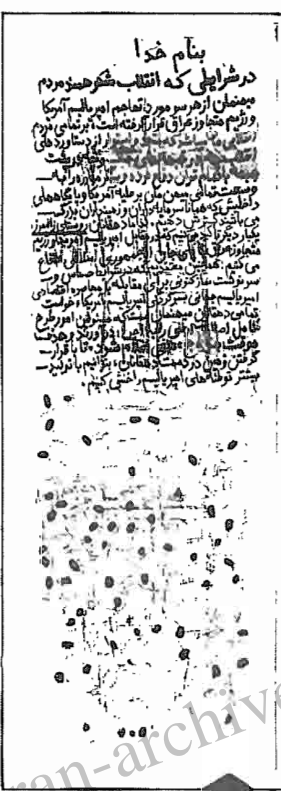
زحمتکشان روستای زاغمرز - مازندران :

با اجرای بند (ج) تنها جم همه جانبه امپریالیسم امریکاراختی کنیم

نمایندگان نفتگران را آزاد کنید

نمایندگان نفتگران و تمامی نیروهای مردمی را که آماده جانبازی در راه مردم و دفاع از استقلال میهناند، و اکنون در پشت میله‌های زندان به سر می‌برند، آزاد کند!

از دستگیری ۶ تن از نمایندگان نفتگران در ماهشهر، شیراز و تهران، نزدیک به یک ماه می‌گذرد. ما ضمن اینکه خواستار آزادی نفتگران زندانی هستیم یادآور می‌شویم اینگونه اقدامات از جانب مسئولان جمهوری اسلامی جر دامن زدن به تشنجات و ایجاد اختلاف و درگیری در صفوف خلق، نتیجه دیگری در بر ندارد. در این شرایط خطیر همه نیروهای مردمی وظیفه دارند، متحد و متشکل همچون یک تن واحد در برابر توطئه‌های امپریالیسم جهانخوار ایستادگی کنند و دشمن متجاوز را از خاک میهن بیرون برانند. دولت جمهوری اسلامی می‌بایست هرچه زودتر



روشنی شان می‌دهد :

خیلی صریح نشان می‌دهد که چه کسانی و چرا دلسوزان واقعی انقلابند. این طومار درسهای زیادی برای مسئولین امور مملکتی دربر دارد. آنها که با لغو بند ج یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب را در مخاطره قرار داده‌اند، باید اعتراض سازنده روستائیان "زاغمرز" را به گوش بگیرند. این حرف دل میلیونها زحمتکش روستا است که: "دولت باید با واگذاری زمین به دهقانان، با مصادره زمین زمینداران بزرگ، با تولید بیشتر، توده‌های هرچه وسیع‌تری را به مقابله با تهاجم همه‌جانبه امپریالیسم امریکا و رژیم مرتجع صدام ترغیب نماید. حرفهای زحمتکشان روستاها را باید شنید. به خواستهای عادلانه آنان باید جواب داد. صاحبان و مدافعین راستین انقلاب همین توده‌های میلیونی بزرگ و کارگرند. حفظ انقلاب تعقیق انقلاب و سرانجام مرگ و زندگی آن در گرو همین امر است. این را طومار زحمتکشان "زاغمرز" به

اهالی روستای "زاغمرز" بهشهر در اعتراض به لغو بند ج اصلاحات ارضی اقدام به تهیه طوماری نموده‌اند. در این طومار که امضاء زحمتکشان روستا را به همراه دارد توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا محکوم شده‌است. روستائیان "زاغمرز" هم چنین مهم‌ترین ضرورت انقلاب را که خود با آن دست به‌گریبانند، به روشنی برمی‌شمارند. آنها می‌گویند: در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کنونی برای مقابله با محاصره اقتصادی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا خواست تمامی دهقانان میهنمان است که مسئولین امور، طرح کامل اصلاحات ارضی را به اجرا درآورند و حذف موقت بند ج ملغی اعلام شود. روستائیان به درستی بر تاثیرات تعیین‌کننده این اقدام در جهت تقویت جبهه و پشت جبهه مقاومت توده‌ای در مقابل تجاوزات رژیم صدام حسین انگشت می‌گذارند. متن طومار آنها

Table with multiple columns and rows containing financial data, likely a ledger or account book. Columns include names, amounts, and various codes. The table is organized into several vertical sections.

بقیه از صفحه ۳

برای درهم شکستن ...

می داشتند که خط امام از اول هم ضدامپریالیست نبود و برخی دیگر نیز می گفتند پس از تشکیل دولت موقت خط امامی ها با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، ارگان "سازش" تشکیل داده اند و اگر هم در گذشته "گرایشات" ضدامپریالیستی داشتند ، حالا دیگر ماهیت آنها کاملا فرق کرده است آنها دیگر نماینده خرد بورژوازی نیستند ، آنها حالا نماینده سرمایه داران وابسته شده اند و از این قبیل ...

ببینش "چپ" پس از تسخیر سفارت نیز مبارزه طبقاتی میان خط امامی ها و لیبرال ها را باور نکرد و آن را یک "عوام فریبی ضدامپریالیستی" دانست . این بینش که ما در گذشته از آن بری نبودیم ، پیام نوروزی آیت الله خمینی را نیز گام دیگری در پیشروی "سازش" اعلام داشت اعلام شرایط برای آزادی گروگانها را نیز از سوی مجلس "سازش" با امپریالیسم خواند و طبعاً امروز نیز این بینش حل مسئله گروگانها را "سازش" می خواند . اما ببینیم به راستی در دو سال گذشته که بینش "چپ" بی دربی "سازش" های حکومت جمهوری اسلامی را با امپریالیسم اعلام داشته ، پروسه حرکت حکومت به کدام سو بوده است ، به سوی سازش با امپریالیسم و یا در راستای دیگری ؟ ببینیم در دو سال گذشته حکومت چقدر در نزدیکی با امپریالیسم پیش رفته است ؟ اگر پیش بینی ها و تحلیل های بینش "چپ" درست می بود ، اگر حکومت آنچه آن را که "چپ روها" پیش بینی کرده اند ، هر روز گام تازه ای در جهت "سازش" با امپریالیسم برداشته بود ، قاعدتا الان باید دوستان امپریالیسم در حکومت تقویت شده بودند ، سیاست حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با سیاست های دو سال پیش و یکسال پیش به اصطلاح "چپ روها" سازشکارانه تر باشد و امپریالیسم نیز "با حسن نظری" بیش از گذشته به جمهوری اسلامی بنگرد . اما آیا برآستی چنین است ؟

هرکس که یک جو عقل و یک جو صداقت داشته باشد به آسانی می بیند که پروسه تحول جمهوری اسلامی کاملا در مسیری عکس پیش بینی های "بینش چپ" سیر کرده و در مسیری عکس مسیر "سازش" به پیش رفته است .

اگر در گذشته دولت لیبرال ها بر سر کار بود و سیاست گام به گام را به پیش می برد ، امروز دولت را خود نیروهای خط امام تشکیل می دهند . اگر در گذشته نرپه ها ، مقدم مراغه ای ها ، امیر انتظام ها ، مدنی ها ، قطب زاده ها ، میناچی ها ، ایزدی ها و امثال آنان بر پست های حساس حکومتی تکیه داشتند امروز در برابر دیدگان نگران و خشمگین امپریالیستها این عناصر مورد حمایت امپریالیسم ، از قدرت طرد شده اند و همانگونه که می دانیم برخی فراری ، برخی زندانی شده اند و اکثر به صف مخالفان دو آتشه حکومت پیوسته اند . اگر تا همین شش ماه پیش در وزارت خارجه سیاست گسترش رابطه با پاکستان و ترکیه تعقیب می شد امروز سیاست گسترش رابطه با دولت های ترقی خواه لیبی سوریه ، یمن دمکراتیک و الجزایر در منطقه تعقیب می شود و گسترش رابطه با دولت های سوسیالیستی جهان نیز هر چند به کندی دنبال می شود .

آیا همین تحولات کافی نیست که به "چپ روها" نشان دهد همه پیش بینی های آنها مبنی بر پیشروی خط امام به سوی "سازش" با شکست روبرو شده و بجای آن روند تعمیق انقلاب ادامه یافته است ؟ اگر کافی نیست ما شواهد بیشتری را مثال می آوریم .

به سیاست های تبلیغاتی رادیو - تلویزیون و روزنامه های اطلاعات و کیهان که به دست خط امامی ها اداره می شوند ، نگاه کنیم . در دوره دولت موقت بازرگان رادیو - تلویزیون نه تنها از تبلیغ علیه امپریالیسم بلکه حتی از بردن نام امپریالیسم نیز هراس داشت و بجای آن مبلغ سیاست سازش با امپریالیسم بود . اما امروز می بینیم که رادیو - تلویزیون نقشی مهم در شناساندن ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم به توده های

میلیونی ایفاء می کنند . اگر روزنامه های اطلاعات و کیهان تا همین اواخر در دست لیبرال ها بود ، امروز می بینیم که این دو روزنامه کثیرالانتشار دولتی که صدها هزار خواننده در سراسر ایران دارند ، سیاست خط امام را پیش می برند ، ماهیت امپریالیسم و لیبرال ها را افشاء می کنند و در جهت تداوم و تعمیق انقلاب گام برمی دارند . کافی است یک شماره اطلاعات زمان دولت موقت بازرگان را با امروز مقایسه کنیم . کافیت یک شماره کیهان همین چند ماه پیش را با امروز مقایسه کنیم تا ببینیم مسیر حوادث به کدام سو بوده است ؟ آیا همه این تحولات نشانه ورشکستگی پیش بینی ها و تحلیل هایی که سیر تحولات را در جهت "سازش" با امپریالیسم می دید و هر اقدام حکومت را گامی در این جهت معرفی می کرد . نیست ؟

اگر در زمان دولت موقت ، امپریالیستها با شادمانی از "چشم انداز گسترش روابط" با دولت ایران حرف می زدند ، اینک ماهیست که امپریالیسم برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی همه توان خود را به کار گرفته است . راستی چرا استراتژی امپریالیسم سرنگونی جمهوری اسلامی شده است ؟ آیا سیاست امپریالیستها مبنای طبقاتی ندارد ؟ آیا همین تحول در استراتژی امپریالیستها مبنای طبقاتی ندارد ؟ آیا همین تحول در استراتژی امپریالیستها نشانه تعمیق انقلاب و ورشکستگی تحلیل های "بینش چپ" نیست ؟ می توان دهها دلیل و مدرک دیگر در جهت این استدلال ارائه داد . "بینش چپ" هر نیرویی که واقعیت امر را به توده ها نشان دهد ، هرکس که بگوید حل مسئله گروگانها به سود انقلاب است ، "سازشکار" می خواند و او را به "فریب توده ها" متهم می سازد . راکارگر ، اقلیت ، اشرافی ها ، سازمان مجاهدین وغیره بدون آنکه لحظه ای به این واقعیت ها ببینند ، هر یک شتابزده تلاش دارد در افشای اقدام اخیر حکومت جمهوری اسلامی دیگری را پشت سر گذارد . کجای کار این جریانات می لنگد ؟ چرا این جریانات به سادگی هر اقدام حکومت را گامی در جهت "سازش" معرفی می کنند و با وجود آنکه همه پیش بینی هایشان بر این پس از دیگری غلط از آب در می آید ، باز هم همان اشتباهات اساسی خود را تکرار می کنند ؟ پاسخ به این سؤال خود به بهترین وجهی نشان می دهد که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس بر مبنای منافع و مصالح طبقاتی خود اقدام می کند و حل مسئله گروگانها را نیز بر همین مبنای پیش برده است .

مارکسیسم - لنینیسم می آموزد که قاعده و قانونمندی آن است که هر نیروی براساس ماهیت طبقاتی خود حرکت کند و نیز می آموزد که نمایندگان طبقه کارگر بر مسیر حرکت خود آگاهی کامل دارند و در هر مرحله براساس برنامه و سیاست های مشخص حرکت می کنند ، به طبقه سرمایه دار نیز کم و بیش از منافع طبقاتی خود آگاهی دارد اما خرده بورژوازی بنا به ماهیت دوگانه اش در بسیاری موارد با تزلزل و تردید و در خیلی موارد بدون آنکه مسیری را که بر بستر منافع طبقاتی اش انطباق دارد از ابتدا باز شناسد در کلیت حرکتش بر بستر منافع طبقاتی خود به حرکت در می آید و از همین روست که حرکت او بیش از حرکت دیگر طبقات و اقشار با زیگزاگها و انحرافات لحظه ای و موقت از بستر اصلی آن همراه است . اما به هر حال قانونمندی حرکت می کند و در جریان حرکت خویش بتدریج خود را هر چه بیشتر با منافع طبقاتی خود منطبق می سازد بطوریکه در یک مرحله معین علیرغم زیگزاگها و تزلزلات بر اساس منافع طبقاتی خود حرکت می کند . از این روست که تحلیل مارکسیستی یعنی تحلیل طبقاتی علمی به ما حکم می کند که با مشاهده تزلزلات و تردیدهای خرده بورژوازی دچار تزلزل و تردید نشویم بلکه با اعتقاد به قانونمندی های جهان نشویم مارکسیسم بپذیریم که تحلیل ما باید بر این اساس باشد که خرده بورژوازی قاعدتا مطابق منافع طبقاتی خود حرکت می کند حتی اگر کاری خلاف مصالح طبقاتی خویش از آن سر زند در پروسه حرکتی خود ، آن را تصحیح خواهد کرد . اما وقتی تحلیل ها و پیش بینی های خود را براساس درک طبقاتی و مارکسیستی - لنینیستی از جریانات سیاسی قرار ندهیم (عارضه ای که بینش چپ بدان مبتلا است) به راحتی ممکن است هر اقدام و حرکت خرده بورژوازی را "سازش" با امپریالیسم یعنی امری مخالف ماهیت و منافع طبقاتی آن که مبارزه علیه امپریالیسم را در او برمی انگیزد اعلام کنیم . در

واقع هر بار که "بینش چپ" اعلام می کند که خرده بورژوازی با امپریالیسم به "سازش طبقاتی" رسیده ، بی اعتقادی خود را به اساسی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم بیان می دارد .

وقتی "بینش چپ" می گوید خرده بورژوازی پس از انقلاب یا به قدرت رسیدن ، ماهیت دیگری پیدا کرد ، وقتی "بینش چپ" انتخاب بازرگان ، پیام نوروزی ، اعلام شرایط آزادی گروگانها و حل مسئله گروگانها را یکی پس از دیگری "سازش طبقاتی" با امپریالیسم می خواند در واقعیت امر این بینش در هر یک از پیش بینی های خود ، بی اعتقادی خویش را به ابتدائی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم اعلام می دارد و همین بی اعتقادی است که امروز "چپ روها" را در سیاست و تکنیک در کنار بورژوازی یعنی دشمن طبقاتی طبقه کارگر قرار داده است .

ما بر اساس این اعتقاد که جمهوری اسلامی علی - القاعده حرکت خود را بر بستر منافع طبقاتی خویش منطبق می سازد ، اعلام می داریم که دولت که درکی که از منافع و مصالح طبقاتی خود دارد و بهتر بگوئیم با موضع طبقاتی خود ، مسئله گروگانها را حل کرده است بر همین اساس است که اعتقاد داریم دولت جمهوری اسلامی مسئله گروگانها را نه با هدف "سازش" با امپریالیسم بلکه با هدف پیشبرد سیاست های خود حل کرده است اما بی درنگ باید اضافه کنیم که لیبرال ها و دیگر نیروهای سازشکار که همواره برای پیشبرد خط سازش و برای گسترش رابطه با غرب ، خواستار حل مسئله گروگانها بوده اند ، با حل این مسئله و لغو تحریم اقتصادی امپریالیستها تلاش برای گسترش رابطه با امپریالیسم آمریکا و در شرایط کنونی ایران برای گسترش رابطه با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را ده چندان کرده اند . ما در این خصوص در کار ۸۳ چنین نوشتیم :

سیاست لیبرال ها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم این است که حل مسئله گروگانها را به سرازار بیهود روابط با امپریالیسم آمریکا بدل سازند آنها هم اینک چنین استدلال می کنند که ما برای پیروزی در این جنگ باید با آمریکا کنار بیاییم و برای پیروزی بر امپریالیسم باید با امپریالیسم بیشتر دوستی کنیم . از همینجا خوب می توان فهمید که چرا لیبرال ها برخلاف آیت الله خمینی که می گوید ما با آمریکا در جنگیم ، می گویند ما با آمریکا در حال جنگ نیستیم .

پس از حل مسئله گروگانها و پس از جنگ ، لیبرال ها باز هم تبلیغ خواهند کرد : برای بازسازی خرابی های جنگ و به راه انداختن صنایع ، باید روابط اقتصادی ایران با آمریکا ژاپن و اروپای غربی گسترش یابد تا سیاست "گام به گام" نزدیکی با امپریالیسم و نابودی انقلاب را دنبال کنند . بنابراین لیبرال ها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش دارند برنامه حل مسئله گروگانها را در خدمت تضعیف نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی ، دور کردن ایران از اردوگاه سوسیالیسم و دولت های مترقی جهان و نزدیک ساختن "گام به گام" ایران به امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا در آورند .

آنها به ویژه تلاش دارند زیر شعار ارتجاعی "دو ابرقدرت" و امثال آن ، ایران را از جبهه جهانی انقلاب دور ساخته و حلقه های وابستگی را محکم سازند . آنها تلاش دارند سیاست های ضد انقلابی خود را در مجلس ، در دولت و بطور کلی در میان نیروهای خط امام تبلیغ کنند و با بهره گیری از هراس و تزلزل نیروهای خط امام از نزدیکی به جبهه انقلاب ، خط سیاسی خود را پیش برند .

ما از هم اکنون به مجلس شورای اسلامی ، به دولت و بطور کلی به همه نیروهای خط امام در قبال این تلاش های خط سازش هشدار می دهیم و اعلام می داریم که هرگونه عقب نشینی در برابر خط سازش و هرگونه تزلزل و تردید در برابر آن ، هر گزایی که بخواهد ایران را بجای نزدیکی به دولتهائی که گسترش رابطه با آنها ضامن استقلال میهن ماست ، به امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی نزدیک سازد ، دشمنی با مصالح انقلاب می دانیم و بار دیگر تاکید می کنیم که امپریالیسم جهانی یک پیکر واحد است و گسترش رابطه با هر یک از اعضای این پیکر به مفهوم تحکیم وابستگی است .

ما به ویژه در این شرایط وظیفه همه نیروهای انقلابی و همه مردم آگاه ایران می دانیم که تبلیغات نزدیکی با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را وسیله

بقیه در صفحه ۲۳

مسئله کردن توده ها قاضی پیروزی خلق های ماست



بقیه از صفحه ۲۲

برای درهم شکستن ...

خنثی سازند و علیه هر گزاشی از این نوع با قاطعیت مبارزه کنند.

بررسی مختصر مفاد بیانیه دولت الجزایر

بررسی مفاد بیانیه دولت الجزایر که بر اساس ۴ شرط پیشنهادی مجلس شورای اسلامی تنظیم شده است نشان می دهد که مطابق این توافقنامه دولت امریکا بخشی از ۴ شرط ایران را همزمان با آزادی گروگانها اجرا کرده و تعهد نموده است که قسمت عمده ای از بخش دیگر آن را نیز به اجرا درآورد.

در مقدمه این توافقنامه چنین آمده است:

"دولت الجزایر با دو دولت درباره تعهداتی که هر یک آماده است برای حل این بحران در چهارچوب شرایط ذکر شده در مصوبه مورخ ۱۱ آبان ۱۳۵۹ (۲ نوامبر ۱۹۸۰) مجلس شورای اسلامی ایران به عمل آورد، مشورت های گسترده ای انجام داده است. بر اساس اعلام پذیرش رسمی از جانب ایران و ایالات متحده اینک دولت الجزایر اعلام می دارد که تعهدات متقابل زیر توسط دو دولت به عمل آمده است.

همچنان که در بیانیه دولت الجزایر ذکر شده. توافقنامه در چهارچوب ۴ شرط ذکر شده در مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران تنظیم شده است. ما خلاصه تعهدات پذیرفته شده از جانب دولت امریکا را که در این بیانیه آمده است، به اختصار مرور می کنیم:

ماده یک بیانیه دولت جمهوری الجزایر چنین است:

ماده ۱- عدم مداخله در ایران

۱- ایالات متحده امریکا تعهد می نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید.

وقتی نوشته بالا را با شرط اول مجلس مقایسه کنیم می بینیم که جمله "سیاست ایالات متحده این است" به ابتدای شرط اول مجلس افزوده شده که قطعا معنی و مضمون آن را تغییر داده و با آنچه مقصود مجلس بوده تفاوت پیدا کرده است، لیکن پس از این جمله شرط اول مجلس آورده شده است. قابل ذکر است که گنجاندن این تعهد در بیانیه همچنان که قبلا تاکید کرده بودیم، تنها دارای اهمیت سیاسی است و طبعاً هیچ ضمانت اجرایی ندارد. قطعا امپریالیسم امریکا و همه امپریالیستها آنچنان که در سرشت تجاوزکارانه امپریالیسم است به هر وسیله ای که بتوانند، چه سیاسی و چه نظامی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم در امور ایران دخالت خواهند کرد. چنانکه هم اکنون با ترغیب رژیم مرتجع صدام و حمایت از آن ماههاست درجبهه های وسیع علیه انقلاب ایران می جنگند. با اینهمه از نقطه نظر سیاسی مجبور کردن امپریالیسم امریکا به پذیرش چنین تعهدی بنوبه خود یک پیروزی سیاسی برای انقلاب ایران است

خلاصه شرط دوم و سوم مجلس چنین است:

۲- آزاد کردن همه سرمایه ها و کلیه اموال ایران و ازمیان برداشتن همه موانعی که دولت امریکا از ۲۳ آبان ۵۸ در راه دخل و تصرف دولت ایران در سرمایه ها و دارائی های ایران ایجاد کرده است.

۳- لغو کلیه اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران و اعلام ابطال کلیه دعاوی از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی که در رابطه با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا عنوان شده است.

توجه به بندهای ۳ تا ۱۱ بیانیه دولت جمهوری الجزایر نشان می دهد که امپریالیسم امریکا شرایط دوم و سوم مجلس شورای اسلامی را پذیرفته و اجرای آنها را نه همزمان با آزادی گروگانها که خواست مجلس بود بلکه پس از حل مسئله گروگانها تعهد کرده است.

در بند ۱۰ بیانیه چنین آمده است:

"به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده تمام تحریم های تجاری را که از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) تاکنون علیه ایران اعمال گردیده است، لغو خواهد نمود. در بند ۴ نیز چنین آمده است:

"به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به حساب

مشروط نزد بانک مرکزی، ایالات متحده تمام سپرده ها و اوراق بهاداری را که در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا پس از آن در دفاتر شعب خارجی بانکهای مرکزی ثبت شده است، به همراه بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ به بانک مرکزی، حساب بانک مرکزی الجزایر، منتقل خواهد کرد که نزد بانک مرکزی در حساب بانک مرکزی الجزایر خواهد ماند تا زمانی که برگشت یا انتقال آنها طبق بند ۳ مذکور در فوق الزام آور گردد.

در بندهای دیگر نیز انتقال دیگر دارائی های ایران به حساب بانک مرکزی الجزایر و در برخی موارد به خود ایران تعهد شده است. مثلا در بند ۹ چنین آمده است:

"با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل ادعاهای منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی، مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می باشد و در چهارچوب بندهای فوق - الذکر قرار نمی گیرد، به ایران خواهد داد."

بررسی بندهای ۲ تا ۱۱ نشان می دهد که امپریالیسم امریکا برای آزادی گروگانها ضمن قبول تعهد اجرای شرایط ۲ و ۳ مجلس، بخشی از خواسته های ایران را که در شرایط دوم و سوم مجلس آمده است، همراه با آزادی گروگانها به اجرا درآورده و تعهد شده است که بقیه خواسته ها را حتی الامکان و در اسرع وقت به اجرا درآورد. به این مسئله که خود این تعهدات دولت امریکا چه اهمیتی دارند و اگر امپریالیسم امریکا از اجرای آن سر باز زند تا چه

ما از هم اکنون به مجلس شورای اسلامی، به دولت و بطور کلی به همه نیروهای خط امام درقبال این تلاش های خط سازش هشدار می دهیم و اعلام می داریم که هرگونه عقب نشینی دربرابر خط سازش و هرگونه تزلزل و تردید دربرابر آن، هر گزاشی که بخواید ایران را بجای نزدیکی به دولت هایی که گسترش رابطه با آنها ضامن استقلال مبین ماست، به امپریالیست های اروپائی و ژاپنی نزدیک سازد، دشمنی یا مصالح انقلاب می دانیم و بار دیگر تاکید می کنیم که امپریالیسم جهانی یک پیگر واحد است و گسترش رابطه با هر یک از اعضای این پیگر به مفهوم تحکیم وابستگی است.

حد باعث رسوائی و بی اعتباری هرچند بیشتر امپریالیسم درجهان خواهد شد، در آخر همین بررسی اشاره خواهیم کرد.

شرط چهارم مجلس را می توان چنین خلاصه کرد:

بازرسی دادن ثروت هایی که شاه از مردم ایران غارت کرده است.

در این مورد در بیانیه دولت الجزایر چنین آمده است:

ماده ۴- برگشت دارائی های خانواده شاه سابق:

۱- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده اموال و دارائی های موجود در امریکا را که تحت کنترل وراث شاه سابق و یا هر یک از بستگان نزدیک وی بوده و به عنوان خواننده از جانب ایران به منظور برگرداندن اموال و دارائی های متعلق به ایران در دادگاه های ایالات متحده بر علیه آنان طرح دعوی می شود مسدود و انتقال آنها را ممنوع خواهد نمود. دستور انسداد اموال و دارائی های هر یک از خوانندگان و همچنین ماترک شاه سابق تا پایان جریان دادرسی به قوت خود باقی خواهد بود. تخلف از دستور انسداد مستوجب مجازات های کیفری و مدنی مقرر در قوانین ایالات متحده خواهد بود.

دولت امریکا متعهد شده است که به تمام اشخاص مقیم در حوزه قضائی امریکا دستور دهد که ظرف ۳۰ روز کلیه اطلاعات موجود نزد آنها در رابطه با اموال و دارائی های مذکور در بند ۱۲ را به منظور ارسال به ایران به خزانه داری ایالات متحده گزارش دهند و تاکید شده است که "تخلف از این مقرر مستوجب مجازات های کیفری و مدنی مندرج در قوانین ایالات متحده خواهد بود.

اجرای بخش مهمی از شرایط مجلس و قبول تعهد از جانب دولت امریکا مبنی بر اجرای بخش دیگر شرایط

مجلس درقبال آزادی گروگانها برخلاف تبلیغات لیبرال ها و بنی صوری ها برای انقلاب ایران پیروزی سیاسی است. هرچند که بخشی از شرایط مجلس به مرحله اجرا درنیامده اما امپریالیسم ناچار شده است تعهد کند، اگر امپریالیسم امریکا تعهداتی را که پذیرفته است به مرحله اجرا درنیآورد قطعا همین مسئله باعث بی اعتباری و رسوائی هرچه بیشتر امپریالیستها خواهد شد و دولت امریکا را به عنوان یک طرف بی اعتبار که به آسانی تعهدات پذیرفته خود را نقض می کند، معرفی خواهد کرد که این قطعاً سیاست خارجی امپریالیسم امریکا را دچار مشکلات جدی خواهد ساخت. بنابراین برخلاف ادعای لیبرال ها و بنی صوری ها که درصددند بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک الجزایر را بی اعتبار جلوه دهند، این بیانیه درکل خود هرچند که همه شرایط مجلس را تأمین نکرده است، اما یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی است و برای امپریالیسم امریکا که پس از چهارده ماه بازداشت گروگانها تازه با پذیرش این شرایط توانسته است آنها را آزاد سازد. یک شکست جدید به حساب می آید.

همانگونه که در شماره پیش نیز تاکید کردیم، دولت جمهوری اسلامی باید همچنان برای اجرای مفاد این تعهدات به مبارزه خود ادامه داده و هرکجا که امپریالیسم امریکا در صدد نقض تعهدات پذیرفته شده برآید، وسیعاً علیه آن به افشاکاری دست زند.

نکته درخور توجه دیگری که در این بیانیه آمده این است که اختلاف بین دولت جمهوری اسلامی و دولت امریکا بر سر تفسیر هر یک از مفاد بیانیه و بر سر نحوه اجرای تعهداتی که مطابق بندهای ۱۲ تا ۱۵ به عهده ایالات متحده می باشد. توسط یک هیئت داور بین المللی که مورد قبول دولت ایران و دولت امریکا باشد، حل می گردد و چنانچه هیئت مزبور تشخیص دهد که در نتیجه قصور ایالات متحده در اجرای تعهدات منحل خسارتی گردیده است، حکم مقتضی به نفع ایران صادر می کند که این حکم در دادگاه های هر کشوری و مطابق قوانین آن کشور به وسیله ایران می تواند به موقع اجرا گذاشته شود.

بقیه از صفحه ۱۸

چگونه می توان

وابستگی اقتصادی را...

در تابعیت نیازهای رشد سرمایه قرار دارند تا ببینیم که چگونه از طریق پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه ثمره کار کارگران و زحمتکشان میهن به آنان انحصارات امپریالیستی سرازیر می شود. در این بحث نشان خواهیم داد که وابستگی اقتصادی، وابستگی به امپریالیسم جهانی و به سرکرده آن امپریالیسم امریکاست و این نتیجه ناگزیر رشد سرمایه های انحصاری برای جوامعی است که در شبکه روابط امپریالیستی قرار دارند. راه استقلال و قطع وابستگی، راه قطع پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه است.

در این مقالات نشان خواهیم داد که مشارکت در تقسیم کار جهانی چنانچه مشارکت در تقسیم کار جهانی تحمیلی امپریالیسم نباشد. نه تنها وابستگی دربی نخواهد داشت بلکه ضامن استقلال است. ما در این مقالات نشان خواهیم داد که چرا گسترش روابط اقتصادی با اردوگاه سوسیالیسم و کشورهای ترقیخواه جهان ضد وابستگی و به مفهوم تحکیم استقلال است. نشان خواهیم داد که آنان که می کوشند مفهوم وابستگی را صرفاً در وجود رابطه با جهان خارج تعریف کنند و بهره جستن از حمایت دولت های سوسیالیستی و مترقی جهان را نفی کنند، چاره ای ندارند جز اینکه در ادامه انقلاب یا تحلیل نادرست خود را از مفهوم وابستگی به کنار نهند یا آنکه راه سازش با امپریالیسم را در پیش گیرند.

ادامه دارد

استقلال - کار - مسکن - آزادی

حزب کمونیست عراق مردم عراق را به سرنگونی رژیم صدام و قطع جنگ دعوت کرد

درخشان جهت توده‌های زحمتکشی که
سالیان سال از بی‌عدالتی ستمگران،
دیکتاتورها، امپریالیست‌ها و استثمارگران
رنج برده‌اند، شدیداً به صلح و آرامش
نیاز دارند.

این جنایتی هولناک است که خون
ارتشیان و مردم دو کشور بر زمین ریخته
شود و تاسیسات اقتصادی آنها ویران گردد
و ویرانگری در دو کشوری حکمفرما گردد که
برای بهره‌برداری از منابع ملی خود و
غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و ساختن آینده

در صفحه ۵

قذافی:

امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان مشترک اتحاد شوروی و لیبی
در صفحه ۹

بدنبال دستگیری ماشاء اله قصاب

باید اسرار کمیته امریکائی پشت سفارت افشاء شود

دولت باید هرچه زودتر این مهره مورد حمایت امپریالیسم را بطور علنی محاکمه کند

در صفحه ۱۲

حمله ضد انقلاب به کتابفروشی‌ها

دولت باید عاملین این وقایع را هرچه زودتر دستگیر و محاکمه کند

● در روزهای گذشته یکبار دیگر کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران مورد حمله عناصر ضدانقلاب قرار گرفته و در این حملات که طی ۲ شب متوالی صورت گرفت تعدادی از کتابفروشی‌ها با مواد آتش‌زا به آتش کشیده شد. این اعمال ضدانقلابی که در تاریکی شب و دور از چشم مردم انجام می‌گیرد، قبل از هرچیز سلب حقوق سیاسی و فرهنگی مردم، ایجاد جو ترس و ناامنی و خفقان، قرار دادن نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی در برابر مردم و شکست اف انداختن در صفوف متحد خلق را نشانه گرفته است. مسامحه‌کاری و عدم برخورد جدی دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر این اعمال ضد انقلابی باند‌های سیاه، عملاً آب به

آسیاب امپریالیسم و مزدوران داخلی آن ریخته و موجب گسترش این حرکات و اعمال توطئه‌گرانه در سطح جامعه شده است. دولت جمهوری اسلامی همواره تهدید آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک مردم توسط مشتکی عناصر ضدانقلاب را با سکوت نظاره کرده‌است. نتیجه این سکوت آن بوده‌است که این گروه‌ها و عناصر با خودسری تمام و با خیال راحت به تهدید مردم، آتشزدن محل کسب و کار آنان و حمله به مراکز فرهنگی و سیاسی بپردازند. بی‌توجهی و سکوت دولت جمهوری اسلامی خوراک تبلیغاتی مناسبی را در اختیار دشمنان مردم قرار داده‌است. لیبرال‌ها با استفاده از چنین اعمالی، نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را مورد

حمله قرار داده آنها را به بی‌کفایتی و سرکوب آزادی‌های سیاسی متهم ساخته و خود را مدافع "آزادی" وانمود می‌سازند. لیبرال‌ها با این چهره عوام‌فریبانه می‌کوشند مردم را که از اینگونه اعمال ضد دمکراتیک به تنگ آمده‌اند به سوی خود جلب کرده و افکار ضد انقلابی خود را در میان آنان رسوخ دهند. سازمان ما ضمن محکوم ساختن قاطعانه اینگونه اعمال و حرکات ضدانقلابی، از دولت جمهوری اسلامی مصرا نه می‌خواهد که مسامحه‌کاری و سکوت در برابر چنین حوادثی را کنار نهاده و با دستگیری و محاکمه عاملین این وقایع، گامی در جهت مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب که وحدت مردم و انقلاب را تهدید می‌کند، به‌جلبوردارد.

می‌مانیم و در خون پیکار می‌کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، مدافعان خلق در سنگرهای سرح مقاومت، در عرضای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب ستار می‌کنند. خون پاک رفا، دشت‌ها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فدای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با جاورگران

- اکبر بدلی
- اکبر فخور
- امیر آقایی
- علی مصاف
- جواد گنجی
- ابرز یونسی
- ترتیب ریشی
- رحیم خطی
- سعید کوشش
- بهرام وزابینی
- محمود آبخو
- خسرو کریمی
- حسین شریعتی
- عبدالله مرادی
- محمد بازدار
- غلام عباس بخرد
- عناایت‌الله زینسی
- محمدرضا آذربان
- سپه‌لاستان زاده
- «حبیب‌الله» فرحخش
- ابراهیم شکرچی
- تبدالحسین شاه میر
- محمود اشرفی آبادی
- فریدون مرتضی زاده
- محمد قاسم فتح پیگی
- محمد مهدی نیل اندام
- محمد اسماعیل نوادرودینه
- محمد حسین صدرآبادی
- رحمت‌اله (امیر) اسفندیاریور
- نوری نیسان
- کاظم عبیدی
- علیرضا کاظمی
- علی حاتم زاده
- ایرج حسین نیا
- لطیف تلیزاده
- پرویز کریمیان
- اسحاق بابازاده
- مرتضی دارابی
- زهره موسویون
- وحید نیکت سیر
- شهریار باقرزاده
- کوروش پاک بین
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفرترزاد
- محمد رضا جعفری

★ پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

یاد شهید

محمد بخارائی و یاران هم‌زمش گرامی باد

روز اول بهمن ماه سال ۱۳۴۴، شهید محمد بخارایی قلب سیاه یکی از کثیف‌ترین عوامل امپریالیسم آمریکا در ایران، یعنی حسنعلی منصور را با گلوله نشانه گرفت گرچه محمد بخارایی و یاران هم‌زمش، صفارهرندی صادق آمانی و مرتضی نیک‌نژاد به‌خاطر انجام و شرکت در اعدام انقلابی منصور مزدور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۴ پیش پای مستشاران آمریکایی قربانی شدند و قهرمانانه شهادت در راه منافع مردم خود را پذیرفتند، اما خاطره اقدام انقلابی این جوانان ضد امپریالیست که در "جمعیت مومنه اسلامی" تشکل یافته بودند، به‌خاطر اعتراض جانانه‌شان به طرح کاپیتولاسیون و طراح کثیف آن، شاه خائن و نخست وزیر مزدور برای همیشه در تاریخ مبارزات خونبار ضد امپریالیستی مردم میهنمان باقی خواهد ماند. یاد همه شهیدان خلق گرامی باد!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر